

ترویج چارچوب های قانونی برای انتخابات دموکراتیک

موسسه دموکراتیک ملی

مقدمه ای بر ترویج و ارتقای چارچوب های قانونی برای انتخابات دموکراتیک

بنا نهادن "قواعد بازی" برای انتخابات می بایست برای احزاب سیاسی، نامزدها و نیز همه شهروندان امری حیاتی محسوب شود. انتخابات دموکراتیک در خدمت اجرای رقابت عادلانه و مسالمت آمیز بین آنهایی است که می خواهند به نمایندگی مردم از قدرت های دولتی بهره مند شوند. انتخابات دموکراتیک همچنین وسیله ای است که مردم بتوانند نقطه نظرات خود را بطور آزادانه به کسانی که قرار است به عنوان نماینده آنها از اختیار و مشروعیت لازم برای به دست گرفتن دولت برخوردار شوند بیان کنند. از این رو در جهت منافع ضروری و اصلی همه رقباتی انتخاباتی - احزاب سیاسی و نامزدها - و کل جامعه - شهروندان و نهادهای مردمی - است که اطمینان حاصل کنند تا قواعد رقابت های انتخاباتی تضمین کننده برگزاری یک انتخابات دموکراتیک به مفهوم واقعی آن خواهد بود.

انتخابات و مدیریت درگیری ها

گفتگوهای صلح در جوامعی که درگیری هایی خشونت آمیز و گسترده را پشت سر گذاشته اند، تقریباً همیشه همراه با زمانبندی انتخابات است. طرفین دعوا شاید به انتخابات به عنوان ابزاری برای رسیدن به کرسی های دولتی نگاه کنند و در ازای آن اسلحه را بر زمین گذاشته و به جای بسیج شدن برای جنگ و کشتار، به سمت صندوق های رأی سرازیر شوند. همچنین باید براین عقیده باشند که اصول چنین رقابتی برای آنها فرصتی ناب است برای رسیدن به اهداف خودشان. لذا طرفین گفتگوها به منظور رسیدن به توافق مورد نظرشان باید دست کم اجزای اصلی یک چارچوب قانونی را بپذیرند تا از تبعات سیاسی آن اطمینان حاصل شود. چارچوب تعیین شده برای این رقابت باید دربرگیرنده راه های عملی باشد تا رقیبان را از عبور از خط قرمزها باز داشته و تضمینی باشد برای جلوگیری از بازگشت دوباره خشونت و درگیری های علنی. این ها عوامل کلیدی رسیدن به یک صلح پایدار هستند.

کسانی هم که در روند گفتگوهای صلح نقش میانجی یا نقش خدمات رسانی ایفا می کنند نیز، به منظور داشتن صداقت در تلاش ها برای رسیدن به تفاهم مورد نظر، باید از چارچوب قانونی انتخابات درک درستی داشته باشند.

دخالت نماینده های مردمی در گفتگوهای مربوط به صلح، در جاهایی که امکان پذیر باشد تا نقشی مناسب ایفا کنند، دورنمایی مضاعف در راه رسیدن به صلح را ترسیم نموده و این قاعده اخلاقی را بنا می کند که حاکمیت از آن مردم بوده و از مردم سرچشمه می گیرد؛ لذا آنها نیز باید به مفاد چارچوب قانونی انتخابات پایبند باشند. پرداختن به این امر همچنین نمایانگر این مهم خواهد بود که، به منظور گسترش اعتماد عمومی به انتخابات و سازوکار سیاسی مربوط به آن، شهروندان نیز باید درک مناسبی از اجزای چنین چارچوب قانونی داشته باشند. چنین اعتمادی، به دولت برآمده از انتخابات نیز منتقل شده و پتانسیل رسیدن به صلح و ثبات را تقویت می کند. بحث در مورد نقش انتخابات در جهت مدیریت نزاع بر سر تصاحب قدرت دولتی و پتانسیلی که انتخابات در گرایش طرفهای درگیر به استفاده از خشونت دارد فراتر از حوزه این مقاله است. در هر حال، تجربه نشان می دهد که بکار بستن سه اصل دخالت دادن، شفافیت داشتن و پاسخگو بودن، اعتماد عمومی را ارتقا داده و احتمال به خشونت کشیده شدن انتخابات را کاهش می دهد.

پذیرفتن این اصول در جهت آماده سازی یک چارچوب قانونی برای انتخابات، در جوامعی که در معرض وقوع درگیری هستند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

منافع احزاب سیاسی در چارچوب های قانونی یک انتخابات دموکراتیک

احزاب سیاسی دموکراتیک و نامزدهای آنها با هدف مدیریت نهادهای دولتی، به نحوی که با پیشبرد سیاست های عمومی و اختصاص منابع لازم بتوان به اهداف سیاسی خود برسند، به دنبال کسب پیروزی در انتخابات هستند. آنها با هدف این که بتوانند آرای آن دسته از مردم را جلب کنند که فکر می کنند اهداف آن احزاب در راستای منافع آنها و/یا مصالح اکثریت جامعه است پا به عرصه رقابت های انتخاباتی می گذارند. برای تکمیل هرچه مؤثرتر این مهم، احزاب، کاندیداها و تمامی آنهایی که موافق یا مخالف همه پرسی یا رأی گیری هستند باید از اصول رقابت چارچوب قانونی انتخابات- از جمله از راه های جبران هرگونه قانون شکنی احتمالی آگاهی داشته باشند.

البته آگاهی داشتن از این اصول به تنهایی کافی نیست. رقبای انتخاباتی با تجزیه و تحلیل آن چارچوب قانونی باید ارزیابی کنند که آیا اصول مندرج در آن واقعاً متضمن یک شانس حقیقی برای یک رقابت عادلانه هست یا خیر. احزاب سیاسی و دیگر شرکت کنندگان در انتخابات باید برای پیشبرد ابتکارات مندرج در اجزای آن چارچوب قانونی، که در جهت صیانت از اجرای عدالت در انتخابات اساسی هستند، و نیز برای اصلاح بخش هایی از آن به منظور رفع کاستی های احتمالی آمادگی داشته باشند. این مهم مستلزم آن است که از چگونگی اصلاح چارچوب تعیین شده برای انتخابات، چه از نظر محتوایی و چه از نظر روند کاری، آگاه باشند. درک جامع اصول یک انتخابات دموکراتیک نیازمند شناخت اجزای تشکیل دهنده چهارچوبی قانونی انتخابات، وجه تمایز آنها و روش های بکارگیری آنها به منظور ارتقای سطح کارآمدی و صحت انتخابات است.

آگاهی داشتن از چگونگی اعمال تغییرات قانونی از طریق پارلمان (قوه قانون گذاری) و نیز چگونگی اصلاح ضوابط اداری، امری اساسی است. دانستن این نکته که چه نیروهایی قادرند از حفظ یا از اصلاح اجزای چارچوب قانونی حمایت کنند نیز به همان اندازه مهم است.

در هم آمیختن رویه های قانون گذاری و اجرایی، و نیز بسیج نهادهای اجتماعی و شهروندانی که علاقمند به شرکت در امور دولتی و عمومی مربوط به چارچوب های انتخاباتی هستند، نیازمند یک حس نیرومند و کارا است.

تشکیل گروه های تخصصی:

رهبران احزاب و کاندیداها باید از چارچوب قانونی انتخابات آگاهی کافی داشته باشند و در عمل ثابت شده که تشکیل گروه های تخصصی یا کارشناسی برای تجزیه و تحلیل چارچوب های قانونی و ارائه توصیه های مربوطه امری ضروری است.

تخصص یک حزب باید شامل عناصر زیر باشد:

۱- آئین نامه های منطبق با قانون اساسی درباره ماهیت و نوع سیستم انتخابات (مانند انتخابات پارلمانی یا ریاست جمهوری یا ترکیبی از این دو سیستم برای انتخاب نهادهای مرتبط؛ نحوه تناسب یا دربرگیرندگی یا

غلبه سیستم یا ترکیبی از سیستم های قابل بکارگیری؛ زمانبندی دوره ای انتخابات و دوره فعالیت نهادها؛ سطح انتخابات مانند سراسری، استانی یا محلی بودن آن)

۲- بندهای منطبق با قانون عمومی و قانون اساسی درباره حقوق مدنی و سیاسی مربوط به انتخابات (همچون ملاحظات مربوط به حق رأی دادن و حق رأی گرفتن یا انتخاب شدن، حق بیان مواضع سیاسی و دسترسی به اطلاعات، حق برخورداری از تشکیلات و تحرکات مسالمت آمیز و نیز حق برخورداری از محافظ قانونی یکسان)

۳- آئین نامه های قانونی و اداری مربوط به: برسمیت شناختن قانونی حزب و صلاحیت انتخابی حزب یا نامزد حزب؛ رویه های ثبت نام از رأی دهندگان احتمالی، استانداردها و روش های رفع محدودیت از حوزه های انتخاباتی؛ صلاحیت، توانایی و اتخاذ روش های مناسب جهت انتخاب اعضای بدنه های مدیریتی برای انتخابات؛ دسترسی به رسانه های رقیب؛ موضوع های مربوط به تبلیغات انتخاباتی؛ تأمین مالی حزب و نامزد حزب؛ امکان دسترسی حزب، کاندیدا، شهروندان و ناظران انتخابات به صندوق های رأی گیری و به روند اخذ و شمارش آرا؛ و نیز امکان تنظیم شکایت و روند به بررسی شکایات.

نظارت بر اجرای آئین نامه های قانونی:

احزاب سیاسی باید توانایی تحلیل قانون و ضوابط قانونی را داشته و از بندهای مربوطه حمایت کنند. همچنین باید بر اجرای آئین های نامه ها نظارت کرده و در جهت کسب اطمینان از اعمال مؤثر و بی طرفانه آنها قدم بردارند.

تشکیل گروه های کارشناسی در سطوح بالای مدیریتی و در ستاد مرکزی حزب به تنهایی کافی نمی باشد. احزاب اگر بخواهند اطمینان حاصل کنند که چارچوب قانونی برای برگزاری یک انتخابات دموکراتیک بطور مناسب رعایت می شود یا نه باید فعالیت های کارشناسی شان را به لایه های میانی و مراکز محلی نیز گسترش دهند.

به عنوان مثال، تعیین حد و مرز حوزه های انتخاباتی جهت رعایت برابری حق رأی، از جمله برآورد جمعیت یکسان در ازای هر کاندیدا؛ حدودی که در قبال اقلیت های جامعه تبعیض آمیز نباشند و بر اساس نظرات سیاسی مردم برخوردی تبعیض آمیز نداشته باشند. احزاب باید این توانایی را داشته باشند که شناخت خود از شرایط محلی برای اجرای آئین نامه های قانونی به جهت محدودیت زدایی از حوزه های انتخاباتی را تقویت کنند. شناخت کامل از تعیین مکان های مناسب صندوق های رأی برای کسب اطمینان از برخورداری شهروندان از فرصت برابر رأی دهی نیز امری ضروری است. فعالان حزبی باید از شرایط لازم برای ثبت نام از رأی دهندگان احتمالی و نیز از روند بررسی صحت آن و انجام اصلاحات احتمالی آگاهی کامل داشته باشند. مثال های زیاد دیگری را برای نشان دادن اهمیت توسعه گروه های کارشناسی در سطوح میانی احزاب و مراکز محلی مربوطه می توان برشمرد.

ساخت ظرفیت های لازم برای اجرای چارچوب قانونی انتخابات دموکراتیک نیازمند آموزش های داخلی و تربیت کارشناسان محلی است که در این راستا با گروه های کارشناسی حزب مرتبط باشند. مراقبت از صحت و سلامت آرا در روز انتخابات، نحوه شمارش و طبقه بندی آرا نیازمند فعالان محلی حزب یا نامزد انتخابات است که بر چارچوب قانونی انتخابات احاطه کامل داشته باشند به این منظور که: از بروز تقلب و تخلف انتخاباتی جلوگیری کرده؛ مشکلات و موانع را درجا برطرف نموده تا از بسط

مشکلات قانونی جلوگیری شود؛ و نیز اطمینان حاصل شود که ناظران احزاب و کاندیدها از مشکلات و ملاحظات مربوطه اطلاع کافی و درخور داشته باشند.

مراقبت از سلامت انتخابات همچنین نیازمند داشتن ارتباطات ساختاری کارآمد است تا حزب و نامزد انتخابات از نحوه تنظیم شکایت آگاهی جامع و کافی داشته به نحوی که با گردآوری و ارایه مستندات لازم بتوانند جبران خسارت کنند.

گروه های کارشناسی حزب و نامزد انتخابات با ارزیابی این اطلاعات باید مشخص کنند که چگونه مشکلات مربوطه را به آگاهی عموم رسانده و با پیگیری شکایت در پی جبران آن برآیند. علاوه بر این، زمانی که تصمیم گرفته شد شکایت انتخاباتی را به مراجع یا دادگاه مربوطه ارسال کنند، نماینده قانونی آنها باید در تمام مراحل حضور مناسب داشته تا از نحوه ارایه شواهد و مستندات، مدت زمان کار، روش های مؤثر مذاکره و نحوه پیگیری شکایت برای جبران خسارت اطمینان حاصل شود. با آن که برشمردن این عوامل خارج از اهداف این مقاله هستند، اما با این حال نمی توان آنها را دست کم گرفت. پیگیری اصلاحات مناسب، از جمله از طریق کانال های بین المللی موجود، و هنگامی که مجاری داخلی کارایی لازم را ندارند، بخش مهمی از یک چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک را تشکیل می دهد. تحقق این بخش از چارچوب قانونی مستلزم آموزش وکلا و نهادهای اداری است که شکایات انتخاباتی را بررسی می کنند، همچنین نیازمند یک سیستم قضائی مجرب و مستقل می باشد.

تشکیل گروه های کارشناسی احزاب سیاسی و کاندیدها در زمینه چارچوب های قانونی انتخابات دموکراتیک، موجب تقویت ساختار حزب، از جمله ارتباطات بین مراکز و شاخه های حزب می شود و نیازمند برخورداری از یک سامانه ارتباطی سریع و سازوکار تصمیم گیری صحیح می باشد که بواسطه آموزش ها و تعالیم داخلی و نیز اقدامات تکمیلی جهت صیانت از آرا میسر می شوند. فراهم آوردن ظرفیت های لازم برای چارچوب قانونی انتخابات نه تنها برای ارتقای ضوابط و آئین نامه های قانونی و تقویت همگرایی فعالان و مدافعان حقوقی مؤثر است، بلکه به ساخت عناصر بنیادی حزب و تضمین پیروزی در انتخابات نیز کمک می کند.

منافع جوامع مدنی در چارچوب های قانونی یک انتخابات دموکراتیک

انتخابات برای تشخیص صحیح و دقیق خواست مردم برای آنکه چه کسی و برای چه مدتی مناصب دولتی را کسب کند برگزار می شوند. همه پرسى ها و ابتکارات دیگر رأی گیری نیز برای ارزیابی صحیح و دقیق خواست مردم برای موضوعی که به رأی گذاشته شده است سازماندهی می شوند.

در هر نوع از انتخابات، چگونگی تشخیص خواست مردم، این که خواسته آنها محترم شمرده شده و دقیق ارزیابی شده باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نحوه سنجیدن خواسته مردم به چارچوب قانونی انتخابات و نحوه اجرای آن بستگی دارد.

شهروندان و نهادهای مدنی جامعه در نتیجه باید درباره چارچوب قانونی اطلاع داشته باشند و در بسط و توسعه آن دخالت و بر نحوه اجرای آن نیز نظارت داشته باشند.

قانون گذاری دموکراتیک و پروسه های قانونی این فرصت را به شهروندان مستقل می دهد که چارچوب های موجود قانونی را بررسی کرده و در جهت اصلاح یا تغییر آن پیشنهادات خود را ارائه دهند. برای تضمین حق رأی شهروندان و تضمین فراهم آوردن فرصتی برای اعمال این حق و همچنین تضمین این نکته که شهروندان طیف وسیعی از گزینه ها را در اختیار داشته باشند و از بین آنها انتخاب خود را بطور آگاهانه انجام دهند، لازم است شهروندان و نهادهای مدنی اجتماعی از مباحث مندرج در چارچوب قانونی و فرمول بندی و نحوه اجرای مفاد آن آگاهی کافی داشته باشند. آگاهی از این موارد نیازمند سطحی از یک تحقیق مستقیم و بی واسطه است، هر چند بیشتر مردم از طریق رسانه ها و سازمان های اجتماعی با این مباحث آشنا می شوند. از این رو خبرنگاران و اصحاب رسانه این مسئولیت را دارند که از چارچوب قانونی انتخابات دموکراتیک اطلاع کافی داشته باشند و در باره موارد مرتبطی که درخور توجه و بحث هستند اطلاع رسانی کنند. این می تواند از رعایت انصاف و عدالت در تعیین صلاحیت نامزدها گرفته تا بکارگیری تکنولوژی های الکترونیکی که در روند انتخابات برای صحت رأی گیری مناسب باشند و همچنین چاره جویی برای اصلاح برخی مشکلات احتمالی ادامه پیدا کند. طیف وسیعی از موضوعات مختلف درباره روند کلی انتخابات و ملاحظات قانونی پیرامون آن وجود دارد که می توان مورد بحث قرار داد. از جمله کارشناسان سیاسی، اساتید حقوق و متخصصین علوم ارتباطات می توانند به رواج چنین مباحثی در جامعه کمک کنند، بخصوص اگر رسانه ها و نهادهای اجتماعی از نظرات کارشناسی و تخصصی آنها استفاده و به اطلاع عموم برسانند.

نهادهای جامعه مدنی، از قبیل سازمان های نظارتی انتخابات، گروه های حقوق بشری، کانون های وکلا، مؤسسه های علمی، پژوهشکده ها و اتاق های فکر و دیگران، همگی در تجزیه و تحلیل چارچوب قانونی انتخابات و ارائه پیشنهاد برای بهبود آن و نیز نظارت و بررسی های مربوطه، نقشی ممتاز و برجسته دارند.

مشارکت در روند قانون گذاری و تدوین ضوابط:

نهادهای جامعه مدنی (CSOs) اگر نقش حمایتی خود را حفظ و با احزاب سیاسی، نمایندگان و گروه های پارلمانی، نهادهای مدیریتی انتخابات و سایر نهادها به منظور تدوین پروسه انتخابات ارتباط مناسب برقرار کنند، می توانند نقشی حیاتی در جهت توسعه، حفظ و بهبود چارچوب قانونی برای برگزاری انتخابات دموکراتیک ایفا کنند. احزاب سیاسی و کاندیداها بانی سلامت انتخابات هستند چرا متعادل کننده یکدیگر در راستای نیل به پیروزی در انتخابات بوده و نیز پژواک دهنده نقطه نظرات یکدیگر از منظر منافع عمومی جهت دستیابی به انتخاباتی به معنای واقعی کلمه دموکراتیک می باشند. نهادهای جامعه مدنی (CSOs) می توانند درباره ملاحظات مربوط به چارچوب قانونی، اطلاعاتی تطبیقی را در سطح جامعه منتشر کرده و از تدوین آئین نامه های مربوطه و نحوه اجرای آنها بطور بی طرفانه ای دفاع کنند که به بهترین صورت ممکن در خدمت منافع عمومی جامعه باشند.

از این رو نهادهای جامعه مدنی (CSOs) در زمینه تشریح منصفانه و جزء به جزء منافع عمومی جامعه و توسعه مهارت های مردم در این زمینه و همچنین پاسداری وفادارانه از منافع مردم مسئولیت دارند. نهادهای جامعه مدنی گاهی مبتکر آغاز گفتگوهایی در سطح جامعه می شوند، مثلاً این که آیا کشور نیازمند تغییر هست یا نه، یا این که آیا بخش های اصولی انتخابات نیازمند حفظ و نگهداری هستند یا نه؛ به عنوان مثال بحث در باره نظام ریاست جمهوری در برابر نظام پارلمانی یا مثلاً در باره سیستم نمایندگی نسبی در مقابل سیستم نمایندگی حداکثری. چنین گفتگوهایی، بویژه هنگامی که یکی از مباحث بالا قرار

است به همه پرسى عمومى گذاشته شود، بسيار مهم خواهند بود. نهادهای جامعه مدنى همچنين بايد از پروسه های قانونى و ادارى هم آگاهى كافى داشته باشند تا بتوانند نياز به تغيير در چارچوب های قانونى را درک کرده و به همان نسبت پيشنهادهات خود را جهت ارتقاى چارچوب های انتخاباتى ارائه دهند. دفاع مؤثر از حفظ يا ارتقاى عناصر چارچوب های قانونى انتخابات دموکراتيک نيازمند داشتن مهارت در ساختن ائتلافى دارد که منجر به اقدامات قانون گذارى و/يا اصلاحى شود. ساختن چنین ائتلافى نيازمند داشتن ارتباط با کسانى است که مدافع انجام تغيير يا اصلاح بوده و قادرند نياز به آن را تشریح نمایند. همينطور به منظور کسب حمايت از سياست ها و مواضع خودشان، نيازمند بسيج شهروندان و نهادهای مدنى هستند.

نظرات بر اجراى چارچوب های قانونى:

گفته مشهورى در زمينه انتخابات هست که مى گويد برگزاري انتخاباتى معتبر، حتى تحت یک چارچوب قانونى ضعيف يا حتى بد، امکان پذير خواهد بود اگر کسانى که در مسند قدرت هستند بخواهند چنین کارى صورت بگيرد، و برگزاري یک انتخابات معتبر حتى در یک چارچوب قانونى مستحکم بسيار دشوار خواهد بود اگر حاکمان چنین قصدى نداشته باشند. بنا بر اين یک جامعه مدنى اين مسئوليت را دارد که خود را چنان سازماندهى کند که بتواند بر اجراى چارچوب های قانونى به نحوى نظارت کند که از برگزاري انتخاباتى معتبر اطمینان حاصل کرده و در صورتى که از اعتبار لازم برخوردار نباشد قادر باشد حقيقت را بيان کند. آگاهى از چارچوب های قانونى براى شناسايى اين موارد از اهميت زيادى برخوردار است. رهبران نهادهای جامعه مدنى دغدغه پاسدارى از حقوق سياسى و مدنى جامعه، حفظ سلامت انتخابات، تشويق شهروندان به شرکت در انتخابات و گسترش فعاليت های اجتماعى به منظور ارتقاى مهارت های عمومى در زمينه چارچوب های قانونى براى برگزاري انتخابات دموکراتيک را دارند. همچون احزاب سياسى، نهادهای جامعه مدنى هم بايد گروه های تخصصى و کارشناسى را در دفاتر مرکزی خود، لايه های ميانى و در سطح جامعه توسعه بدهند و ارتباط مؤثرى بين آنها برقرار کنند. آموزش، تعليم، نظارت دقيق بر بخش های گوناگون پروسه انتخابات، جمع آورى اطلاعات، تهيه گزارش از يافته ها و ارأيه پيشنهاده در زمينه بهبود چارچوب های قانونى و اجراى انتخابات، همگى به بهره مندى از تخصص لازم بستگى دارند.

در جايى که چارچوب قانونى به شهروندان مستقل اجازه مى دهد که شکايات خود جهت جبران تخلفات احتمالى و نقض حقوق شان در رابطه با انتخابات را به مراجع قضايى يا ادارى ارسال کنند، نهاد های جامعه مدنى (CSOs) که دغدغه سلامت انتخابات را دارند ايم مسئوليت خطير را دارند که به مردم آگاهى رسانى کرده و حتى به آنها جهت ارسال و پيگيرى شکايت هايشان يارى رسانند. چه در راستاى اصلاح تخلف در ثبت نام از رأى دهندگان، چه به جهت دسترسى شخصى نمايندگان به حوزه های رأى گيرى، چه در زمينه رأى دهى آزادانه و چه در زمينه هر تخلف احتمالى در روند انتخابات، نهادهای جامعه مدنى بايد در ارتباط با چارچوب ها و موازين قانونى، مراحل ادارى و رويه های قضايى بايد تخصص و مهارت خود را ارتقا دهند.

هر قدر که نهادهای جامعه مدنى موقعيتى را براى شکايت و چالش های قانونى در زمينه روند انتخابات فراهم آورند، مسئوليت آنها هم براى آگاهى از چارچوب های قانونى بيشتر مى شود. آگاهى از راه و روش های مربوطه، جمع آورى اطلاعاتى که بتوانند به عنوان مدرک مورد استفاده قرار بگيرند و نيز چانه زنى های قانونى مؤثر بخشى از مسئوليت آنها خواهد بود. علاوه بر اين ها، نهادهای جامعه مدنى بايد بدانند که

چطور باید شکوائیه‌ها را تنظیم و به مجامع بین‌المللی، که دولت متبوعشان به عنوان یکی از امضا کنندگان معاهده‌ها یا توافق‌نامه‌های بین‌المللی باید پاسخگوی آنها باشد، ارسال کنند.

تعامل با احزاب سیاسی، مسئولان انتخاباتی، رسانه‌ها و سایرین، از قبیل آن دسته از اعضای جامعه بین‌المللی که علاقمند به چنین مواردی هستند، بخش مهمی از امر جمع‌آوری اطلاعات دقیق و دسترسی به یافته‌ها و توصیه‌های مرتبط با چارچوب‌های قانونی انتخابات و اجرای آنهاست و بخش اصلی ترویج و ارتقای چارچوب‌های قانونی انتخابات دموکراتیک است.

نقش جامعه بین‌المللی در ترویج و ارتقای چارچوب‌های قانونی برای انتخابات دموکراتیک

همه انسان‌ها از حق بنیادی داشتن انتخابات حقیقی و راستین برخوردار هستند که از جانب جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. کشورها با پیوستن به عهدنامه‌ها و توافق‌نامه‌های بین‌المللی، مکلف به سازماندهی انتخابات دموکراتیک می‌شوند. سازمان‌های بین‌دولتی کشورها، سازمان و مجامع بین‌المللی غیردولتی خاص به همان اندازه دغدغه ترویج و ارتقای انتخابات دموکراتیک را دارند که دغدغه ارتقای حقوق بشر و توسعه دموکراتیک در جهان را دارند. معمولاً دولت‌ها، احزاب سیاسی و/یا تشکل‌های مردمی از این سازمان‌ها درخواست می‌کنند که روند انتخابات در کشورشان را ارزیابی کرده و با ارائه توصیه‌های مربوطه به آنها در راستای ارتقای کیفی انتخابات یاری رسانند. معرفی چارچوب‌های قانونی برای انتخابات دموکراتیک بخشی از این کمک‌ها می‌باشد.

در حالی که سازمان‌های بین‌دولتی معمولاً نیاز دارند که قبل از حضور یا دخالت در چنین مباحثی از نمایندگان دولت دعوت بعمل آید یا درخواست ارسال شود، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیاز به دعوتنامه یا ارسال درخواست ندارند. دولت‌های خارجی پیوسته پیشنهاد همکاری دوجانبه در زمینه ترویج و ارتقای چارچوب‌های قانونی برای انتخابات دموکراتیک و سایر مواردی که به توسعه دموکراتیک مربوط می‌شوند را مطرح می‌کنند. رسانه‌های خبری بین‌المللی نیز به ارزیابی ماهیت روند انتخابات در کشورهای مختلف می‌پردازند.

آنهايي که به هر شکل با این سازوکارهای بین‌المللی سروکار دارند باید از چارچوب‌های قانونی برای انتخابات دموکراتیک و ملاحظات مربوط به نحوه اجرای آن اطلاع کافی داشته باشند. چه در ارزیابی مستقیم قوانین، آئین‌نامه‌ها و سایر ملاحظات مربوط به انتخابات که می‌بایست منعکس‌کننده چارچوب‌های قانونی انتخابات باشند، چه در یاری‌رسانی به احزاب سیاسی یا توسعه مدنی جامعه و چه در یاری‌رساندن به قانون‌گذاران جهت تقویت نقش خود در امور کشورداری، تشریح چارچوب‌های قانونی برای انتخابات دموکراتیک وظیفه‌ای خطیر خواهد بود.

در تمام تحرکات فعالان بین‌المللی در زمینه ترویج و ارتقای چارچوب‌های قانونی برای انتخابات دموکراتیک و در فعالیت‌های مربوطه برای توسعه دموکراتیک، باید استانداردهای اخلاقی را رعایت نمود تا حاکمیت مردم و هر آنچه که برآمده از مردم یک کشور است محترم شمرده شود؛ به این ترتیب که:

۱. محور بودن فعالیت‌ها بر پایه قوانین بین‌المللی، بویژه رویه‌های معمول توسعه قوانین بین‌المللی حقوق بشر؛

۲. درک کردن این نکته که فعالیت‌ها باید در راستای منافع عمومی مردم آن کشور باشند، نه در راستای منافع کسانی که احتمالاً در قدرت هستند و منافع شخصی خود را پیگیری می‌کنند؛

۳. بکارگیری بهترین روش ها و تجربه ها برای انتقال دانسته ها، تکنیک ها و توصیه ها به نحوی که فعالان داخلی بهترین تصمیم ها را اتخاذ کنند؛ و
۴. اطمینان داشتن از شفاف بودن فعالیت ها بطوریکه اعتماد شهروندان به این مسئله جلب شود که آنهایی که کمک دریافت می کنند در جهت حرکت در راستای منافع عمومی تقویت خواهند شد و کسانی هم که این کمک ها را ارائه می دهند در راستای اصول بین المللی عمل می کنند.

ارتباط بین چارچوب های قانونی برای انتخابات دموکراتیک با دیگر موضوعات حقوقی

تمرکز اولیه این نوشته روی قوانین انتخابات و موضوعات مربوط به آن است. اما در هر حال قوانین و موضوع های حقوقی قابل توجهی هم هستند که می توانند با قوانین انتخابات و ضوابط مربوط به آن ارتباط ذاتی و ظریفی داشته باشند.

بخشی از قوانین و ضوابطی که می توانند بر سلامت انتخابات تأثیرگذار باشند، عبارتند از: ثبت احزاب سیاسی و منابع مالی احزاب؛ رسانه های خبری و دیگر رسانه های جمعی؛ سازمان های غیردولتی؛ شهروند شدن، حقوق پناجویان و افراد بی خانمان، سرشماری نفوس؛ بی طرفی سیاسی خدمتگزاران کشوری و لشکری از جمله کارکنان دولت، پرسنل ارتش و نیروی های انتظامی، قضات و دادستان ها؛ بی طرفی سیاسی در استفاده از منابع کشور؛ دسترسی به اطلاعات؛ موازین و ضوابط اداری؛ جرایم عمومی و کیفری و روند رسیدگی به آنها.

امکان بررسی تمامی مباحث بالا در این نوشته وجود ندارد، اما به هر حال توجه به این نکته که همه آنها تأثیری بالقوه بر روی سلامت انتخابات دارند، بسیار مهم است.

اصول بنیادی منطبق بر قوانین بین المللی حقوق بشر که جهت سازماندهی انتخابات دموکراتیک نقش اساسی دارند، راهنمایی مهم به هنگام تشریح مباحث بالا خواهند بود. مردم شمولی (دخیل بودن مردم)، شفافیت و پاسخگویی مشخصه های مباحث بالاست که در تدوین چارچوب های قانونی و موازین حقوقی که منجر به برقراری نظم و قانون و حکومت دموکراتیک می شوند نقش دارند.

فصل دوم

حقوق بشر، پایه ای برای مردم شمولی، شفافیت، پاسخگویی و اعتماد عمومی در انتخابات

انتخابات متعلق به مردم است. اصول انتخابات دموکراتیک معمولاً از این قاعده که شهروندان از حق مشارکت در امور دولتی و اداره امور کشوری برخوردار هستند دنبال می شود. این قاعده در اصل بیست

و یکم اعلامیه جهانی حقوق بشر و در اصل بیست و پنجم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و دیگر اسناد بین المللی حقوق بشر گرامی داشته شده است.

این مفاهیم بنیادی متضمن درک این مهم است که حاکمیت از آن مردم بوده و از مردم کشور است که جاری می شود، آنچنان که در اعلامیه جهانی (حقوق بشر) آمده: "اختیارات دولت باید بر پایه خواسته مردم باشد... اصل بیست و پنجم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) حکم می کند که بدون در نظر گرفتن تفاوت های نژادی، جنسیتی، مذهبی، زبانی، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، بدون هیچ تبعیضی برای یکایک شهروندان این "حق و امکان" فراهم شود تا بدون هیچ محدودیت غیر معقول قادر باشند، بر پایه حق جهانی و برابر شرکت در انتخابات دوره ای، از طریق انتخاباتی حقیقی که رأی گیری بصورت مخفی انجام گیرد و بطور برابر به رأی عمومی مراجعه شود و تضمین کننده بیان آزادانه خواست رأی دهندگان باشد "رأی بدهند و انتخاب شوند"...

از این رو انتخابات بصورت روشن و واضح سازماندهی می شوند تا خواست مردم، برای آن که چه کسانی برای آن پست به رأی گذاشته شده گمارده شوند و در راستای منافع مردم به اداره امور بپردازند، مشخص و محترم شمرده شود. ویژگی کلی حق انتخابات حقیقی و راستین بدینگونه است، در حالی که اسناد بین المللی حقوق بشری اساساً به حقوق فردی مردم در مقوله انتخابات می پردازند. جوهره حق انتخابات حقیقی این است که حاکمیت از آن مردم است، مردمی که برخوردار از حق تعیین سرنوشت - از جمله حق تعیین آزادانه موقیت سیاسی شان، حق توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از طریق شرکت در اداره امور دولتی و عمومی - چه مستقیم و چه غیرمستقیم از طریق نمایندگان منتخب خود هستند.

اصول بین المللی انتخابات دموکراتیک در سال های اخیر بطور فزاینده ای برسمیت شناخته شده اند. شناسایی اصول مربوط به انتخابات دموکراتیک از جانب کشورها از طریق پذیرش عهدنامه ها، اعلامیه ها و سایر اسناد بین المللی، تصمیم های مجامع حقوقی بین المللی و همچنین از طریق دعوت از ناظران سازمان های بین دولتی و سازمان های غیردولتی که پایه فعالیت هایشان حفظ و ارتقای حقوق جهانی بشر است، صورت می گیرد. انتشارات و گزارشات مؤسسه ها و رسانه های بسیار معتبر محلی هم گواهی است بر شناسایی این اصول. عملکرد دولت ها با در نظر گرفتن مشارکت بارضایت جمعی در روند توسعه ای اصولی که پروسه های انتخاباتی در آن بر مبنای اصولی که منعکس کننده حقوق برسمیت شناخته شده بین المللی و آزادی های بنیادی بشر باشند، سنجیده می شود.

در حالی که حق جهانی و برابر شرکت در انتخابات، که با رأی دادن و انتخاب شدن تمرین می شود، ممکن است با محدودیت های معقولی روبرو شود، اما "حق انتخاب" برای نیل به یک انتخابات "حقیقی" باید جامع و فراگیر باشد. محدودیت های معقول در مسیر تمرین حقوق انتخاباتی باید تنها با حسن نیت و در صورتی اعمال شوند که به منظور حفظ احترام و تضمین حقوق انتخاباتی مردم ضروری باشند. سایر اصول قانونی مندرج در حقوق به رسمیت شناخته شده بین المللی نیز بر این نکته تأکید دارند، از جمله بر حق برابری مردم در پیشگاه قانون، حمایت های قانونی یکسان و برخوردار از راه های مؤثر برای جبران نقض حقوق آنها.

بطور مشابه، برای آن که انتخابات حقیقتاً دموکراتیک باشد، سایر حقوق به رسمیت شناخته بشر در صحن بین الملل نیز بدون هیچ تبعیض و محدودیت غیر معقولی باید بطور فراگیری در غالب انتخابات رعایت شود، از جمله:

-حق ارتباط با سازمان های سیاسی (همچون احزاب سیاسی، سازمان های حمایت از کاندیداها، یا گروه های موافق یا مخالف موضوعاتی که به همه پرسى گذاشته می شوند)؛
 -حق برگزاری مسالمت آمیز نشست ها، تجمع ها، و فعالیت های مربوط به حمایت از نامزدهای انتخاباتی؛
 -حق فعالیت آزادانه جهت کسب حمایت های انتخاباتی؛
 -حق مصونیت در برابر خشونت و تهدید؛
 -حق حفظ عقاید سیاسی بدون دخالت از بیرون؛ و
 -حق آزادی بیان، از جمله آزادی در جستجو، دسترسی و انتقال اطلاعات به منظور توسعه انتخاب آگاهانه که برای "بیان آزادانه خواست رأی دهندگان" ضروری است.
 این حقوق در مورد افرادی که می خواهند با تشکل خاصی ارتباط داشته و جهت ارتقای سلامت انتخابات بطور جمعی - از طریق سازمان های محلی برای نظارت بی طرفانه و غیرجانحی بر انتخابات، آموزش حقوق انتخاباتی به مردم، تشویق مردم به مشارکت در انتخابات و اقدامات مشابه دیگر مرتبط با حق رأی دادن و انتخاب شدن - فعالیت کنند نیز صدق می کنند.

فعالیت های چنین گروه ها یا تشکل هایی بستگی دارد به اصولی که در این فصل به آن پرداختیم و در عین حال موجب تقویت آنها می شوند. سه اصل مردم شمول بودن یا دخیل بودن مردم در امور انتخاباتی، شفافیت داشتن و پاسخگو بودن که زمینه ساز اعتماد عمومی به انتخابات می شوند.

مردم شمولی، لازمه انتخابات دموکراتیک

ارتباط درونی بین حق برخورداری از انتخابات حقیقی و سایر حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده بین المللی نشان می دهد که یک انتخابات دموکراتیک باید هم رأی دهندگان یا آنهایی که می خواهند از حق رأی دادن خود استفاده کنند و هم رأی گیرندگان یا آنهایی که می خواهند از حق انتخاب شدن خود استفاده کنند را شامل شود. موازین ضد تبعیض کشورها را مکلف می کند که اصل مردم شمولی یا دخیل بودن مردم در همه مراحل انتخابات را رعایت کنند.
 معیار مخالفت با تبعیض موجب نیرومندی اصل انتخابات دموکراتیک می شود، همانطور که به همراه دیگر ممنوعیت های عمومی در راستای مقابله با تبعیض، حق برابر بودن در پیشگاه قانون و حق برخورداری از راه های جبران خسارت در صورت نقض حقوق شهروندی، لازمه ادای حق جهانی برابری و شرکت در انتخابات است. قوانین مرتبط با همه مفاهیم بالا در اسناد بین المللی حقوق بشری مطرح شده اند.

اصل مردم شمولی (یا دخیل بودن مردم در امور انتخاباتی) نکته محوری است که در سازوکار انتخابات باید مورد توجه قرار بگیرد. در حالی سازوکارهای متعددی برای انواع انتخابات و دموکراتیک بودن آنها وجود دارند، این اصل که منشأ اختیارات دولت ها خواست مردم - آنطور که در حق جهانی شرکت در انتخابات بیان شده است - می باشد و باید به عنوان پیش شرطی برای آنها در نظر گرفته شود. اصل مردم شمولی در توسعه مجموعه قوانین و قواعدی که روند تهیه چهارچوب های قانونی انتخابات مورد استفاده قرار می گیرند نیز در نظر گرفته می شود.

این اصل مردم شمولی در روند تصمیم گیری در باره ساختار، ترکیب و اختیارات نهاد برگزارکننده انتخابات نیز باید رعایت شود، چرا که نهاد دولت می بایست نشان دهد که از اعمال تبعیض هم در مورد انتخاب کنندگان و هم در مورد انتخاب شوندگان به دور است و شایستگی آن را دارد که بتواند تضمین کننده بیان آزادانه خواست عمومی و احترام به آن باشد.

تضمین حق رأی و امکان استفاده از آن حق

به منظور پیشگیری از اعمال محدودیت های غیر ضروری، اصل مردم شمولی کشورها را موظف می کند تا عواملی که شهروندان را از استفاده از حق خود برای رأی دادن باز می دارند را شناسایی کرده و جهت غلبه بر آن عوامل اقدامات مؤثری را بکار بگیرند. انجام این وظیفه خطیر بستگی دارد به مسئولیتی که دولت ها جهت رعایت حق رأی مردم و فراهم کردن امکان و فرصت رأی دادن برای مردم، بدون اعمال هیچگونه تبعیض یا محدودیت های غیر معقول، دارند.

در بخش های مربوط به حقوق انتخاباتی مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) به روشنی به این وظایف اشاره شده است. لزوم فراهم کردن فرصتی واقعی برای رعایت حقوق انتخاباتی مردم، به همراه ماهیت کلی میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، به منزله تکالیفی ضروری برای دولت هایی است که این میثاق را برسمیت شناخته اند. از این رو دولت ها باید جهت آموزش حقوق انتخاباتی مردم و برطرف کردن موانع پیش روی افرادی که بطور سنتی در پروسه انتخابات یا امور دولتی یا اجتماعی حضور کم رنگ دارند، مثل زنان، اقلیت ها (از جمله آنهایی که به زبان متفاوتی صحبت می کنند)، بی سوادها و کم سوادها و آنهایی که دچار ناتوانی های جسمی هستند، قدم بردارند.

اصل مردم شمولی محور اصلی توسعه روند صبت نام از رأی دهندگان است. اهداف اصلی ثبت نام رأی دهندگان عبارتند از: از یک سو برای هر چه بیشتر کردن فرصت رأی دادن به شهروندان واجد شرایط از طریق پیش ثبت نام و کاستن از بروکراسی در روز انتخابات، و در نتیجه ترویج و ارتقای حق جهانی شرکت در انتخابات؛ و از سوی دیگر محدود کردن فرصت رأی دادن برای افراد غیر واجد شرایط و محدود کردن احتمال رأی دادن های مکرر، و در نتیجه محافظت از اصل برابری در انتخابات و جلوگیری از کم رنگ شدن وجهه قانونی برگه های رأی اخذ شده.

محدودیت های اعمال شده در حق و فرصت رأی دادن عموماً باید با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به تابعیت، اقامت و حداقل سن قانونی، یا ملاحظات مربوط به گروه های کوچکتری چون افراد دارای معلولیت ذهنی، سابقه کیفری یا کسانی که در حال خدمت در ارتش یا نیروهای انتظامی هستند، وضع شوند. ملاحظات مربوط به گروه هایی که در بالا از آنها یاد شد باید در راستای بسط و توسعه حق رأی باشد، برای مثال، این که آیا کسی از دادن آگاهانه رأی عاجز است یا نه باید توسط یک دادگاه صالحه تشخیص داده شود، یا به پرسنل نیروهای انتظامی و ارتش اجازه رأی دادن داده شود و یا از موانع محدود کننده حقوق انتخاباتی کسانی که سابقه کیفری دارند، به تناسب مجازاتی که برای جرمی آنها در نظر گرفته شده، کاسته شود.

روند ثبت نام از رأی دهندگان، برای مثال، با بکارگیری روش های غیر تبعیض آمیز باید فرصتی واقعی را در اختیار شهروندانی که برای ثبت نام اقدام می کنند بگذارد تا امکان بررسی و اصلاح روند ثبت نام قبل از برگزاری انتخابات را داشته باشند. بطور مشابه، مکان یابی تسهیلات انتخاباتی و صندوق های اخذ رأی هم باید بگونه ای باشد که فرصتی واقعی و برابر در اختیار همه شهروندان گذاشته شود تا بتوانند رأی خود را به صندوق های اخذ رأی بیاندارند. دولت ها نیز باید شهروندان را به میزان کافی در مورد این مسائل و سایر امور مربوط به حقوق انتخاباتی آنها آگاه نمایند به نحوی که امکانات در نظر گرفته شده در قانون، در عمل هم پیاده شوند.

تضمین حق انتخاب شدن و فرصت استفاده از آن حق

اصل مردم شمولی یا دخیل بودن مردم، کسانی که می خواهند از حق خود برای انتخاب شدن استفاده کنند نیز در بر می گیرد. نه شناسایی قانونی احزاب سیاسی باید دچار محدودیت های غیر معقول باشد و نه در راه کسب آرای مردمی توسط احزاب سیاسی و کاندیداهای رقیب در انتخابات باید بی جهت محدودیت قائل شد.

شرایط نامزدی در انتخابات، همچون حداقل سن یا میزان تحصیلات، محل اقامت، سوابق کیفری یا قومی باید بر اساس معیارهای منطقی، معقول و قابل توجیه تعیین شوند. شرایط جمع آوری امضا برای شناسایی قانونی یا احراز صلاحیت رأی گیری، هزینه ها، پرداخت ها، زمانبندی و مهلت های قانونی جهت احراز صلاحیت جهت شرکت در انتخابات نباید سنگین و تبعیض آمیز باشند. بطور مشابه، شرایط قابل قبول شناسایی قانونی، دسترسی به آرا و دیگر قوانین نیز نباید بطور دلخواهی و تبعیض آمیز توسط مسئولان انتخابات انجام گیرد و نباید به گونه ای باشند که برای اصل مردم شمولی و افرادی که می خواهند انتخاب شوند مانع ایجاد کنند.

کوتاهی یا ناتوانی در رعایت اصل مردم شمولی در مورد مسانی که به دنبال کسب رأی مردم هستند موجب خدشه دار شدن حقوق نامزدهای احتمالی می شود. حق رأی دادن، شامل حق انتخاب کردن از بین کسانی است که به دنبال نمایندگی مردم هستند. انتخاباتی که در آن رأی دهندگان، حتی به تعداد خیلی زیاد، به پای صندوق های رأی می روند، اگر نامزدهای انتخاباتی و احزاب سیاسی بطور غیر عادلانه از فرصت حضور در صحنه رأی گیری محروم باشند یا فرصتی واقعی برای احقاق حق خود نداشته باشند، شاید یک تمرین انتخاباتی باشد، اما انتخاباتی حقیقی و دموکراتیک نخواهد بود.

رقابت انتخاباتی منصفانه هم بر پایه اصل مردم شمولی استوار است. رقبای انتخاباتی نباید در راه کسب حمایت رأی دهندگان با موانع قانونی یا اداری روبرو شوند. این امر در مورد رعایت حقوق تشکل ها، انجمن ها، تحرکات و ابراز نظرانی که برای فعالیت های تبلیغاتی جهت جلب حمایت در انتخابات ضرورت دارند نیز صدق می کند.

رقبای انتخاباتی همچنین باید در مسیر فعالیت های انتخاباتی شان فارغ از مواجهه با خشونت، تهدید، ارعاب و مجازات باشند، درست مانند شهروندان که در راه انتخاب گزینه مطلوب خود باید فارغ از این مسائل باشند. رقابت انتخاباتی منصفانه مستلزم رعایت برابری در پیشگاه قانون، برخورداری از حمایت قانونی و ضوابط مرتبط با جبران خسارت های ناشی از نقض حقوق انتخاباتی رقبای انتخاباتی است. این مهم شامل نهادها و مقامات دولتی مافوق مسئولان انتخاباتی، از جمله پلیس، دادستان ها، دادگاه ها، نهادهای حقوقی، کارکنان دولت و حتی رسانه های جمعی تحت کنترل دولت و رسانه های خصوصی که مسئول رعایت انصاف هستند و آنهایی که بر ضوابط مربوط به تأمین منابع مالی فعالیت های تبلیغاتی نظارت دارند نیز می شود.

از این رو حق جهانی و برابر رأی و شرکت در انتخابات زمانی که شرایط شرکت در انتخابات، در قالب حق رأی دادن و حق کسب رأی، در نظر گرفته می شود، کاربردهای گوناگونی دارد. ممنوعیت در اعمال محدودیت های غیر منطقی – که با اصل داشتن حسن نیت در تبعیت از تکلیف ادای احترام و تضمین حقوق

به رسمیت شناخته شده جهانی بشر در تناقض است – با موازین ضد تبعیض در امر مردم شمولی، چه در مورد انتخاب کنندگان و چه در مورد انتخاب شوندگان، نیز همخوان است.

شفافیت، لازمه انتخابات دموکراتیک

"شفافیت" شاه بیت تمامی مباحث مربوط به انتخابات آزاد است. اما با این حال مبانی ادعاهای مطرح شده در باره این که چرا روند انتخابات باید شفاف باشد هنوز به اندازه کافی شکافته نشده اند. می توان در این باره بحث کرد که در سایر حقوق مربوط به انتخابات نیز به موضوع شفافیت اشاره می شود. در واقع تصور مشارکت شهروندان در اداره امور حکومتی و عمومی کشور، آنطور که در اصل بیست و یکم میثاق جهانی (حقوق بشر) و در اصل بیست و پنجم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) آمده، امکان پذیر نیست مگر آن که روند اداره امور دولتی و عمومی به آگاهی مردم رسانده شود. بطور مشخص، فهمیدن این نکته که آیا حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن (رای دادن) توسط دولت ها تضمین می شود یا نه امکان پذیر خواهد بود مگر آن که روند انتخابات شفافیت کامل داشته باشد.

اصل شفافیت در انتخابات دموکراتیک به خودی خود دلالت بر چنین استنتاجی ندارد، اگر چه باید بطور منطقی به این مقصود منجر شود که اصل شفافیت باید در سایه روشن های حقوقی مربوط به انتخابات و تکالیف تعیین شده در عهدنامه ها و سایر اسناد مربوط به انتخابات واقعی قابل شناسایی باشد. اصل شفافیت، در هر حال، بیشتر بر پایه حقوق به رسمیت شناخته شده جهانی بشر و آزادی های بنیادی انسان است.

اساس نیاز به شفافیت در روند انتخابات، آزادی در جستجو، دریافت و نشر اطلاعات، هنگامی که در قالب انتخابات صورت بگیرند، نقش ارزنده ای در جامعه ایفا می کند.

در واقع، اگر بنا باشد که انتخابات واقعی و راستین باشد، بدون برخورداری از آزادی در جستجو، دریافت و نشر اطلاعات – نمی توان حق رای دادن و حق انتخاب شدن را به اجرا درآورد. اگر زمانی یک شخص یا یک حزب سیاسی قادر باشد به لحاظ نظری در پی برگزیده شدن باشد اما به فکر انتقال اطلاعات به انتخاب کنندگان نباشد، و اگر زمانی یک شهروند به لحاظ نظری بتواند به پای صندوق های رای برود اما در پی کسب اطلاعات کافی از رقبای انتخاباتی نباشد، امری مضحک و خنده دار خواهد بود. خواست مردم زیربنای قدرت و اختیارات دولت را فراهم می کند و پاسخ دولت هم باید بیان ازادانه خواست مردم را از طریق انتخابات واقعی تضمین کند. حق جستجو، دریافت و نشر اطلاعات مربوط به حقوق انتخاب کنندگان و پخش کردن دانش و نقطه نظرات مختلف جهت شکل دهی خواسته آنها از رقبای انتخاباتی، چه نامزدها، چه احزاب سیاسی و چه حامیان و مخالفان موضوع به رای گذاشته شده، امری ضروری است. این حق در مورد آزادی عمل رسانه های خبری که موضوعات مهم پیرامون انتخابات را پوشش می دهند نیز صدق می کند.

حق جستجو، دریافت و نشر اطلاعات هسته مرکزی احقاق حق برخورداری از "فرصت" رای دادن و رای گرفتن، هم برای انتخاب کنندگان و هم برای انتخاب شوندگان، می باشد. از این رو، اطلاعات مربوط به روند انتخابات باید در اختیار رای دهندگان و رای گیرندگان انتخاباتی باشد تا بتوانند حقوق خود را در این زمینه به مرحله اجرا درآورند. حق جستجو، دریافت و نشر اطلاعات شامل ملاحظات مربوط به سلامت روند انتخابات نیز می شود. اطلاعاتی که نمایانگر آن باشد که آیا حق جهانی و برابر شرکت در

انتخابات، از قبیل تضمین مخفی بودن آرا و شمارش صادقانه آرا، محترم شمرده می شود و بطور مؤثر رعایت می شود یا نه.

اطلاعات مربوط به رقبای انتخاباتی

دولت ها باید تضمین کنند که هیچ محدودیت قانونی یا اداری مانع تلاش نامزدهای انتخابات برای ارایه اطلاعات لازم به شهروندان در قالب فعالیت های انتخاباتی شان جهت کسب حمایت مردم نخواهد بود (همینطور در راستای کسب اطلاعات از گرایش مردم به موضوع های مختلف مرتبط با انتخابات). به همین صورت دولت ها همچنین باید تضمین کنند که هیچگونه محدودیت قانونی یا اداری که مانع تلاش مردم جهت جستجو و کسب اطلاعات در باره رقبای انتخاباتی، که ممکن است در تصمیم گیری آنها کمک کننده باشد، نخواهد بود.

این تکالیف امکان دسترسی به رسانه های ارتباط جمعی (مثل روزنامه، رادیو، تلویزیون و اینترنت)، استفاده از خدمات پستی و مخابراتی و نیز پخش اعلامیه و انواع گوناگون پیام های چاپی را شامل می شود. رسانه های تحت کنترل دولت نباید از نظر سیاسی با کاندیداهای انتخاباتی برخوردی تبعیض آمیز داشته باشند و وظیفه اکید دارند تا امکانات را بطور منصفانه در اختیار همه آنها بگذارند تا بتوانند نقطه نظرات خود جهت کسب حمایت مردمی برای آنها بیان کنند. دولت ها همچنین موظف هستند که رفتار غیرتبعیض آمیز رسانه های خصوصی در قبال نامزدهای انتخابات را تضمین کنند.

اطلاعات مربوط به رعایت حقوق انتخاباتی

فراهم آوردن اطلاعات کافی و به هنگام به انتخاب کنندگان و آلهایی که به دنبال انتخاب شدن هستند در باره چگونگی، زمان، مکان و سایر ملزومات مربوط به صلاحیت کاندیداها، ثبت نام رأی دهندگان و دیگر موضوعات مربوط به انتخابات (چه با عنوان "آموزش انتخاباتی" یاد شود چه با هر عنوان جامع دیگری)، جهت تضمین فرصت استفاده از آدانه از حقوق انتخاباتی امری اساسی است. تکالیف خیری که در بالا تحت عنوان "تضمین حق انتخاب شدن و فرصت استفاده از آن حق" مطرح شد همگی در این راستا کاربرد دارند.

قرار دادن رأی دهندگان و رقبای انتخاباتی احتمالی در شرایط خلاء اطلاعاتی – محروم کردن آنها از دستیابی به اطلاعات صحیح مورد نیاز جهت تمرین حقوق انتخاباتی شان – محدودیتی غیرمنطقی و نامعقول در مسیر رعایت حقوق مربوط به انتخابات محسوب می شود. تکالیف دولت برای ارایه اطلاعات مرتبط با تمرین حقوق انتخاباتی عموماً متوجه مسئولان انتخابات است، هر چند رسانه های تحت کنترل دولت و رقبای انتخاباتی و سازمان ها بی طرف مردمی که در پی ارایه اطلاعات به جامعه هستند نیز باید به این تکلیف خود عمل کنند.

در مورد رقبای انتخاباتی و سازمان های مردمی، دولت ها موظف هستند که تضمین کنند با هیچ محدودیت غیرضروری در راستای دستیابی به اطلاعات مورد نیازشان روبرو نخواهند بود.

اطلاعات مربوط به روند انتخابات

صحبت از شفافیت در اداره امور مربوط به انتخابات امری معمول است و تعهد مقامات مسئول انتخاباتی به اصل شفافیت تعهدی سنگین است. بکارگیری حق جستجو، دریافت و نشر اطلاعات در باره اجزای اداری روند برگزاری انتخابات موضوع ساده ای نیست.

وقتی که بحث شفافیت در روند انتخابات مطرح باشد، منافع متعددی به میان خواهد آمد، از جمله کارآمدی سازماندهی انتخابات، حفظ حریم خصوصی شهروندان (بویژه در مورد اطلاعات شخصی و خصوصی آنها به هنگام ثبت نام) و نیز منافع شرکت های ارائه کننده تسهیلات و خدمات به انتخابات. حفظ تعادل در منافع در برخورد با این مباحث باید با شناسایی این نکته آغاز شود که خواست مردم اساس قدرت و اختیار دولت است و این که انتخابات به نحوی دقیق جهت ارزیابی و احترام به آن خواست سازماندهی می شود. زمانی که نیاز به متعادل کردن منافع باشد، منافع شهروندان - هم رأی دهندگان و هم رقبای انتخاباتی - در دانستن این مهم که آیا پروسه های انتخاباتی به صورت دقیق و صادقانه پیگیری می شوند یا نه باید در صدر ملاحظات باشد.

منافع دیگر هم، مثل سهولت امور اداری (حتی شرط کارآمد بودن آن) و حریم شخصی و خصوصی، می توانند و می بایست در نظر گرفته شوند اما نمی توانند حقوق شهروندان در دسترسی به اطلاعات مربوط به روند انتخابات را تحت الشعاع خود قرار دهند. از آنجایی حاکمیت از آن مردم یک کشور است و اختیارات هم دولت ناشی از خواست مردم است که از طریق یک انتخابات واقعی بیان شده باشد، اطلاعات مربوط به آن که چطور دولت به تکالیف خود جهت احترام به خواست رأی دهندگان روند انتخابات را سازماندهی می کند نیز از آن مردم است.

از این رو دولت ها این وظیفه اکید را دارند که اطلاعات لازم در باره مراحل کار برای برگزاری انتخابات را در اختیار رأی دهندگان و رقبای انتخاباتی بگذارند.

این وظیفه به روشنی در متون حقوقی بین المللی جای دارد؛ به عنوان مثال، اعضای سازمان کشورهای آمریکایی (OAS) موظفند اطلاعاتی که در اختیار دولت هست را، به نام آزادی در جستجو، دریافت و نشر اطلاعات، به اطلاع شهروندان خود برسانند و توسط «کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر» از این مهم پاسداری می شود.

دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی در پرونده *Marcel Claude Reyes, et al. v. Chile* اظهار داشته که اعمال دولت ها "به واسطه اصول شفافیت و تشریح امور عمومی و به جهت کنترل دموکراتیک اعمال آنها، باید به اطلاع کسانی که در مقام قضاوت هستند رسانیده شود تا قادر باشد جهت کسب اطمینان از اجرای مناسب امور عمومی سوال و تحقیق کنند." در این پرونده بطور مستقیم اشاره می شود که رد تقاضای یک سازمان غیردولتی برای دسترسی به اطلاعات مرتبط با موضوعی که با منافع عمومی مربوط می شود نقض حق جستجو، دریافت و نشر اطلاعات که در اصل سیزدهم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشاره شده می باشد و استدلال *Marcel Claude Reyes* در باب مسائل انتخاباتی باید با قوت پیگیری شود.

دیوان حقوق بشر اروپایی هنوز به کشورهای عضو کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، که نگهبان حقوق بشر و آزادی های بنیادی است، حکم نکرده که وظیفه اکید دارند بر اساس اصل دهم کنوانسیون امکان دسترسی به اطلاعاتی که نزد دولت است را در اختیار شهروندان بگذارند.

دیوان حقوق بشر اروپایی نیز هم اکنون، طی پرونده موسوم به Geraguyn Khorhurd Patgamavorakan به Akumb v. Armenia که هنوز به نتیجه نرسیده است، حق جستجو، دریافت و نشر اطلاعات در زمینه انتخابات را مد نظر دارد. در این پرونده، یک سازمان غیردولتی از کشور ارمنستان، در صدد جبران خسارات ناشی از عدم توانایی مسئولان انتخاباتی در ارائه اطلاعات درخواستی در زمینه روند تصمیم گیری های مسئولان، کمک های ارائه شده به فعالیت های تبلیغاتی و هزینه های احزاب سیاسی بر آمده است. این پرونده فرصتی را در اختیار دیوان می گذارد که اهمیت شفافیت در امور انتخاباتی را بطور صریح و روشن برسمیت بشناسد.

اصل شفافیت هنگامی که نقش تکنولوژی الکترونیک در توسعه مراحل انتخابات مطرح می شود اهمیت بیشتری پیدا می کند. علاوه بر منافع استفاده از تکنولوژی الکترونیک برای محدودیت زدایی از انتخابات، ارتقای روند ثبت نام از رأی دهندگان و ثبت و ضبط آرا یا دیگر مطالب حساس، احتمال خدشه دار شدن اصل شفافیت را نیز کاهش می دهد. تأثیر استفاده از تکنولوژی های نوین برای حفظ حقوق رقبای انتخاباتی، سازمان های مردمی که سلامت انتخابات را زیر نظر می گیرند، و رسانه ها که با نگاه موشکافانه به انتخابات، صحت و تأثیر بخشی آن را می سنجند، برای یک انتخابات واقعی بسیار مهم و حیاتی است.

تأثیر استفاده از تکنولوژی، مثل شمارش الکترونیکی آرا و تهیه بانک اطلاعاتی ثبت نام از رأی دهندگان، نشان از اهمیت دسترسی شهروندان و رقبای انتخاباتی (از طریق گروه های ناظر انتخاباتی، رسانه های خبری و نیز دخالت مستقیم شهروندان) به روند انتخابات دارد. دخالت شهروندان باید از همان مراحل اولیه تدوین سیاست های عمومی مبنی بر لزوم استفاده از تکنولوژی، ملزومات طراحی، معیار های تهیه، امتحان و تأیید پروسه ها و روش های جبران مشکلات ناشی از استفاده از تکنولوژی در امر انتخابات توسعه پیدا کنند.

دیده بانی و نظارت بر انتخابات

تجربه کشورها در تمرین انتخابات تقریباً در سراسر دنیا نشان از لزوم پذیرش حق رقبای انتخاباتی مبنی بر حضور در حوزه های رأی گیری در روز انتخابات جهت مشاهده و تأیید صحت روند رأی گیری، شمارش و اعلام نتایج دارد. بهترین های تمرین های انتخاباتی بطور فزاینده ای گسترش دهنده این امر هستند که رعایت اصل شفافیت در پذیرش حضور احزاب و نمایندگان کاندیداها در همه مراحل برگزاری انتخابات – همچون ثبت نام از رأی دهندگان، چاپ برگه های رأی، و بسته بندی و تقسیم وسایل و مواد حساس مربوط به انتخابات است.

تمرین کشورها همچنین بطور رو به رشدی نشان از پذیرش حق شهروندان در مشارکت در امور عمومی و جستجو و دریافت اخبار و اطلاعات مربوط به انتخابات از طریق فعالیت های غیرجناحی سازمان نظارتی، از جمله مجاز دانستن آنها در حضور در حوزه های رأی گیری و مشاهده روند انتخابات، دارد. همینطور رسانه های خبری داخلی و بین المللی عموماً در امر نظارت بر انتخابات نقش خود را ایفا می کنند. نظارت بین المللی بر انتخابات نیز برای اثبات رعایت اصل شفافیت اغلب پذیرفته می شود. سازمان بین المللی دستور العمل هایی را برای نظارت بین المللی بر انتخابات تعیین کرده اند تا میزان شفافیت در انتخابات را بتوان سنجید.

اصل شفافیت همانند اصل مردم شمولى (دخيل بودن مردم)، براى اطمينان يافتن از اين كه انتخابات به معنای واقعی دموکراتیک است یا نه، نقشی چندبعدی دارد. این مثال دیگری است از جدایی ناپذیری حق انتخابات واقعی و راستین از دیگر حقوق مدنی و سیاسی پذیرفته شده بین المللی انسان ها.

پاسخگویی، لازمه یک انتخابات دموکراتیک

انتخابات مکانیزمی اصولی است برای آن که کسانی که به کرسی های دولتی می رسند در برابر مردم پاسخگو باشند. لزوم دوره ای بودن انتخابات هم دلیل اصلی است برای رعایت پاسخگویی دولت ها به مردم. همه اسناد حقوق بشری بین المللی در زمینه انتخابات کنند نیز بر لزوم دوره ای بودن انتخابات تأکید دارند.

در حالی که انتخابات مکانیزم پاسخگویی را بنا می کنند در عین حال، اگر بنا بر آن است که انتخابات واقعی و راستین باشد، تمامی اجزای درون آن هم باید پاسخگو باشند. اصل پاسخگویی به تحقق اصل مردم شمولى، که حقوق جهانی شرکت برابر رأی دهندگان و انتخاب شوندهگان در انتخابات آن را لازم دانسته، کمک می کند. اصل پاسخگو بودن همچنین با اصل شفافیت، که برای درک عملکرد مسئولین در نحوه اداره امور، در ارتباط تنگاتنگ است تا آنها را در قبال اقداماتی که انجام داده اند یا انجام نداده اند وادار به پاسخگویی کرد.

اصل پاسخگویی در روند انتخابات خود شامل چند لایه می شود، از جمله: نیاز به فراهم کردن راه های مؤثر رسیدگی مؤثر به نقض حقوق انتخاباتی شهروندان؛ نیاز تهیه سازوکار پاسخگو کردن آنهایی که انتخابات را سازماندهی می کنند و آنهایی که امور دولتی مربوط به انتخابات را به عهده دارند؛ و نیاز به محاکمه کشاندن آنهایی که با اعمال خلافشان بر حقوق انتخاباتی مردم تأثیر می گذارند.

روش های جبران نقض حقوق انتخاباتی

در چارچوب قانونی در نظر گرفته شده برای انتخابات باید جهت رسیدگی به شکایات کسانی که ادعای نقض حقوق انتخاباتی شان را دارند روش های مؤثری تدوین شده باشد. این روش ها شامل مکانیزم های ارائه دهنده راه های تصحیح و جبران خسارت در قالب امور اداری و رویه های قضایی می باشند. این رویه ها باید امکان دادرسی عادلانه توسط محاکم صالحه را فراهم آورند و امکان دادخواهی و تجدید نظر را هم در نظر بگیرند.

مکانیزم مربوط به شکایات انتخاباتی و چالش های حقوقی مرتبط با نتایج انتخابات بطور قابل توجهی افکار عمومی را به خود جلب می کند، بخصوص وقتی که راه جبران آن بازشماری آرا یا برگزاری دوباره انتخابات باشد. با این حال وجود روش های رسیدگی و جبران مؤثر خسارات برای تمامی مراحل انتخابات ضرورت دارند، از محدودیت زدایی از انتخابات گرفته تا شناسایی قانونی احزاب سیاسی، صلاحیت حزب یا کاندیدا برای انتخابات، ثبت نام از رأی دهندگان، طراحی برگه های رأی و و سایر مسائل.

برای مؤثر بودن، روش های جبرانی باید خسارات ناشی از نقض حقوق انتخاباتی را تشریح و تصحیح اشتباهات یا جبران خسارت باید به موقع انجام گیرد. علاوه بر این، برای کارآمدی بیشتر روش های

جبرانی در قالب امور اداری و رویه های قضایی باید توسط مسئولین ذیصلاح و شایسته یا کسانی که به دور از هرگونه موضعگیری خاصی باشند اجرا شوند.

اگر یک مسئله فنی ماهیت حساس انتخابات را به مشکل اندازد، جبران خسارت از طریق امور اداری پیگیری می شود، در حالی که رویه های قضایی (چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدید نظرخواهی) جهت جبران خسارات ناشی از نقض حقوق و آزادی های بنیادی به کار گرفته می شوند. با ذکر مثال تفاوت این دو روشن تر می شود. اگر برای حزب سیاسی یا یک نامزد انتخاباتی جای نامناسبی در برگه رأی گیری در نظر شود، روش های اداری هستند که می توانند راه های جبران این نقیصه را فراهم آورند. اما اگر مسئولین انتخاباتی یک حزب یا یک کاندیدا را از درج نامش بر روی برگه رأی گیری محروم کنند آنگاه باید با استفاده از رویه های قضایی دفاع از "حق انتخاب شدن" را تضمین نمود. اگر نام کسی به اشتباه نوشته شده باشد یا اطلاعات مربوط به او در روند ثبت نام نادرست درج شده باشد آنگاه روش های اداری کافی برای رفع این مشکلات باید وجود داشته باشند.

اما اگر نام کسی از قلم افتاده شود و این مشکل به نحوی منجر به محروم شدن او از حقوق خودش در روز رأی گیری شود، آنگاه رویه های قضایی برای محافظت از حقوق این افراد باید موجود باشند. عامل مهم در تأمین خسارات ناشی از تخلفات در زمینه انتخابات به موقع انجام شدن آنهاست. زمان در بسیاری از موارد جوهره شرط لازم برای پاسخگویی است. به عنوان مثال، اگر یک حزب یا یک کاندیدا از نظر قانونی برسمیت شناخته نشود یا برایش جایی در برگه رأی در نظر گرفته نشود، گذشت هر روز می تواند خسارت های جبران ناپذیری در راه انتخاب شدن او به بار آورد. اگر یک رسانه خبری مقاله با آگهی افتراآمیز در باره یکی از رقبای انتخاباتی منتشر کند، چاپ اصلاحیه یا حق پاسخگویی زمانی تأثیرگذار خواهد بود که به موقع انجام گیرد. این مثال ها نشان می دهند که، اگر قرار باشد روند انتخابات از حقوق انتخاباتی افراد پاسداری کند و در برابر تخلف ها و کاستی ها پاسخگو باشد، مکانیزم های گوناگون می بایست بعضاً با شتاب و سرعت عمل بکار گرفته شوند.

اغلب دشوار است که اصل پاسخگویی و اصل شفافیت در قالب انتخابات را بتوان از هم جدا کرد. نیاز به شفافیت و به موقع بودن، برای مثال در مورد ارایه روش های جبران خسارت وقتی که تکنولوژی های نوین رأی گیری به کار گرفته شوند، به روشنی نمود پیدا می کند.

وقتی که آرا، بدون وجود بایگانی کاغذی، به تنهایی در ابزارهای انتخاباتی ثبت شوند و شرایط به گونه ای پیش بیاید که نیاز به شمارش مجدد آرا باشد، تشخیص کارآمدی مناسب تکنولوژی به کار گرفته شده بدون آزمون های جامع محاسباتی غیر ممکن خواهد بود. این آزمون ها ممکن زمان بر باشند و نتوانند استانداردهای معتبر لازم جهت ارایه مدرک به محاکم قضایی یا مجامع اداری مربوطه را فراهم کنند. در چنین شرایطی، برگزاری دوباره انتخابات شاید بتواند تنها راه جبران خسارت باشد، هر چند با برگزاری مجدد انتخابات شاید نتوان شرایطی که در مرحله اول منجر به بروز مشکل شده بود را رفع کرد و نتیجه آن ممکن است با خواست آنهايي که در انتخابات اصلی رأی داده بودند منافات داشته باشد. در اینگونه موارد نبود شفافیت در روند رأی گیری، بر امکان به موقع بودن و مؤثر بودن روش های جبرانی، تأثیر منفی می گذارد.

اگر بایگانی کاغذی موجود باشند، پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که جهت ارزیابی واقعی خواسته رأی دهندگان آیا بایگانی کاغذی قابل اطمینان تر است یا بایگانی الکترونیکی (یا کدام قابل قبول تر

هستند). آیا لزوم استفاده از آزمون های محاسباتی برای تحلیل بایگانی الکترونیک می تواند به اندازه کافی پایه و اساس معتبری برای تشخیص برنده انتخابات باشند. اینجاست که اسناد بایگانی شده بر روی کاغذ بهترین گواه خواهند بود حتی اگر بایگانی الکترونیک از نظر فنی اولین مرجع ثبت و ضبط انتخاب رأی دهندگان باشد. این ها همگی نشان دهنده ارتباط ذاتی میان شفافیت، به موقع بودن و پاسخگویی هستند.

سنجش میزان پاسخگویی نهاد ها و دفاتر دولتی از نظر اجرایی

برای سنجش میزان پاسخگویی اجرایی نهادهای مدیریت انتخابات و سایر دفاتر دولتی دخیل در روند انتخابات نیز باید معیارهایی وجود داشته باشد. این معیارها باید بیانگر تضمین های لازم برای سلامت روند انتخابات باشند، از جمله اقدامات اجرایی که تأمین کننده حق جهانی شرکت برابر در انتخابات هستند و نیز بایگانی دقیق و محترم شمردن خواست رأی دهندگان. این معیارها باید مسئولیت های مالی و انضباط مقام هایی که در برابر حقوق انتخاباتی شهروندان مسئول هستند را نیز بر بگیرند.

چنین معیارهای سنجش پاسخگویی گونه های مختلفی دارند. مشورت های منظم و پیاپی با رقبای انتخاباتی و دیگرانی که دغدغه سلامت انتخابات را دارند بستر مناسب برای ارایه اطلاعات لازم و پاسخ دادن به پرسش ها و شکایات را فراهم می کند. اعمال ممیزی های مختلف توسط مراجع مستقل و بررسی های داخلی توسط کمیته ها و بازرسان ویژه موجب ارتقا و توسعه روند پاسخگویی می شود بویژه زمانی که به اطلاعات مربوط به چنین فعالیت هایی در دسترس عموم باشد. اجازه دادن به رقبای انتخاباتی، ناظران بی طرف و غیرجناحی انتخابات و رسانه ها به شرکت در جلسات مرجع ملی مدیریت انتخابات (که معمولاً با عنوان کمیسیون مرکزی انتخابات یا عنوانی شبیه به آن معرفی می شود) و مراجع مرتبط به منظور تنظیم و تدوین سیاست های مربوط به انتخابات، می تواند امکان برآورده شدن شرط پاسخگویی را فراهم کند. رویه های مرتبط با انضباط کارکنان، به هنگام ارایه گزارش از روال کار، تعداد دفعاتی که فراخوانده شده ان یا مواردی که توبیخ یا برکنار شده اند، لازم است به نحوی باشند که از منافع خصوصی افراد محافظت شود.

نظارت های قانونی که در گزارش های کمیسیون انتخابات درباره سودمندی و سلامت روال اجرایی انتخابات توسط نهادهای مدیریتی انتخابات و سایر نهادهای دولتی تأثیرگذار بر حقوق مرتبط با انتخابات (مانند نیروهای پلیس، دادستان ها، نهادهای نظارت بر فعالیت رسانه ها، ارتش و دیگرانی که اغلب از مسئولان انتخابات حمایت می کنند) مطرح می شوند، می تواند مکانیزم های مهمی برای پاسخگویی آنها باشند. این گزارش ها می توانند بیانگر این باشند که آیا نهاد اداره کننده انتخابات به نحو مؤثر و بی طرفانه عمل می کند، یا آن که آیا منابع کشوری و حمایت ها و محافظت ها به نحو بی طرفانه ای اعمال می شوند، یا این که در روند انتخابات راه های جبران مؤثر خسارات احتمالی فراهم می شود یا نه. عملکرد حساب های مالی و عمومی کمیته های قانون گذاری، و نیز حساب های عمومی و دولتی که توسط قوه قانون گذاری تعبیه شده اند، می تواند مکانیزم مهمی برای سنجش میزان پاسخگویی باشد.

مسئولیت کیفری نقض حقوق انتخاباتی

پاسخگویی در انتخابات مستلزم استفاده از قوانین کیفری و رویه هایی مثل فراهم کردن رویه های قانونی مقتضی و محافظت تمام و کمال از حقوق مردم در برابر کسانی است که مرتکب تخلفات انتخاباتی یا دیگر اقدامات خلافی که منجر به نقض حقوق مربوط به انتخابات می شوند. مسئولیت کیفری در حساب خواستن از افراد به خاطر عملکردشان و نیز بازراری از اقدام کسانی که می توانند بالقوه تخلف کنند - خواه

بواسطه دستکاری در سازوکار انتخابات، دستکاری صندوق های رأی، هک کردن سیستم های الکترونیکی، و خواه با اعمال خشونت و تهدید با اهداف سیاسی جهت خریدن رأی - نقش مهمی بازی می کند. این امر بویژه در کشورهای که فرهنگ عفو و بخشودگی متجاوزین به حقوق مدنی و سیاسی را دارند از اهمیت زیادی برخوردار است.

پاسخگویی همچنین، نقش نیروهای پلیس در امر تحقیقات مربوط اعمال خلاف قانون که حقوق انتخاباتی افراد را نقض می کند را هم شامل می شود. این مسئله که آیا پلیس وظایف خود را برای اعمال قانون بطور بی طرفانه و مؤثر انجام می دهد یا نه نگرانی عمده ای محسوب می شود. قواعد ضد تبعیض حکم می کنند که کسانی که مسئول تحقیق یا دستگیری متخلفان هستند، گرایش ها و نظرات سیاسی و جناحی خود را در نظر بگیرند و از آنهایی که در طرف مورد علاقه خود هستند حمایت و به آنهایی در جهت مخالفند حمله کنند. کمیته های بازرسی داخلی، هیئت های بازرسی مدنی، مؤسسات حقوق بشری که دولت دولتی دارند و نیز نظارت های تقنینی می توانند جهت تضمین بی طرفی و کارآمدی اعمال پلیس در زمینه انتخابات بسیار کمک کننده باشند.

اعمال دادستانی هم مشمول پاسخگویی می شود. به محاکمه کشاندن آنهایی که مرتکب تخلف انتخاباتی شده اند از وظایف دادستان است. قوانین کیفری، از جمله قوانین مربوط به تخلفات انتخاباتی، باید به روشنی مصادیق تخلفات انتخاباتی و روال محاکمه متخلفان، بویژه شرایطی که دادستان برای صدور حکم در نظر می گیرد را به روشنی تعیین و مشخص نماید. این برای ساختن سازوکاری بی طرفانه و کارآمد برای رسیدگی به تخلفات مربوط به امور انتخاباتی اهمیت دارد. دادستان ها باید تعداد موارد اتفاق افتاده که تحت پیگیری هستند و نیز میزان پیشرفت روند رسیدگی و این که چند نفر به محاکمه کشیده شده اند را گزارش کنند. این موضوع تأثیر مهمی بر امر پاسخگویی دارد.

دادگاه های مربوط به موارد نقض حقوق انتخاباتی باید علنی برگزار شوند؛ به علاوه باید از حقوق افرادی که متهم به تخلف شده اند نیز محافظت شود. دادرسی علنی به مردم این اطمینان را می دهد که افرادی که مرتکب تخلف می شوند باید در دادگاه پاسخگوی اعمال خود باشند.

دادرسی علنی همچنین راهی خواهد بود برای ارزیابی روش های به کار گرفته شده در رسیدگی به موارد مرتبط با انتخابات که این خود موجب ارتقای سطح پاسخگویی دستگاه قضا می شود. ضمن آن که توجه لازم به فراهم آوردن رویه های قضایی مناسب و کارآمد در رسیدگی به تخلفات انتخاباتی می تواند به توسعه ظرفیت هایی که در عملکرد دستگاه قضایی مؤثر هستند کمک کند.

اعتماد عمومی اساس انتخاب دموکراتیک است

اعتماد عمومی نسبت به روند انتخابات در اصل میزان اعتمادی است که شهروندان نسبت ظرفیت های دولتی، در پاسداشت و گرامیداشت حقوق انتخاباتی مردم و ارزیابی رأی دهندگان و احترام به آن، دارند. در این میان، اصل مردم شمولی، اصل شفافیت و اصل پاسخگویی با هم در آمیخته تا نقش ناگزیر اعتماد عمومی را در یک انتخابات دموکراتیک مشخص کنند. هر کدام از این اصول تقویت کننده اعتماد عمومی به روند انتخابات هستند و به هر اندازه که به این اصول خدشه وارد شود به همان اندازه سطح اعتماد عمومی به انتخابات و در نتیجه به دولت برآمده از آن کاهش می یابد.

پذیرش رقباى انتخاباتى

اعتماد عمومى، مثل حق جهانى و برابر شرکت در انتخابات، هم مربوط به آنهابى است که به دنبال انتخاب شدن هستند و هم به آنهابى که انتخاب مى کنند. کسانى که به انتخابات به عنوان بهترين راه رسيدن به اهداف خود در جهت دستيابى به مناصب دولتى، قدرت حکومت بر مردم، دسترسى به ثروت و منابع ملى اطمينانى ندارند، به شيوه هاى غيردموکراتيک براى کسب قدرت روى مى آورند.

نقش اساسى انتخابات در هر جامعه اى براى حل و فصل مسالمت آميز رقابت قدرت هاى سياسى است. از اين رو پروسه هاى انتخاباتى بايد مردم شمول بوده، شفافيت داشته باشند و راه هاى جبران خسارت هاى احتمالى را فراهم آورند تا اين که بتوانند فرصت و امکان واقعى در تمرين حق انتخاب شدن را تضمين کنند. در انتخابات، اعتماد رقبائى انتخاباتى بايد به گونه اى کسب شود که به عنوان پايه اى براى رقابت در چارچوب قانونى انتخابات و احترام به حقوق انتخاباتى طرف هاى ديگر باشد. اين، به کاربرد انتخابات به عنوان ابزار کاهش احتمال بروز خشونت و مديریت درگيرى هاى سياسى کمک مى کند.

در حالى که کسب اعتماد کسانى که به دنبال انتخاب شدن هستند امرى اساسى است، اما اشتباه خواهد بود اگر اينطور فرض شود که اين امر اساسى مى تواند مجوزى باشد براى خريد آراى رأى دهندگان و اين که از صندوق هاى رأى تنها در جهت منافع خود استفاده کنند. افرادى که دنبال انتخاب شدن هستند، از اختيار کافى برخوردار نخواهند بود مگر خواست رأى دهندگان با آزادى کافى بيان شده باشد و نيز قوت اختيارات آنها بستگى دارد به ميزان اعتماد شهروندان به روند برگزارى انتخابات. به منظور کسب منافع حاصل از جلب اعتماد عمومى، رقبائى انتخاباتى بايد مردم را متقاعد کنند که فعاليت هاى آنها قدم هاى مؤثرى جهت تضمين صحت و سلامت انتخابات باشد.

وجود ظرفيت هاى مناسب براى نظارت بر روند انتخابات و مکانيزم مربوط به پيگيرى شکايات احتمالى جهت جبران خسارات وارده عاملى است براى اين که به مردم نشان داده شود رقبائى انتخابات در راستاى حفظ سلامت انتخابات عمل مى کنند و در نتيجه عاملى است براى جلب اعتماد عمومى نسبت به انتخابات. احزاب و سازمان هاى حامى کاندیداها هم با موافقت علنى با رعايت قوانين و قواعد رفتارى موجب ارتقاى سطح اعتماد عمومى نسبت به روند انتخابات مى شوند.

تنظيم قواعد رفتارى که توسط رقبائى انتخاباتى مورد بحث و گفتگو قرار مى گيرند، گاه با مشارکت سازمان هاى مديریت انتخابات و/يا نهادهاى جامعه مدنى با اعلام عمومى توافق نهايى و در بر گرفتن روش هاى پيگيرى شکايت هاى امضا کنندگان توافقنامه در مورد نقض مفاد مندرج در آن، نقش مهمى در اعتمادسازى در باره روند انتخابات بازي مى کند. رقبائى انتخاباتى ضمناً بايد دستورالعمل هاى مربوط به برنامه هاى آموزشى فعالان و تشکل هاى حامى خود جهت رعايت قواعد رفتارى که منجر به پاسخگو بودن آنها شود تنظيم نمايند. انتشار عمومى چنين اقداماتى مى تواند به ارتقاى روند اعتماد سازى در جامعه مؤثر باشد.

اعتماد شهروندان به روند انتخابات

انتخابات وسيله اى است که مردم توسط آن خواسته خود را بيان مى کنند، اما ممکن است شهروندان از شرکت در انتخابات خوددارى کنند مگر آن که اطمينان داشته باشند که مى توانند از حق رأى خود براى

انتخاب گزینه سیاسی مورد نظرشان فارغ از اجبار و تهدید استفاده کنند. از این رو مخفی بودن آرا برای جلب اعتماد عمومی امری اساسی است چرا که تضمینی است برای محافظت از آنها در مقابل مجازات های احتمالی بعدی و در نهایت رأی دهندگان را ترغیب می کند خواست خود را بطور آزادانه بیان نمایند. مسئولان انتخابات، رهبران دولتی، رقبای انتخاباتی، رسانه های خبری و گروه های اجتماعی همگی در افزایش یا کاهش اعتماد عمومی نسبت به انتخابات نقش مهمی بازی می کنند، زیرا اقدامات، سخنان و پیام های آنها، در کنار سایر موارد، می تواند منجر به اعتماد یا عدم اعتماد نسبت مخفی بودن آرا شود. روش های رأی گیری و شمارش آرا باید در نهایت دقت متضمن مخفی بودن آرا باشند، ضمن این که باید ملاحظات مربوط به بکارگیری تکنولوژی های الکترونیکی در امر ثبت نام رأی دهندگان و ثبت و بایگانی آرا را نیز در نظر بگیرند. آموزش های رأی گیری توسط مسئولان انتخابات و دیگر مراجع ذیربط کار اصلی در زمینه مخفی نگه داشتن آرا است. آموزش های رأی گیری از این نظر می بایست به اندازه کافی در سطح بالایی بیان کننده ملاحظات مردم در باره روش های اتخاذ شده برای رأی گیری و شمارش آرا باشند و باید روشن کنند که خدشه وارد آوردن به اصل مخفی بودن رأی گیری از جانب هر کسی که باشد، مسئولیت کیفری به دنبال خواهد داشت.

مردم هم باید اطمینان داشته باشند که روند انتخابات به صورت بی طرفانه و مؤثر به نحوی به اجرا در می آید که اعتماد لازم برای شرکت در انتخابات - و مشروعیت بخشی - به آن تأمین شود. از این رو قدم ها باید به گونه ای برداشته شوند که نه تنها روند انتخابات به درستی اجرا شود، بلکه این اطمینان را بدهند که رفتاری جانبدارانه و جناحی حس نخواهد شد.

عامل حیاتی در تأمین و حفظ اعتماد عمومی برداشتی است که مردم از توانایی مسئولان انتخابات در عمل به وظایف خود به صورت بی طرفانه و مؤثر دارند. ترکیب سازمان های مدیریت انتخابات و رهبری این سازمان ها هسته اصلی این مهم است. در حالی که روش های متعدد و به اثبات رسیده ای برای تعیین ترکیب سازمان های مدیریت انتخابات جهت سازماندهی انتخابات دموکراتیک وجود دارد، اطمینان خاطر رقبای انتخاباتی و اعتماد عمومی به میزان زیادی بستگی دارد به این که آیا روند انتخابات اعضا و مسئولان این سازمان ها با مشارکت کافی، مردم شمولی و شفافیت پیگیری شده یا نه.

اگر رقبای انتخاباتی این رضایت خاطر را داشته باشند که سازمان های مدیریت انتخابات به نحوی تشکیل شده اند که بی طرفی و اثربخشی روند انتخابات تضمین شود، آنگاه میزان اعتمادسازی عمومی نسبت به روند انتخابات به اندازه زیادی بالا خواهد رفت. زمانی که روند انتخابات به اجرا گذاشته می شود، ارزیابی کارایی سازمان های مدیریت انتخابات در حفظ یا از دست دادن اعتماد عمومی از اهمیت بیشتری نسبت به انجام خود کار برخوردار خواهد بود.

مسئولان باید بدانند که انتخابات چیزی فراتر از یک موضوع فنی و تکنیکی است و در واقع روند انتخابات بخشی از پیمانی است که بین مردم و دولت، به عنوان نماینده آنها، بسته شده است. انتخابات نشان دهنده چگونگی رفتار و احترام دولت به شهروندان از طریق یک سلسله اعمال و اقداماتی است که پیشتر در همین بخش به آن پرداخته شد.

اقدامات مسئولان دولتی در زمینه انتخابات، چه در سطح ملی و چه در سطح محلی در حفظ سلامت انتخابات در کسب اعتماد عمومی مؤثر هستند. میزان شفافیت اداره انتخابات همچنین تأثیر زیادی بر درک اصل بی طرفی خواهد داشت.

یکی از مهم ترین راه های جلب و حفظ اعتماد عمومی توسط مسئولان انتخابات، به رسمت شناختن و استقبال از نماینده های رقبای انتخاباتی، سازمان ناظر فرا جناحی، رسانه های خبری و حتی ناظران بین المللی است. اصول مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی همگی می توانند فعالیت های طرف های فعال در انتخابات و گزارش های آنها از روند انتخابات را شامل شوند و در صورت معتبر بودن در اعتمادسازی عمومی در سطح مناسبی نقش بازی کنند. در عین حال، این عامل مسئولیتی عمده همه فعالان انتخابات برای انجام فعالیت های بی طرفانه و حرفه ای محسوب می شود.

سازمان های مردمی، رسانه های خبری، سازمان مدیریت انتخابات و دیگران نیز نقش گسترده ای در آموزش های انتخاباتی و بسیج مردمی برای شرکت در انتخابات ایفا می کنند. و رای اطلاع رسانی به شهروندان در باره این که کی، کجا و چطور می توانند به تمرین حقوق انتخاباتی خود بپردازند، فعالیت هایی مثل ثبت نام برای انتخابات، رفتن به پای صندوق های رای در روز انتخابات، اقداماتی که بیانگر اهمیت رای دادن و آموزش مدنی در باره ماهیت نمایندگی و حکومت دموکراتیک باشند نیز سهم بسزایی در اعتمادسازی عمومی دارند. شهروندان در چنین فعالیت هایی نیازی ندارند که تنها شنونده باشند. گفتگو و تبادل نظر، مناظره، رسانه های تصویری، برنامه هایی که ابراز نظر از طریق تماس تلفنی امکان پذیر باشد، خروجی رسانه ها، سازمان های مدیریت انتخابات و غیره، اطلاعات لازم را در اختیار رای دهندگان جهت اتخاذ تصمیم آگاهانه قرار می دهند. این فعالیت ها ضمناً به ساختن محیطی که موجب افزایش اعتماد رای دهندگان و رای گیرندگان به سلامت بشود کمک شایانی می کند.

درک این نکته که انصاف در رقابت های انتخاباتی رعایت می شود نیز تأثیر قابل توجهی بر اعتماد عمومی به روند انتخابات دارد. حفظ بی طرفی دولتی عامل مهمی برای درک منصفانه بودن انتخاب محسوب می شود. این ملاحظات خیلی بیش از آن که به سازمان های مدیریت انتخابات مربوط باشد، به مؤسسات دولتی مربوط می شود. انصاف در پوشش رسانه ای رقبای حاضر در صحنه انتخابات نه تنها بر تصمیم گیری رای دهندگان برای رای دادن تأثیر می گذارد بلکه حس عدم رعایت انصاف می تواند به اعتماد عمومی لطمه وارد کند. نقش فعالیت های تبلیغاتی و مالی احزاب سیاسی نه فقط در تعیین منابعی که رقبای انتخاباتی از آنها هزینه می کنند بسیار مهم است، بلکه در درک منصفانه بودن سازوکار انتخابات نیز حائز اهمیت است.

اعتماد عمومی موضوعی چندوجهی است. در حالی که بعضی از عوامل هستند که نسبتاً تاریک و مبهم اند، ولی وظایف مشخص مسئولان دولتی و نیز رقبای انتخاباتی در رعایت اصول مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی که برای سلامت انتخابات اساسی می باشند را می توان شناسایی نموده و بکار گرفت. می شود فعالیت ها را برنامه ریزی کرد و به نحوی پیش برد که انتظارات عمومی را برآورده کرده و در نتیجه اعتماد عمومی نسبت به واقعی بودن روند انتخابات را جلب نموده و از آن پاسداری کرد.

نتیجه گیری

حق برخورداری از انتخاباتی به معنای واقعی دموکراتیک دربرگیرنده عوامل مهمی است و با طیف وسیعی از حقوق به رسمیت شناخته شده بین المللی و آزادی های بنیادی بشر ارتباطی تنگاتنگ دارد.

عملکرد دولت نمایانگر توسعه روندی اصولی در رعایت حقوق مرتبط با انتخابات است. قواعد ضد تبعیض برگرفته شده از ممنوعیت های کلی مندرج در اسناد بین المللی حقوق بشری، و اسناد معتبر جهانی

مربوط به حق برابر شرکت در انتخابات، برابری در پیشگاه قانون، بر خوداری از حمایت های قانونی یکسان و حق برخورداری از راه های مؤثر جبران خسارت، همگی سنگ بنای حقوق مرتبط با انتخابات هستند. این حقوق بواسطه اصول مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی در قالب انتخابات با هم ارتباطی دورنی پیدا می کنند. میزان تأیید این اصول در قالب یک چارچوب قانونی و در مقام عمل، توسط مؤسسات دولتی و فعالان انتخاباتی، پایه و اساس اعتماد عمومی نسبت به انتخابات و دولتی که بر اساس نتیجه انتخابات تشکیل می شود خواهد بود.

این نکات در اصل 21 اعلامیه جهانی (حقوق بشر) که می گوید: "اختیارات دولت باید بر پایه خواست مردم باشد؛ و این خواست باید از طریق انتخابات دوره ای بیان شود ... " قوانین مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) تصریح می کند که دولت ها برای "تضمین بیان آزادانه خواست رأی دهندگان" وظایف اکید دارند. توسعه اصولی و قاعده مند انتخابات، باید بطور امیدوار کننده ای ادامه یابد تا موجب ارتقا و احترام بیشتر به حقوق مربوط به انتخابات شود. پیامد چنین روند توسعه ای فراهم آوردن اختیار و مشروعیت آنهایی است که به دنبال برگزیده شدن از طریق انتخابات هستند و امکان برقراری حکومتی دموکراتیک که در آن حقوق مردم محترم شمرده می شود را افزایش می دهد؛ حقوقی که از طریق فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به واسطه مشارکت در امور دولتی و عمومی، چه مستقیم و چه غیرمستقیم توسط نمایندگان که آزادانه انتخاب شده اند، پیگیری می شود.

فصل سوم

توسعه چارچوب های قانونی ترویج و ارتقای دهنده انتخابات دموکراتیک

هر قانونی بازتاب تعادل میان قوای سیاسی در زمان تصویب آن است. این در مورد درجات مختلف قواعد راهنما و آئین نامه های تفسیری برای اجرای آن قانون، بسته به آن که چه کسانی آنها را نوشته اند و روند انتشار آنها چگونه باشد، هم صدق می کند. شناسایی این عوامل برای ترویج و ارتقای چارچوب های قانونی دموکراتیک حائز اهمیت می باشد. این مهم بویژه به هنگام ترویج یک چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک صادق است، چرا که انتخابات ابزاری قطعی است در اختیار جامعه برای تمرین حق خود جهت به توازن کشاندن مجدد تقسیم قوای سیاسی در کشور بصورت دوره ای. روندی که برای ترویج و ارتقای چارچوب قانونی طی می شود بازتاب دهنده نیت سیاسی است پشت استقرار یک حکومت دموکراتیک که انتخابات بخشی از حکومت یا به عنوان ابزاری برای حکومت کردن مورد استفاده باشد.

روش های دموکراتیک برای توسعه چارچوب قانونی

شناسایی این موضوع مهم است که روند توسعه چارچوب قانونی تنها به بحث توافق میان احزاب صاحب قدرت، یا حتی در طیفی گسترده تر به توافق میان کسانی که قصد دارند در چارچوب انتخابات به رقابت با هم بپردازند، ختم نمی شود. احزاب سیاسی باید در گفتگوهای پیرامون اجزای تشکیل دهنده چارچوب قانونی برای انتخابات شرکت کنند و دست کم باید اکثریت قوه قانون گذاری را متقاعد کنند که قوانین انتخاباتی باید تصویب یا اصلاح شوند. به هر حال احتمال دستیابی به یک انتخابات دموکراتیک محتمل

نخواهد شد اگر یک یا دو حزب سیاسی که اکثریت کرسی های پارلمان را در اختیار دارند پشت پرده برای خود تصمیم بگیرند که چارچوب قانونی انتخابات چگونه باشد.

اگر هدف رسیدن به یک انتخابات دموکراتیک واقعی باشد، منافع همه کسانی که در پی انتخاب شدن هستند، همینطور منافع رأی دهندگان در تضمین برگزاری یک انتخابات واقعی، باید در یک چارچوب قانونی منعکس شود. در عمل نشان داده شده که روند توسعه چارچوب قانونی باید برای همه شرکت کنندگان احتمالی در انتخابات، هم رقبای انتخاب و هم مردم، این فرصت را فراهم کند که بتوانند مستقیماً منافع خود را بیان کنند، طوری که آن چارچوب بر پایه گفتگوهای علنی و توافقی جامع بنا شود.

طیف متنوعی از مکانیزم های دستیابی به توافق روی اصول و قواعد رقابت در انتخابات وجود دارد. نمایندگان پارلمانی احزاب سیاسی و نمایندگان مستقل قوه قانون گذاری پیرامون اجزای تشکیل دهنده چارچوب قانونی برای انتخابات با هم گفتگو بپردازند. خارج از فعالیت های مربوط به قانون گذاری، احزاب بر اساس گفتگوهای غیر عمومی یا تا حدی رسمی، چون روند گفتگوهای صلح و آشتی، میزگردها و همایش های ملی و دیگر محافل، به فعالیت بپردازند. گروه های شبه نظامی هم می توانند در چنین گفتگوهای شرکت داده شوند همانطور که نمایندگان جامعه مدنی و محافل اجتماعی نیز می توانند در راستای آگاهی بخشی به شهروندان علاقمند سازماندهی شوند. چنین قدم هایی وقتی گه قرار باشد اصول انتخابات مشخص شوند، اهمیت ویژه ای دارند.

تقویم قانون گذاری و قواعد تنظیمی

وقتی که بناست قوانین مربوط به انتخابات توسعه پیدا کنند یا از طریق رویه های قانون گذاری معمول اصلاح شوند، برای آن که احزاب سیاسی، سازمان های جامعه مدنی و شهروندان مستقل فرصت کافی داشته باشند تا برای حفظ و ارایه منافع شان آماده شوند، انتشار یک تقویم قانون گذاری در زمان مناسب قبل از آغاز کار حائز اهمیت خواهد بود. مانورهای قانون گذاری از پیش اعلام نشده و ناگهانی جهت بهره مندی از مزایای انتخابات ممکن است در راستای برتری تاکتیکی و منافع گروه هایی خاص قرار بگیرند، اما ویژگی دموکراتیک انتخابات و مشروعیت کسانی که برای آن منصب انتخاب می شوند را از بین می برد.

تجربه همچنین نشان داده که اصلاحات عمده و اساسی در قوانین انتخاباتی در آستانه برگزاری انتخابات، امری نامناسب است. ثبات و قابل پیش بینی بودن قواعد بازی برای رعایت انصاف در رقابت های انتخاباتی و نیز جلب و حفظ اعتماد عمومی به روند انتخابات، بسیار مهم است. اگر احزاب سیاسی، نامزدهای انتخاباتی و/یا تشکل های جامعه مدنی علاقمند به اصلاح چارچوب قانونی انتخابات باشند، می بایست ابتدا تحلیل های خود را انجام داده و آنگاه تلاش های لازم برای حمایت از این امر را در زمانی مناسب، قبل از انتخابات پیش رو، آغاز نمایند. هم موضوع برنامه ریزی راهبردی و هم موضوع مردم شمولی باید توسط کسانی که در مقام تدوین تقویم های مربوط به امور قانون گذاری و تنظیم قواعد هستند، رعایت شوند.

در حالی که چارچوب قانونی باید ماه ها پیش برگزاری انتخابات تثبیت شده باشد، انجام ارزیابی به موقع از نقاط قوت و ضعف روند انتخابات، درس گرفتن از تجربه های انتخابات پیشین و اقدامات لازم در جهت بهبود چارچوب قانونی، بخش های مهمی از روند مناسب ترویج و ارتقای چارچوب های قانونی یک انتخابات دموکراتیک هستند. اقدامات پس از انتخابات جهت ارتقای چارچوب قانونی فرصت مهمی را در

اختیار کسانی که برگزیده شده اند قرار می دهد تا تعهد خود به اصول مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی و در نتیجه تقویت حکومتی دموکراتیک را نشان دهند.

دانش عمومی و داده های ورودی

انتشار پیش نویس های پیشنهادی در جهت تدوین و اصلاح قوانین مربوط به انتخابات برای رعایت اصول مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی، و نیز برای توسعه عدالت و انصاف و ارتقای اعتماد عمومی مهم است. این کار امکان تجزیه و تحلیل و حمایت کسانی که منافع شان در گروهی انتخابات و سلامت انتخابات است را فراهم می کند.

بکارگیری مکانیزم های لازم برای ورود داده های عمومی به روند قانون گذاری نیز امری حیاتی است. مجاز دانستن اظهارات و پیشنهاد های عمومی برای قواعد جایگزین عامل مهمی برای رعایت اصل مردم شمولی است. انتشار عمومی چنین مطالبی از طریق سایت های اینترنتی و دیگر منابع موجود حائز اهمیت است چرا که به جامعه و رقبا احتمالی انتخابات اجازه می دهد که به ارزیابی قواعد جایگزین مربوط به چارچوب قانونی انتخابات پرداخته و این اطمینان خاطر را به مردم بدهد که نقطه نظر ایشان در این روند پذیرفته می شود.

برگزاری جلسات عمومی قانون گذاران در باره قوانین پیشنهادی انتخابات و اصلاحات احتمالی آنها، آگاهی کافی را به مردم خواهد داد. کسانی در قوه قانون گذاری در اقلیت قرار دارند (یا گروه های مخالفات) باید امکان حضور در این جلسات را داشته باشند تا بتوانند ملاحظات خود در باره قواعد پیشنهاد شده برای انتخابات و نیز پیشنهاد های جایگزین خودشان را بیان کنند. نشست هایی که پذیرش داده های عمومی را، چه به صورت شفاهی و چه به صورت کتبی، مجاز می دانند نیز سطح مردم شمولی در روند ارتقای چارچوب های قانونی برای انتخابات دموکراتیک را افزایش می دهند. برگزاری علنی این جلسات، پوشش رادیو و تلویزیونی آنها و در دسترس گذاشتن محتوای این جلسات در اینترنت، میزان شفافیت را افزایش داده و می تواند بطور قابل ملاحظه ای در جلب اعتماد عمومی نسبت به روند کار تأثیرگذار باشد. محافل عمومی، که در مقایسه با جلسات فوق از رسمیت چندان برخوردار نیستند، می توانند در امکانی که قوه قانون گذاری در اختیارشان می گذارد و نیز در جاهای مختلف دیگری در سراسر کشور برگزار شوند تا هم به امر آگاه رسانی مردم کمک کنند و هم نظرات وارده در مورد چارچوب قانونی مورد نظر را دریافت کنند. چنین قدم هایی بویژه زمانی که قرار است یک چارچوب جدید برای انتخابات تدوین یا اصلاحات بنیادی در چارچوب قانونی موجود اعمال شود، مثل تغییر سازوکار انتخابات یا اعمال تغییراتی به منظور برقراری توازن میان قوای مقننه و مجریه در درون سیستم دولتی منتخب، بسیار ارزشمند خواهند بود.

روش های مشابهی برای رعایت مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی مورد نیاز است تا بتوان رعایت انصاف را تضمین نمود و اعتماد عمومی را نسبت به قوانین مربوط به برگزاری انتخابات ارتقا بخشید. روش های اجرای قوانین و نحوه استفاده از ابزارهای تنظیمی، مثل آئین نامه ها و قواعد رسمی مربوطه، دستورات نهادهای اجرایی دولتی و مراجعی که یا تحت نظر دولت هستند یا مستقل، و همینطور دستورات مختلف مراجع بالاتر به نهادهای پائین تر، در کشورهای مختلف متفاوت است.

تهیه اطلاعیه‌های مربوط به قواعد در نظر گرفته شد، انتشار پیش نویس آنها، اجازه دادن به مردم برای ارسال نظرات و پیشنهادات خود، و برگزاری جلسات علنی و محافل عمومی نقش ازنده‌ای در جامعیت چارچوب قانونی خواهند داشت. حتی اصول یا دستورات تنگ نظرانه در باره مباحث به ظاهر دنیوی نیز باید منتشر شوند و به سهولت در اختیار رقبای انتخاباتی و شهروندان علاقمند قرار گیرند تا جامعه بتواند از رعایت اصول مردم شمولی، شفافیت و پاسخگویی در آن چارچوب قانونی اطمینان حاصل نماید.

پیش نویس های قانون اساسی، قانون گذاری و تنظیمی

در حالی که یک بحث جامع پیرامون اصول و قواعد استاندارد برای تهیه پیش نویس های قانونی و تنظیمی خارج از حوزه این کتاب است، اما ملاحظات اندکی وجود دارند که باید بر روی آنها تأکید شود. متن یک چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک می بایست با مفاد قانون اساسی و اصول بین المللی که منتهی به تکالیف بین المللی کشور می شود سازگار باشد. یک دکترین حقوقی ملی، روش های اصلاح مواردی که احتمالاً با قانون اساسی و تکالیف بین المللی سازگار نباشند را مشخص می کند.

به عنوان مثال، در برخی کشورها لازم است که قوانین ملی مرتبط با تکالیف ناشی از معاهده های بین المللی به طور خودکار از طریق قانون اساسی پیگیری شود و برخی از کشورها می گویند که آن تکالیف بین المللی وقتی محدود می شوند که قوانین داخلی با قوانین بین المللی در تعارض باشند.

سازگاری موازین قانونی. پیش نویس های چارچوب قانونی باید تضمین کنند که قانون اساسی، قوانین حقوقی و ضوابط مربوط به انتخابات با یکدیگر سازگار هستند. تهیه کنندگان این پیش نویس ها باید تضمین نمایند که قوانین و ضوابط انتخاباتی از ثبات ذاتی برای اجرا برخوردارند. رایه یک بند یا یک فصل در قانون که معرف شرایطی باشد که بتوان در ناسازگاری های احتمالی را شناسایی و از بروز آنها جلوگیری کرد، بسیار کمک کننده خواهد بود. علاوه بر آن، چارچوب انتخابات باید اصول بین المللی را مدنظر قرار دهد و قادر باشد کاستی ها و نقیصه هایی که احتمالاً در چارچوب قانونی ملی پدید می آیند را شناسایی و عنوان کند.

قوانین دیگری هم هستند که ممکن است با چارچوب قانونی انتخابات مرتبط باشند. این قوانین عبارتند از: شناسایی قانونی احزاب و سازمان های سیاسی؛ تأمین منابع مالی احزاب و/یا فعالیت تبلیغاتی آنها؛ ثبت قانونی سازمان های غیردولتی (از جمله سازمان های بی طرف و فراجنبی ناظر بر انتخابات)؛ مالکیت، مجوز و فعالیت رسانه ای؛ دسترسی به اطلاعاتی که در اختیار دولت هستند؛ استانداردهای مربوط به صلاحیت و امکان استفاده از داده ها و ارتباطات الکترونیکی؛ قوانین و رویه های اجرایی؛ رویه های مدنی؛ و قوانین و رویه های جزایی و کیفری. در بررسی ناسازگاری های احتمالی باید این قوانین را هم در نظر گرفت.

هرچند ممکن است روندی طولانی و زمان بر باشد، اما اقدام جهت رفع ناسازگاری های موجود در قوانین می تواند از اختلافات قانونی و حقوقی آتی در جریان برگزاری انتخابات پیشگیری کند. قواعد و مکانیزم های رفع تضادهای قانونی نیز باید متضمن رعایت قواعد مرتبط با حقوق انتخاباتی و اجرای بررسی های قانونی مربوطه باشد مگر در مواردی که مفاد قانون اساسی مد نظر باشند.

زبان ساده و واضح. قوانین و قواعد مربوط به انتخابات باید توسط تهیه کنندگان آن به منظور رفع ابهامات موجود تا آنجا که ممکن است مورد بررسی و بازبینی قرار بگیرند. رایه مفهوم عبارات استفاده شده می

تواند برای کاستن از ابهامات مفید باشد، اما در هر حال، ابهام می تواند در جایی بروز کند که از یک عبارت تعریف شده و مشخص به طرز نامناسبی استفاده شده باشد. بازبینی دقیق متن جهت رفع ابهامات، همینطور رفع سازگاری ها، قبل از نهایی شدن قانون یا آیین نامه تأثیر ارزشمندی خواهد داشت، زیرا از بروز سردرگمی و اختلاف های احتمالی آتی درباره مفاد قانونی چارچوب پیشگیری خواهد کرد.

استفاده از زبان و ادبیات مناسب در اجزای مختلف چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک که برای رقبای انتخاباتی و عامه مردم روشن و قابل فهم باشد بخش مهم دیگری در تهیه پیش نویس می باشد. در حالی که بحث های مختلفی در صحنه بین المللی در باره سودمندی استفاده از به اصطلاح "زبان ساده" مطرح است، اما این توافق وجود دارد که یک چارچوب قانونی - برای داشتن تأثیر بیشتر - باید به راحتی و به وضوح فهمیده شود.

میزان جزئیات. چالش دیگر تهیه پیش نویس میزان جزئیات لازم برای توضیح مناسب زوایای گوناگون چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک است. در عمل نشان داده شده که پاسخ، بسته به ماهیت چارچوب انتخابات و این که بیان کننده سطوح مختلف قانون نویسی باشد یا نه، متفاوت خواهد بود. قانون اساسی باید به صورت قابل توجهی بیان کننده جزئیات زیر باشد:

موضوعات مربوط به ساختار حکومت (مانند نظام ریاست جمهوری یا پارلمانی)؛ تعریف سیستم رأی گیری نسبی، اکثریت قاطع یا ترکیبی از هر دو؛ توصیف دفاتر و مناصب منتخب دولتی و محدوده اختیارات آنها؛ پیش نیازهای لازم برای شناسایی تابعیت در صورت نیاز به احراز صلاحیت برای انتخاب شدن یا رأی دادن؛ انواع حقوق مدنی و سیاسی و آزادی هایی که باید از آنها پاسداری کرد یا ارتقا داد؛ و شرایطی که می توان درخواست برگزاری انتخابات را کرد و این که چه کسی چنین اختیاری را دارا باشد. توصیف ماهیت، قدرت، ترکیب، صلاحیت، دوره، انتصاب، و برکناری اعضای سازمان های مدیریت انتخابات و همینطور ریاست آن، شاید برای درج در قانون اساسی مناسب باشند.

اغلب اجزای چارچوب قانونی انتخابات دموکراتیک در قوانین مرتبط با انتخابات، بویژه در قوانین بنیادی انتخابات، به تفصیل بیان می شوند. در حالی که قوانین و قواعد انتخاباتی به میزان قابل توجهی شامل جزئیات می شوند، چارچوب قانونی باید این پیش بینی را بکنند که شاید این قوانین به همه پرسش ها پاسخ نداده باشند. از این رو راهنمای تفسیر و اجرای قانون، توسط مسئولان انتخابات و دیگرانی که در روند انتخابات دخیل هستند، باید در خود قانون گنجانده شود. این امر ممکن است شامل یک روند رسمی تنظیم کننده قواعد و/یا روند اطلاع رسانی به رقبای انتخاباتی و جامعه در باره قواعد پیشنهادی و فراهم کردن امکان ارسال نظرات و پیشنهادات آنها برای وضع چنین قواعدی باشد.

در حالی که، برای مثال، قانون اساسی ممکن است حکم در برابری در پیشگاه قانون، برخورداری از حمایت های قانونی یکسان، اجرای به موقع قانون، راه های مؤثر جبران خسارت، و پاسخگویی جهانی در برابر قانون کرده باشد، قانون انتخابات باید این مفاهیم را در بستر انتخابات ترسیم کند و قواعد و ضوابط مربوطه باید حتی به طور مشخص تر به موارد مختلف مثل مکانیزم مربوط به شکایات، جبران خسارات و نیز مکانیزم پاسخگویی بپردازند. در مجموع، سطوح مختلف چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک باید روند انتخابات را جزء به جزء تشریح کند.

اجزای چارچوب انتخابات دموکراتیک

اجزا و عناصر متعددی هستند که به طور معمول در چارچوب های قانونی انتخابات دموکراتیک نمایان می شوند. آنها ممکن است به بخش های مختلفی دسته بندی شوند، هر چند دسته بندی هایی که در زیر به آنها اشاره خواهد شد نمایی کلی از روند های مختلف انتخابات را ترسیم می کنند. لطفاً به فصل چهارم این راهنما، که به اهدافی که هر جزء از چارچوب باید دنبال کند، معیارهای سنجش رسیدن به آن اهداف و پرسش های مفصل در باره تحلیل آن که آیا مفاد چارچوب قانون مروج دموکراتیک و منصفانه انتخابات هستند یا نه اشاره می کند، مراجعه نمایید. بررسی اجمالی که در زیر می آید، زوایای کلیدی چارچوب قانونی مورد نیاز در شیوه های مختلف انتخاباتی را برجسته می کند، در حالی که فصل چهارم با جزئیات بیشتری به این مسائل می پردازد.

به رسمیت شناختن حقوق و توصیف ساختار دولتی و سازوکار انتخاباتی:

همانطور که پیشتر گفته شد، قانون اساسی و قوانین انتخاباتی باید به طور اساسی حق برخورداری از انتخابات واقعی دموکراتیک و حقوق مربوط به انتخابات را به رسمیت بشناسند. این قوانین باید به روشنی و به تفصیل ترکیب و خصیصه های ساختار حکومتی کشور و سازوکار انتخاباتی را تعریف کنند. این امر مستلزم تعریف موارد زیر است:

- حمایت های قانون اساسی و عمومی برای حفظ حقوق مدنی و سیاسی مربوط به انتخابات واقعی دموکراتیک؛
- ساختار حکومتی ریاست جمهوری یا پارلمانی یا ترکیبی از هر دو نوع، اشاره به مناصب و نهادهای انتخابی؛
- ساختار قانون گذاری تک مجلسی یا دو مجلسی در سطح ملی یا سطوح پائین تر حکومتی و نیز توصیف شاخه های اجرایی دولتی در سطوح پائین تر از سطح ملی؛
- لایه ها و رده های دولت و سیستم انتخاباتی مربوطه برای دولت های محلی و واسطه؛
- شرایط لازم، در صورت نیاز، برای تعیین حداقل میزان مشارکت عمومی در انتخابات به جهت حفظ اعتبار انتخابات؛
- شرایط لازم، در صورت نیاز، برای اجباری بودن رأی دادن از لحاظ قانونی
- انواع سیستم های رأی گیری انتخاباتی نسبی، اکثریتی، یا ترکیبی از هر دو، و روش های مشخص محاسبه باقیمانده اعشاری و تخصیص کرسی ها در سیستم های رأی گیری نسبی، و روش هایی که توسط آنها تقدم و تأخر و انتقال آرا بکار گرفته می شود؛
- تعیین حداقل درصد آرای مورد نیاز، در صورت نیاز، برای تصاحب کرسی ها؛
- انواع شیوه های رأی گیری، علنی، غیر علنی، اگر سیستم فهرست کاندیداهای احزاب به کار گرفته شود؛
- لازمه های مربوط به تعیین مرزبندی های انتخاباتی و سهمیه بندی های قابل قبول و منطقی افرادی که به عنوان نماینده های منتخب برگزیده می شوند؛
- اختیارات ویژه یا لازمه های سیستم انتخابات در مورد انتخاب زنان و اقلیت ها؛
- لازمه های مربوط به زمان بندی انتخابات؛
- ویژگی های مربوط به همه پرسی و انواع دیگر رأی گیری، از جمله این که چه کسانی می توانند در این زمینه قدم بردارند، چه مرجعی می تواند تعیین کند که موضوع مورد نظر آیا به رأی گیری نیاز دارد یا نه، صلاحیت های لازم، و زمانی که موضوع مورد نظر به رأی گذاشته می شود؛ و
- خصوصیات و شرایط لازم برای تغییر این قواعد و مقررات در قانون اساسی و قوانین انتخاباتی

این قواعد و مقررات همگی نوعی پیمان بین مردم و نمایندگان شان را شکل می دهند. در حالی که آن کشورهایی که در مراحل ابتدایی استقرار یک حکومت دموکراتیک هستند ممکن است نیاز به اصلاح این عناصر داشته باشند، تغییران پیاپی در ساختار دولت و سیستم انتخاباتی می تواند موجب بی ثباتی و در نتیجه فقدان اعتماد عمومی شود. از این رو اعمال تغییرات در این گونه مسائل باید با دقت و احتیاط و با مشارکت عمومی گسترده و گفتگوهای علنی جهت حصول توافق بر سر اهمیت نیاز به اصلاحات صورت بگیرد.

حوزه های انتخاباتی:

حق برابری در رأی و شرکت در انتخابات حکم می کند که رأی تک تک افراد به یک اندازه ارزش دارد. این مهم، به هنگام توسعه چارچوب قانونی انتخابات در جهت محدودیت زدایی، از اهمیت ویژه ای برخوردار خواهد بود. اگر تفاوت قابل توجهی بین حوزه های انتخاباتی در سهمیه بندی افراد برای نمایندگی وجود داشته باشد، آنگاه آرای مردم در حوزه های مختلف یکسان نخواهد بود. با این که بین دموکراسی های با پیشینه طولانی در زمینه پذیرش تفاوت سهم آرا در حوزه های مختلف تفاوت هایی وجود دارد، اما این تفاوت ها جزئی هستند.

حق برابری در رأی و شرکت در انتخابات حکم می کند که رأی تک تک شهروندان فارغ از تفاوت های نژادی، رنگی، جنسیتی، زبانی، مذهبی، سیاسی و عقیدتی، ریشه های ملی و اجتماعی و محل تولد باید ارزشی برابر داشته باشد. حدود و مرزبندهای حوزه های مختلف انتخاباتی نباید به گونه ای باشد که موجب تجزیه اقلیت ها و در نتیجه کاهش قدرت رأی آنها شود. چارچوب قانونی ضمناً باید از اعمال تبعیض در مرزبندی های انتخاباتی، با هدف کاستن از قدرت برخی از حوزه ها بر اساس گرایش های سیاسی آنها، جلوگیری کند (معمولاً تحت عنوان "تقسیم حوزه های انتخاباتی به طور ناعادلانه" معرفی می شود).

تعریف معیارهای مربوط به تعیین حدود و مرزبندی های انتخاباتی باید ترکیبی از مکانیزم های ارتقا یافته ای باشد که تضمین کننده انجام مناسب این کار هستند. این نه تنها نیازمند تشکیل نهادی بی طرف برای ترسیم این حدود می باشد، بلکه باید روندی را ارائه کند که از شفافیت لازم برخوردار بوده، حوزه های انتخابیه مختلف را در روند کار دخالت دهد و در برابر مردم پاسخگو باشد. این که حدود و مرزبندی ها توسط مرجع قانون گذاری تعیین شود یا کمیسیون ویژه، نهاد مدیریت انتخابات یا هر مرجع دیگری، اجزای یاد شده باید با موفقیت اعمال شوند.

نهاد مدیریت انتخابات (EMB) و اداره انتخابات

قواعد و مقررات چارچوب قانونی انتخابات در باره نهاد مسئول سازماندهی انتخابات دموکراتیک بسیار حساس و پیچیده اند. نهاد مدیریت انتخابات (EMB) باید بی طرف و شایسته و لایق باشد و باید مورد قبول هم رقبای انتخاباتی و هم مردم باشد. روند ترویج و ارتقای این بخش از چارچوب قانونی انتخابات، ضمن رعایت استانداردهای لازم برای حفظ کارآمدی نهاد مدیریت انتخابات، باید تا حد امکان دربرگیرنده هر چه بیشتر نظرات رقبای حاضر در صحنه انتخابات باشد. این جا بحث جلب اعتماد عمومی نسبت به نهاد مدیریت انتخابات مطرح می شود که عملکرد این نهاد تا چه حد در کاهش و افزایش اعتماد عمومی اهمیت دارد.

در حالی روش های مختلفی برای تعیین روند انتخاب اعضا و ریاست نهاد مدیریت انتخابات (EMB) وجود دارد، اما مهمترین عوامل دخیل بودن همه رقبا انتخاباتی و شفافیت در عمل است. تعریق وجوه تمایز حوزه های مختلف انتخاباتی و که تعادل سیاسی را رقم می زند و نیز انتخاب و اجازه حضور نمایندگان آنها در نهاد مدیریت انتخابات، یکی از آن روش هاست. خواه از این روش ها یا از هر روش دیگری استفاده شود، باید با دخیل نمودن همه طرف ها متناسب با شرایط ملی باشد.

رئیس نهاد مدیریت انتخابات می تواند با اکثریت قاطع آرای نمایندگان قوه مقننه یا خود اعضای نهاد مدیریت انتخابات، یا حتی توسط بالاترین مقام اجرایی کشور انتخاب شود و به تأیید افرادی که قوه مقننه تعیین کرده باشد برسد. تعیین دقیق نهادهای زیرین اجرایی انتخابات در سطوح میانی و محلی، و تعیین مسئولیت های آنها در قبال نهاد مدیریت انتخابات در راستای ترویج و ارتقای شفافیت و جلب اعتماد رقبا انتخاباتی و مردم، از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از معیارهای تشخیص بی طرفی نهاد مدیریت انتخابات میزان این است که تا چه حد از فشارهای جناحی و حزبی به دور باشند. برخورداری این نهاد از استقلال کافی، به جای آن که بخشی از یک وزارتخانه دولتی باشد، ثابت کرده که عملکردی موفقیت آمیز را در پی خواهد داشت، هرچند نمونه هایی (بویره در دموکراسی هایی که پیشینه طولانی تر دارند) در دسترس هست که نشان می دهد نهادهای وابسته به وزارتخانه های دولتی، عملکردی بی طرفانه داشته اند. ثابت شده که برخورداری از بودجه ای مناسب که توسط مرجع قانون گذاری ملی تأمین شده باشد به همراه پاسخگویی در برابر همان مرجع قانون گذاری ملی، می تواند اقدامی حیاتی در راستای تضمین کارآمدی، بی طرفی و اعتمادسازی نهاد مدیریت انتخابات باشد.

تأمین منابع کافی مالی و غیره که در دسترس نهاد مدیریت انتخابات باشد، همراه با کمک های لازم از جانب مؤسسات دولتی، بند مهم دیگری است که باید در چارچوب قانونی انتخابات گنجانده شود. تضمین های لازم برای حفظ بی طرفی سیاسی همه مسئولان و این که نهاد مدیریت انتخابات باید مسئول عملکرد آنها باشد نیز باید لحاظ شود. این عوامل همچنین اشاره دارند بر این که نهاد مدیریت انتخابات لازم است آموزش های لازم برای مسئولان انتخاباتی و مکانیزم های مربوطه برای پاسخگو نگه داشتن آن ها برای انجام درست وظایفشان، را فراهم کند. این اجزای چارچوب قانونی انتخابات به پایداری اداره انتخابات دموکراتیک کمک می کند.

اختیارات نهادهای مدیریت انتخابات در کشورهای مختلف متفاوت است به این نحو که بعضی کشورها تقریباً همه اعمال مربوط به انتخابات را به نهاد مدیریت انتخابات واگذار می کنند و در بعضی کشورهای دیگر تنها مسئولیت های کلیدی مربوط به سازماندهی انتخابات و فعالیت های وابسته روز انتخابات را برای این نهاد در نظر می گیرند و وظایف دیگر مرتبط با محدودیت زدایی از انتخابات و ثبت رسمی احزاب سیاسی و تأمین منابع مالی آنها، رفتار رسانه ها در قبال انتخابات و غیره را به نهادهای دیگر واگذار می کنند. ارایه مکانیزم های مربوط به شفافیت و پاسخگویی برای همه آن نهادها در جهت رعایت مردم شمولی و جلب اعتماد رقبا انتخاباتی و جامعه، امری بنیادی است.

نظارت بر انتخابات توسط احزاب و نامزدهای انتخابات، همه پرسی و دیگر شیوه های رأی گیری، نظارت های فرا جناحی داخلی بر انتخابات، رسانه های خبری، و ناظران بین المللی انتخاباتی:

چارچوب قانونی کلید تضمین این امر است که تمام اجزای روند انتخابات برای نظارت احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های حامی همه پرسی یا شیوه های دیگر رأی گیری، سازمان نظارتی غیرجناحی داخلی، رسانه های خبری و سازمان های بین المللی باز هستند. در مقابل، تأمین این نوع از شفافیت برای تضمین اصول مردم شمولی، پاسخگویی و ایجاد حس رعایت انصاف و عدالت میان رقبای انتخاباتی و جلب اعتماد عمومی، امری است حیاتی.

احزاب سیاسی و کاندیداها منافع خود را در حفظ حقوق انتخاباتی شان می بینند. به طور سنتی، چارچوب های قانونی به نمایندگان آنها امکان می دهد که در اماکن انتخاباتی، از قبیل حوزه های رأی گیری و مراکز شمارش آرا، حضور یابند تا شاهد روند رأی گیری و شمارش آرا باشند. چارچوب های قانونی همچنین حق نمایندگان رقبای انتخاباتی برای نظارت بر بسیاری از دیگر بخش های روند برگزاری انتخابات را به رسمیت می شناسد. همانطور که در فهرست مندرج در فصل چهارم نشان داده شده، چارچوب های قانونی باید همه اجزای روند برگزاری انتخابات را به روی نمایندگان طرف های حاضر در صحنه انتخابات باز بگذارند تا بتوانند بر آنها نظارت، ملاحظات و دغدغه های خود را عنوان، و راه های جبران خسارات ناشی از تخلفات احتمالی را از طریق مکانیزم های مناسب درخواست و پیگیری کنند.

وقتی که همه پرسی یا روش های دیگری برای رأی گیری به رأی دهندگان معرفی می شود، احزاب سیاسی و گروه های اجتماعی مواضع سیاسی موافق یا مخالفی در برابر آن می گیرند. از این رو چون منافع مستقیم خود را در نتیجه انتخابات می بینند می بایست امکان دسترسی به همه اجزای وابسته به روند انتخابات را داشته باشند.

در سراسر دنیا، سازمان های نظارتی داخلی بی طرف و غیرجناحی توسعه پیدا کرده اند تا ضمن حفاظت از حق برخورداری از انتخابات واقعی دموکراتیک، آن را ترویج و ارتقا دهند. چنین فعالیتی بیان کننده حق شهروندان برای مشارکت در امور دولتی و عمومی و نیز حق آنها برای جستجو و انتشار اطلاعات است. از این روست که چارچوب قانونی باید امکان انجام چنان نظارت هایی را فراهم کند هر چند که ممکن است وضعیت و جایگاه این نظارت ها برای بیان ملاحظات و نگرانی های مربوط به مسئولان انتخاباتی حاضر در پایگاه های اخذ رأی و سایر اماکن انتخابات در این چارچوب متغیر باشد.

رسانه های خبری در ارایه اطلاعات لازم به شهروندان، برای درک بهتر از روند انتخابات و حصول اطمینان نسبت به آن، نقش حیاتی بازی می کنند. نمایندگان رسانه ها حق خود برای جستجو و نشر اطلاعات مربوط به انتخابات را تمرین می کنند و چارچوب قانونی باید امکان دسترسی آنها به همه اجزای روند انتخابات را فراهم کند.

ناظران بین المللی انتخابات می توانند نقش مهمی در ارزیابی ماهیت انتخابات و ارایه توصیه های مناسب برای ترویج و ارتقای انتخابات دموکراتیک داشته باشند. با آن که ناظران بین المللی از جایگاه شهروندان برای نظارت بر روند انتخابات برخوردار نیستند، اما بسیاری از کشورها بنابر تعهداتی که به سازمان های بین المللی داده اند موظفند که به ناظران بین المللی اجازه حضور بدهند. از این رو چارچوب های قانونی انتخابات باید امکان حضور ناظران بین المللی برای مشاهده تمامی اجزای مربوط به روند انتخابات را فراهم کنند.

ثبت نام و تهیه فهرست رأی دهندگان

ثبت نام از رأی دهندگان برای تضمین آن است که واجدین شرایط رأی دادن بتوانند از حق خود برای رأی دادن استفاده کنند و در نتیجه از آرای غیر قانونی جلوگیری شود. این باعث اطمینان از جلوگیری از پامال شدن حق رأی و نیز کمرنگ شدن اثر رأی هر فرد واجد شرایط برای رأی دادن و در نتیجه حمایت از حق شرکت برابر در رأی گیری خواهد شد. برآورد میزان رأی دهندگان احتمالی همچنین به ساده کردن و اثر بخشی روند انتخابات در روز برگزاری انتخابات کمک می کند.

از این رو چارچوب قانونی باید تعداد قابل توجهی از قواعد و مقررات مربوط به ملاحظات زیر را شامل شود:

- واجد شرایط بودن برای رأی دادن، از جمله روش های ممانعت از رأی دادن های غیرقانونی بر اساس معیارهای مربوط به عدم توانایی برای رأی دادن آگاهانه و آزادانه، یا ممانعت از حقوق سیاسی ناشی محکومیت های کیفری، و روش های ترمیم و اصلاح شرایط لازم برای رأی دادن؛
- روش های تدوین روند ثبت نام از رأی دهندگان، خواه از طریق ثبت نام مستقیم شهروندان یا از طریق برآوردهای دولتی یا انتقال اطلاعات ثبت شده جمعیتی؛
- روش های بررسی مراحل اولیه ثبت نام، ارزیابی صحت آن و اقدام برای اصلاحات لازم توسط شهروندان، احزاب سیاسی، کاندیداها و سازمان مدنی؛
- روش های بازرسی از ثبت نام نهایی رأی دهندگان و امکان انجام اصلاحات؛
- پروسه های به چالش کشیدن شرایط قانونی رأی دهندگان در روز انتخابات؛ و
- پروسه های تحقیق و جستجو برای یافتن رأی دادن های غیرقانونی در روز انتخابات؛

در کنار سایر اجزای روند انتخابات، ارایه روش های سنجش شفافیت – از قبیل نظارت بر روند انتخابات توسط رقبای حاضر در صحنه انتخابات، ناظران بی طرف و غیرجناحی داخلی، رسانه های خبری و ناظران بین المللی – و همینطور راه های تنشظیم و ارسال شکایات و انجام اصلاحات مؤثر برای جبران خسارت، باید بخشی از چارچوب انتخاباتی مربوط ثبت نام و تهیه فهرست رأی دهندگان باشد.

آموزش رأی دهندگان:

انتخابات نمی تواند به معنای واقعی دموکراتیک باشد مگر آن که رأی دهندگان تفاوت میان رقبای انتخاباتی را درک کنند و در نتیجه قادر باشند به طور آگاهانه رأی بدهند. رأی دهندگان همچنین باید از زمان، مکان و چگونگی ثبت نام و نیز از زمان، مکان و چگونگی رأی دادن آگاهی کافی داشته باشند. از این رو چارچوب قانونی باید شامل قواعد و مقررات مربوط به مسئولیت های نهاد مدیریت انتخابات در قبال رأی دهندگان، ثبت نام از رأی دهندگان و روند رأی گیری و آموزش های مربوط به آنها را مشخص کند. چارچوب همچنین باید حکم کند که پرسنل ارتش نیز باید از اطلاعات مربوط به آموزش رأی دهندگان برخوردار باشند. باید ملزم کند که اطلاعات مربوط به رأی دهندگان افسران ارشد و افسران وظیفه در پی اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر آرای پرسنل ارتش نباشند.

چارچوب قانونی همچنین باید شرط کند که مراقبت های لازم برای مخفی نگه داشتن آرای نظامیان انجام بگیرد. همین موارد باید در مورد افرادی که در حبس یا زندان هستند و دارای حق رأی می باشند نیز صادق است.

رسانه های خبری تحت کنترل دولت هم باید مکلف شوند که برای ارایه آموزش های انتخاباتی لازم به مردم، با نهاد مدیریت انتخابات (EMB) همکاری کنند. چارچوب قانونی انتخابات ممکن است بازم بدانند که رسانه های خبری مستقل عمومی و خصوصی، اگر از نظر مالی باری بر دوش آنها تحمیل نشود، در جهت ارایه آموزش های انتخاباتی به مردم همکاری های لازم را به عمل آورند.

چارچوب قانونی باید این امکان را برای سازمان های مردمی فراهم کند که بتوانند به ارایه آموزش های انتخاباتی شان به مردم، تا زمانی که مواضع رقبای انتخاباتی و ثبت نام رأی دهندگان و روند برگزاری انتخابات را به درستی تشریح می کنند، ادامه دهند.

شناسایی قانونی و جایگاه احزاب سیاسی

چارچوب قانونی باید، بر مبنای اصول غیرتبعیض آمیز و بدون محدودیت های غیرضروری، قواعدی را در ارتباط با شناسایی قانونی و تداوم جایگاه قانونی احزاب و دیگر سازمان های سیاسی، همچون گروه های حامی کاندیداها و گروه های موافق یا مخالف موضوع به رأی گذاشته شده، ارایه کند.

به رسمیت شناختن سازمان های سیاسی به عنوان نهادهای قانونی، که از حق تلاش برای تصاحب مناصب دولتی یا حق تأثیرگذاری بر آرای شهروندان برخوردار هستند، برای یک انتخابات دموکراتیک امری اساسی محسوب می شود.

لازمه های شناسایی قانونی احزاب سیاسی ممکن است بر مفاد قانون اساسی منطبق باشد. اگر اینطور باشد، معمولاً بطورت کلی بیان می شوند. چه قانون اساسی شرایط به رسمیت شناختن احزاب و گروه های سیاسی را به صراحت بیان کرده باشد چه نکرده باشد، جزئیات ثبت و شناسایی قانونی احزاب همیشه توسط قوانین عمومی و انتخاباتی بیان می شود. در حالی که مدل های متعددی برای انواع مختلف قوانین مربوط به احزاب سیاسی وجود دارند، اما بسیاری از آنها یک یا دو رویکرد اساسی را دنبال می کنند:

- رویکرد لازمه های حداقلی، همراه با شناسایی قانونی به عنوان یک موضوع روتین اداری به دنبال ارسال نام، علامت، منشور، رهبران و شاید فهرست کوتاهی از اعضا؛ و
- رویکرد نسبتاً سخت تر با لازمه بیشتر برای ارایه مدارک نشان دهنده بالا بودن تعداد اعضا و/یا هواداران حزب، و شاید پراکندگی جغرافیایی حزب در سطح کشور، اعلامیه حزبی و مبلغ قابل توجهی به عنوان هزینه ثبت نام.

چارچوب قانونی ممکن است زوایای مختلف عملکرد احزاب سیاسی (مثل لزوم بکارگیری دموکراسی در فعالیت های درون حزبی) یا انتخاب نامزد انتخاباتی حزب را در نظر بگیرد. چارچوب همچنین ممکن است به افشای منابع مالی حزب اشاره داشته باشد.

صلاحیت انتخاباتی:

چارچوب قانونی باید روش های روشن تعیین صلاحیت احزاب، کاندیداها، موضوع همه پرسی و دیگر روش های رأی گیری را توضیح دهد.

قواعد و مقررات نباید تبعیض آمیز، بیش از حد سنگین یا بی جهت محدود کننده باشند، هر چند که باید تضمین کنند که تنها احزاب و کاندیداها واجد شرایط و موضوع هایی که به شکلی مناسب برای همه پرسی تنظیم شده باشند، صلاحیت آن را دارند که به رأی عمومی گذاشته شوند.

قواعد و مقررات مربوط به صلاحیت انتخاباتی اغلب شامل ارسال میزان قابل توجهی از امضا می باشند. شرایط مربوط به زمان بندی جمع آوری امضاها باید منطقی و واقع گرایانه باشند. یک مشکلی که باید از آن پرهیز کرد محدود کردن شهروندان به امضای فقط یک دادخواست برای صلاحیت انتخاباتی است.

این به شکل غیرمنصفانه ای بر حقوق رأی دهندگان و رأی گیرندگان تأثیر می گذارد. رقبای انتخاباتی نمی توانند توقع داشته باشند که بدانند آیا کسی دادخواست دیگری را امضا کرده است یا نه؛ حتی تلاش های یک کاندیدا برای احراز صلاحیت انتخاباتی با ابطال امضاهای جمع آوری شده می تواند نقش بر آب شود.

روش های تأیید امضاهای جمع آوری شده باید غیرتبعیض آمیز باشند، و چارچوب قانونی باید تضمین کننده حمایت های لازم در مقابل درخواست های اجباری را بدهد. مقررات چارچوب همچنین باید شامل مکانیزم های شفاف برای نمایندگان نامزدهای انتخاباتی، گروه های درخواست کننده همه پرسی و رأی گیری، ناظران انتخاباتی فراجنبی، رسانه های خبری و ناظران بین المللی باشد.

تبلیغات انتخاباتی:

چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک باید شرایط منصفانه برای رقبای انتخاباتی را تضمین کند. وجوه بیشماری در این زمینه وجود دارد که چارچوب قانونی می بایست به آن پردازد، از جمله روش های تسهیل کننده شرایط عاری از خشونت و ارباب برای رقبای انتخاباتی به منظور:

- سازماندهی و آموزش تبلیغ کنندگان؛
- حرکت روستا به روستا و خانه به خانه و استفاده از فضاهای عمومی برای جلب رأی؛
- برگزاری تجمعات، راه پیمایی و تظاهرات و یاز ابزارهای مسالمت آمیز برای کسب و نمایش حمایت های انتخاباتی؛
- استفاده از ابزارهای ارتباط جمعی، از قبیل خدمات پستی، تلفن، ارسال پیامک (SMS) و اینترنت؛ و
- دسترسی به رأی دهندگان احتمالی از طریق چاپ و انتشار اخبار برای جلب رأی.

به همین نسبت مهم است که چارچوب قانونی تضمین کند که رأی دهندگان احتمالی به دور خشونت، تهدید و ارباب و بدون ترس از اعمال مجازات به دلیل تمرین آزادانه حق انتخاباتی خود بتوانند در فعالیت های تبلیغاتی انتخاباتی به منظور جستجو و کسب اطلاعات لازم در باره رقبای حاضر در صحنه انتخابات شرکت نمایند.

چارچوب انتخابات باید حکم کند که همه مقامات دولتی در اجرای مسئولیت هایشان، از جمله اعطای مجوز و امکانات لازم برای فعالیت های تبلیغاتی، بی طرفی سیاسی را رعایت کنند. همینطور باید ملزم کند که منابع دولتی نباید در جهت منافع انتخاباتی یک حزب یا کاندیدای خاص به کار گرفته شوند. چارچوب قانونی ضمناً باید شرایط و پیش نیازهای لازم برای مقام های انتخاباتی و پرسنل نیروی انتظامی در محترم

شمردن حمایت های قانونی یکسان و فراهم آوردن راه های مؤثر جبران خسارت را به منظور تضمین شرایط مناسب فعالیت های تبلیغاتی ارایه دهد.

منابع تبلیغاتی:

در حالی که چارچوب قانونی منابع تبلیغاتی مورد استفاده رقبای انتخاباتی را تعیین می کند، اما باید این کار را به صورت غیر تبعیض آمیز و به صورت برابر برای همه رقبای حاضر در صحنه انتخابات انجام دهد. در صورت تخصیص منابع مالی، ممکن است رقبای انتخاباتی به دسته های اصلی و فرعی تقسیم شوند. این تقسیم بندی باید به روشنی و با معیارهای مشخص انجام گیرد. چارچوب باید دربرگیرنده محافظت های قانونی در برابر به کار گیری معیارهای تبعیض آمیز هم باشد. در صورت ارایه حمایت های غیر مادی، مثل تأمین اماکن یا وسائل مورد نیاز، باید بر مبنای رعایت مساوات انجام شود و محافظت های لازم در برابر به کارگیری معیارهای تبعیض آمیز و تحمیلی باید در نظر گرفته شود.

وقتی به حامیان خصوصی اجازه فعالیت در تبلیغات انتخاباتی داده می شود، چارچوب قانونی باید برای آنهایی که به رقابت برای تصاحب مناصب دولتی می پردازند و نیز گروه های موافق یا مخالف موضوع به رأی گذاشته شده شرایطی برابر و یکسان در نظر بگیرد. هرگونه محدودیت در هزینه فعالیت های تبلیغاتی باید بطور یکسان اعمال شود.

لزوم افشای اطلاعات مربوط به فعالیت های تبلیغاتی، که برای اثربخشی بیشتر باید به موقع و علنی انجام گیرد، می بایست بطور یکسان و برابر در نظر گرفته شوند. مکانیزم های اجرایی هم باید به همین صورت تضمین کننده رویکردی غیر تبعیض آمیز باشند.

رسانه ها:

یک چارچوب قانونی برای انتخابات دموکراتیک باید بیان کننده موارد متعددی در ارتباط با رسانه ها باشد: محافظت از رسانه ها برای تمرین آزادی بیان در قالب انتخابات؛ فراهم آوردن فرصت های واقعی برای رقبای انتخاباتی برای انتقال پیام های انتخاباتی خود به مردم؛ و ارایه اطلاعات درست به رأی دهندگان برای تصمیم گیری در انتخاب گزینه مطلوب.

اولین مجموعه قواعد و مقررات باید مقامات دولتی را از اعمال فشار بر رسانه ها به نفع یا به ضرر منافع هر یک از رقبای انتخاباتی منع کند. تهدید مستقیم امنیت شخصی یا خانوادگی صاحبان رسانه، منتشرکنندگان و ویرستاران [خبر] و روزنامه نگاران و تهدید به محاکمه و پیگیری قضایی آنها باید ممنوع شود.

چارچوب قانونی همچنین باید دسترسی رایگان رقبای انتخاباتی به رسانه های دولتی یا تحت کنترل دولت برای انتقال پیام های خود جهت کسب حمایت رأی دهندگان را فراهم آورد. رسانه های عمومی مستقل و رسانه های خصوصی ممکن است، در صورتی که برای آنها بار مالی سنگینی نداشته باشد، لازم باشد که به رقبای انتخاباتی خدمات رایگان ارایه کنند.

وقتی که تبلیغات سیاسی پولی و غیررایگان مجاز می شوند، چارچوب قانونی باید حکم کند که این امر به صورت غیرتبعیض انجام گیرد.

چارچوب قانونی همچنین باید حکم کند که رسانه های متعلق به دولت یا تحت کنترل دولت، اطلاعات درست، متعادل و با جوشش برابر در باره رقبای حاضر در صحنه انتخابات (احزاب، کاندیداها و گروه های موافق و مخالف همه پرسى یا روش های دیگر رأى گیرى) را در اختیار مردم بگذارند. دستورالعمل های لازم در این مورد نیز باید به رسانه های عمومی مستقل و رسانه های خصوصی ارایه شود. چارچوب قانونی باید راه های مؤثر جبران خسارت های ناشی از نقض حقوق رقبای انتخاباتی توسط رسانه ها را در نظر بگیرد.

رای گیری:

چارچوب حقوقی باید مسائل فراوانی را مورد رسیدگی قرار دهد تا اطمینان حاصل شود که فرصتی مناسب برای تمرین حق رای برابر به وجود آمده است. این مسائل شرایط خارج و داخل حوزه ها، قبل، طی و پس از زمان برگزاری رای گیری را در بر می گیرد.

- خشونت، تهدید، خرید و فروش رای، و دیگر اشکال ارباب در داخل و اطراف حوزه های رای گیری ممنوع است،
- پروتکل های امنیتی متضمن سلامت انتخابات ارائه می شود، از جمله در مورد جلوگیری از پرکردن صندوق رای و بی نظمی و تقلب در رای گیری انتخاباتی،
- تمام رای دهندگان، از جمله زنان، اقلیت ها، افراد پیر و جوان، و افرادی که معلولیت یا ناتوانی جسمی دارند، همگی حق دسترسی برابر به حوزه های رای دارند،
- پرسنل انتخابات، کارت های رای، ماشین ها و دستگاه های رای گیری، و دیگر مواد و ابزار حساس انتخاباتی به شکل برابر بین حوزه های رای تقسیم می شود و از تبعیض در این زمینه بر پایه حمایت سیاسی از یک کاندیدای خاص توسط جمعیت یک منطقه یا حوزه انتخاباتی جلوگیری می شود.
- شناسایی رای دهندگان به شکل غیرتبعیض آمیز و بدون توجه به نژاد، رنگ، مذهب، زبان، اصالت ملی و دیگر مسائل و همچنین باور سیاسی یا دیگر عقاید، بررسی می شود تا از محرومیت رای دهندگان واجد شرایط جلوگیری و از رای های غیرقانونی جلوگیری شود،
- کیفیت مخفی بودن آرا تضمین می شود، و
- مکانیسم شفافیت امکان نظارت موثر توسط احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های حامی یا مخالف برگزار کننده همه پرسى و دیگر گروه های جمع آوری تومار، ناظران غیرحزبی داخلی، رسانه ها و ناظران انتخاباتی بین المللی را فراهم می آورد.

چارچوب حقوقی باید به بالاترین مقام انتخاباتی در حوزه اخذ رای اختیار دهد تا دستورات را پیش ببرد و در حفظ امنیت و رسیدگی و حل هرگونه مشکل درباره برگزاری انتخابات گام بردارد. این مشکلات می تواند از کمبود مقامات انتخاباتی کافی تا کمبود کارت های انتخاباتی، اشکال ماشین آلات ثبت آرا، کمبود جوهر برای انگشت زدن رای دهندگان و پیشگیری از رای دادن دوباره افراد و مسائل دیگر را دربرگیرد.

شمارش آرا، جمع بندی نتایج و اعلام نتایج:
 شمارش آرا، انتقال نتایج، جمع بندی نتایج و اعلام نتایج، همگی نیازمند قوانینی شفاف و مشخص در چارچوب حقوقی برای انتخابات دمکراتیک است. تصمیم و اراده صادقانه و دقیق مردم درباره فردی که انتخاب می شود، به این قوانین بستگی دارد. چارچوب حقوقی باید اطمینان دهد که:

- برگه های استاندارد رای، ماشین آلات الکترونیکی رای گیری و دیگر ابزار و مواد حساس پیش از آغاز رای گیری تهیه و تدارک دیده شده، تا بدین ترتیب شمارش آرا تحت تاثیر بی قانونی قرار نمی گیرد،
- آرا طوری گشوده شود که اعتبار یا بی اعتباری آن ها تایید شود،
- قوانین تایید اعتبار رای به اراده و تصمیم فرد رای دهنده احترام بگذارد،
- آرا طوری طبقه بندی شوند که تضمین شود به نفع حزب و کاندیدای صحیح و مورد نظر فرد رای دهنده، و یا در جهت درست موافقت یا مخالفت در یک رفراندوم یا جمع آوری تومار، شمارش شوند،
- شمارش آرا به نفع هر کدام از رقبای انتخاباتی شمارش شود و تایید این شمارش به آسانی امکان پذیر باشد،
- ته برگ کارت های رای به آسانی قابل تایید باشند، علنی باشند و در اختیار نمایندگان احزاب، کاندیداها و گروه های حامی و مخالف برگزار کننده همه پرسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، و همچنین ناظران انتخاباتی غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی قرار گیرند،
- مکانیسم شفافیت امکان نظارت موثر رقیبان انتخاباتی، ناظران غیرحزبی داخلی، رسانه ای خبری، و ناظران انتخاباتی بین المللی را می دهد تا در این زمینه ها نظارت داشته باشند: تایید انتقال آرا با استفاده از هر روشی، و همراهی و حضور در مرحله نقل و انتقال آرا، برگه های شمارش و دسته بندی اولیه، و دیگر مواد و اسناد حساس تا زمانی که به مرکز جمع بندی نتایج و/یا مراکز جمع بندی نهایی آرا منتقل شوند،
- پیشرفت مرحله جمع بندی نتایج و اعلام آن به نحوی که جمع بندی آرا به شکل غیرقانونی تحت تاثیر چیزی قرار نگیرد،
- جمع بندی و اعتبار دهی آنان به نفع کاندیداها طوری باشد که امکان بازبینی و تایید فراهم باشد،
- تصمیم گیری درباره اعتبار آرا، از جمله تصمیم گیری درباره آرای مخدوش، به سهولت قابل نظارت و تایید باشد،
- برگه های شمارش و ثبت اولیه در مراکز میانی و نهایی شمارش آرای نامعتبر و مخدوش و همچنین آرای معتبر جمع بندی شده برای نظارت و تایید فراهم باشد، علنی باشد و در اختیار نمایندگان احزاب ساینسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف برگزاری کننده همه پرسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، ناظران داخلی غیرحزبی، رسانه های خبری و ناظران انتخاباتی بین المللی قرار داده شود، و
- برگه های شمارش و ثبت اولیه در مراکز میانی و نهایی شمارش آرا، در اولین فرصت روی اینترنت و دیگر فضاهای عمومی قرار گیرد.

مفاد قانونی چارچوب همچنین باید ملاحظاتی را در نظر گیرند که مشخص کند نمایندگان رقیبان انتخاباتی چگونه نگرانی خود را از مسئله ای ابراز کنند و به دنبال حل مشکلات حین مراحل شمارش، جمع بندی و اعلام نتایج آرا باشند.

مکانیسم شکایت:

چارچوب حقوقی برای انتخابات دمکراتیک لازم است که برای هر یک از عوامل روند برگزاری انتخابات، مرحله ای را برای رسیدگی به شکایت تنظیم کند که سلسله مراتب، برابری در مقابل قانون، حمایت یکسان قانون، رسیدگی موثر به موارد نقض حقوق انتخاباتی و مجازات ناقضان را دربرگیرد. هر یک از عناصر برگزاری انتخابات، کیفیت های مخصوص به خود را دارد و ماهیت مراحل لازم الاجرا و شکل رسیدگی به آن تا حدودی میان مراحل مختلف برگزاری انتخابات، متفاوت است.

- تحدید حدود حوزه های انتخاباتی به قوانینی نیاز دارد که نسبت جمعیت به نمایندگان را در حوزه های مختلف انتخاباتی به شکل برابر تنظیم کند و/یا حدود مرزها را طوری تنظیم کند که موجب تضعیف اقلیت ها یا مناطقی که از یک عقیده سیاسی خاص حمایت می کنند، نشود.
- ثبت نام رای دهندگان به قوانینی احتیاج دارد که محرومیت از رای را تصحیح کند یا از رای دادن افراد نامشروع جلوگیری کند.
- احزاب، کاندیداها و شرایط رای شماری به قوانینی نیاز دارند که پیش نیازهای کسب رای را تضمین کند، و
- قوانین دیگر به مشکلات مختلف دیگر می پردازند، از جمله صدور حکم بازشماری و/یا برگزاری انتخابات جدید.

این چارچوب همچنین باید روند شفاف را برای به کارگیری مکانیزم رسیدگی به شکایات انتخاباتی در نظر بگیرد. این مکانیزم ها از جمله باید صدور استعلام، محدوده اثبات، قوانین شهادت، جدول زمانی برای رسیدگی به شکایات، قوانین موجود و اعتراض به شکایات را به شکل مشروح توضیح دهد. این چارچوب باید شکایات را به دایره مناسبی برای ثبت پتیشن در یک نهاد دولتی، دادگاه یا نهاد قضایی هدایت کند و هرگاه حقوق اساسی در میان است، امکان بازبینی قضایی را فراهم سازد.

چارچوب حقوقی همچنین باید مسئولیت جنایی برای حقوق مرتبط با انتخابات را مورد رسیدگی قرار دهد و تاثیر تجسس جنایی و دادگاهی را بر روند رسیدگی به شکایات دولتی یا پیشبرد قانون شهربندی بررسی کند.

بخش چهارم

فهرست ارزیابی چارچوب قانونی برای انتخابات دمکراتیک

فهرست کارهایی که باید انجام شود، برای کمک به بازبینی قوانین و متمم های پیشنهادی به قوانین انتخابات طراحی شده است و همچنین هدف بررسی چارچوب های گسترده تر حقوقی برای انتخابات دمکراتیک را دنبال می کند. این فهرست همچنین می تواند مورد استفاده کسانی باشد که از سوی قوه مقننه ماموریت یافته اند. اصول همگرایی، شفافیت و مسئولیت، و مفاهیم مرتبطی چون عدالت انتخاباتی و گسترش اعتماد عمومی نیز در فهرست گنجانده شده اند.

فهرست فوق ۱۶ سرفصل را پوشش می‌دهد و زیر هر سرفصل، اهدافی برای آن چارچوب حقوقی پیشنهاد شده است. هدف شماری از معیارها یا شاخص‌ها، کمک به تشخیص این است که آیا آن مورد خاص، اهداف مناسب برای ارتقای یک چارچوب حقوقی دمکراتیک را دارد یا نه. بعلاوه، زیر عناوین، بیش از ۲۲۸ سوال و زیر-سوال مطرح شده تا به تحلیل چارچوب حقوقی کمک شود و همخوانی میان هر مورد با اصول و روش‌های انتخابات دمکراتیک بررسی شود.

توجه شود که این فهرست یک سیستم امتیازی نیست. همه پرسش‌ها در مورد هر چارچوب حقوقی قابل کاربرد نیستند؛ نمی‌شود برای هر سوال یا زیر-سوال وزن خاصی معین کرد و نمی‌شود به منظور تعیین «درجه» مشخص برای یک چارچوب حقوقی، به آن امتیاز داد. تمامی چارچوب‌های قانونی در یک زمینه ملی عمل می‌کنند که شرایط فرهنگی و اجتماعی آن باید سنجیده شود و مکانیزمی دارد که نشانگر اراده سیاسی برای حرکت مصمم در مسیر دمکراتیک، یا در جهت دیگر اشکال مدیریت حکومت است، حتی اگر پیشرفت در عرصه انتخابات حاصل شود.

اما ارزیابی این که آیا چارچوب‌ها، حقوق مرتبط با انتخابات را تضمین می‌کنند و عملکرد دمکراتیک را توسعه می‌دهند امر مهمی است. این فهرست ملاحظاتی را مطرح می‌کند که به فهم ارائه تضمین‌ها و همچنین به شناسایی موارد مشکل‌آفرین در یک چارچوب انتخاباتی کمک می‌کند. مواردی که باید به آنان پرداخته شود و بهبود یابند.

سیستم انتخاباتی

هدف: اطمینان از این که مردم موقعیت مشارکت در دولت را دارند، چه به شکل مستقیم و چه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند.

معیارها یا شاخص‌ها- چارچوب حقوقی

- برای انتخابات ماهیت دوره‌ای و برای انتخاب‌شوندگان دوره تصدی تعیین می‌کند.
- پست‌های انتخابی و اختیارات و مسئولیت‌هایشان را تعیین می‌کند.
- ابزار برگزاری انتخابات رقابتی را تامین می‌کند، با محترم شمردن حق رای (مثلا حق انتخاب آزاد و آگاهانه از میان رقیبان محق) و حق انتخاب شدن؛
- تمامی موانع بر سر راه اجرای حقوق مرتبط با انتخابات را محدود می‌کند، غیر از استثنائاتی که برای حفاظت از حقوق لازمند، با نیازها متناسب هستند و برای اجرای کامل حقوق تعبیه شده اند، و
- تبعیض میان افراد بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، اصالت ملی یا اجتماعی، ثروت، تولد یا دیگر مشخصات، مشکلات جسمی یا معلولیت، عقاید سیاسی یا دیگر عقاید را ممنوع می‌کند.

پرسشهای قابل ملاحظه:

۱. آیا قانون احزاب سیاسی را به عنوان رقبای انتخاباتی به رسمیت می‌شناسد؟

الف. اگر بله، آیا لازمه به رسمیت شناخته شدن حقوقی با اصول بین المللی دخیل کردن طرف ها و عدالت مطابقت دارد؟

۲. آیا قانون به کاندیداهای مستقل که عضو حزب نیستند اجازه فعالیت می دهد؟
الف) اگر بله، آیا لازمه به رسمیت شناخته شدن حقوقی با اصول بین المللی دخیل کردن طرف ها و عدالت مطابقت دارد؟

۳. چه نوع نمایندگی مورد استفاده قرار می گیرد؟ (نظام اکثریتی/تکثری، نظام تناسبی یا مخلوط)
الف) قوه مقننه چند کرسی دارد؟
ب) چند کرسی از طریق قانون انتخابات پر می شود؟
ج) کرسی ها به شکل تناوبی تصاحب می شوند یا یک باره؟
د) قوه مقننه سیستم پارلمانی یک مجلسی دارد یا دو مجلسی؟
ه) اگر سیستم پارلمانی دو مجلسی است، آیا هر دو مجلس انتخابی هستند یا یکی از آنها انتصابی است؟
و) آیا ماده قانونی برای دور دوم سیستم پارلمانی وجود دارد؟
ز) اگر سیستم مخلوط (اکثریتی و تناسبی) مورد استفاده است، تحت هر کدام از این نظام ها چند کرسی تصاحب می شوند؟

۴. آیا قانون فوق نظامی صریح برای تعبیر شمار آرا به شمار کرسی های تصاحب شده در اختیار می گذارد؟
الف) چه نظامی مورد استفاده قرار می گیرد، از جمله برای تخصیص کرسی ها؟

۵. یک حزب برای تصاحب کرسی آیا باید حد نصابی از آرا را کسب کند؟
الف) این حد نصاب کدام است و چگونه با اصول و روش های بین المللی مطابقت می یابد؟

۶. آیا قانون برای اعتبار یک انتخابات، سطح حداقلی برای میزان مشارکت تعیین می کند؟
الف) اگر بله، این سطح کدام است و چگونه با اصول و روش های بین المللی مطابقت می یابد؟

۷. برای پرکردن پست های خالی معمولی، مواد قانونی مخصوصی وجود دارد؟
۸. آیا قانون انتخابات شامل ماده ای می شود که انتصاب شماری از اعضای پارلمان را به رئیس جمهوری محول کند؟
الف) اگر بله، چند عضو؟
ب) آیا در پارلمان حق رای گیری وجود دارد؟

۹. رئیس جمهوری مستقیماً انتخاب می شود یا غیر مستقیم؟
الف) اگر غیرمستقیم انتخاب می شود، پارلمان او را انتخاب می کند و یا این که توسط نهاد و طی پروسه دیگری این انتخاب صورت می گیرد؟
ب) اگر رئیس جمهوری غیرمستقیم انتخاب می شود، نظام انتخابات به چه شکلی مسائل برابری مشارکت را حل می کند؟
ج) انتخابات یک دوره است یا دو دوره؟ یا این که سیستم امتیازی است؟

۱۰. برنده انتخابات بر چه اساسی اعلام می شود؟ (برنامه منظم، فوق العاده یا ویژه، یا روش های دیگر؟)

۱۱. چه نهادی قدرت اعلام نتیجه انتخابات را دارد و تحت چه شرایطی؟

ساختار چارچوب حقوقی

اهداف: ارائه شفافیت، قابلیت پیش بینی و سازگاری با دیگر قوانین مرتبط با انتخابات و اطمینان از اجرای بی طرفانه مقررات حقوقی.

معیارها یا شاخص ها - چارچوب حقوقی

- عناصر کلیدی چارچوب حقوقی برای انتخابات را در یک جای آسان و تثبیت شده یا جاهای مذکور در منابع مختلف ارائه دهد.
- موارد حقوقی را به یک زبان شفاف و قابل فهم ارائه دهد.
- از درگیری با قانون بپرهیزد، و
- وظایف بین المللی و/یا تعهدات مرتبط با انتخابات دموکراتیک را در هم بیامیزد.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۲. کدام یک از موارد قانون اساسی با انتخابات تناسب دارد؟

الف. آیا چارچوب انتخاباتی (قانون، احکام و مقررات) با قانون اساسی سازگار است؟

۱۳. آیا قانون اساسی حقوق بشر و/یا تعهدات میثاق ها را با چارچوب حقوقی یا قانونی کشور درمی آمیزد؟

الف. تعهدات و/یا وظایف بین المللی کشور چه تاثیر حقوقی دارد، و این مسئله چه اثری بر چارچوب حقوقی انتخابات می گذارد؟ (مثلا، آیا دکترین «تاثیر مستقیم» معتبر است، یا آیا وظایف بین المللی باید جداگانه در قوانین داخلی تصویب شوند؟

ب. آیا مکانیسم های خاصی برای رای زنان وجود دارد؟

ج. آیا تضمینی وجود دارد که زنان برای تصاحب شمار خاصی از پست ها انتخاب خواهند شد؟ (مثلا از طریق سهمیه انتخاباتی یا حکم به انتخاب زنان و/یا از طریق شکل نوشته شدن نامشان بر برگه رای حزب؟)

د. آیا مواد قانونی برای اطمینان از حق رای و/یا حق رقابت برای اقلیت ها وجود دارد؟ (مثلا، اقلیت های نژادی، اصالت ملی، زبانی و مذهبی؟)

ه. آیا از نظر حقوقی جایی برای رای دهندگان بالقوه با شرایط خاص در نظر گرفته شده؟ (مثلا معلولان و افرادی که مشکلات جسمی دارند، پناهندگان یا آوارگان داخلی، جوانان، مجرمان؟)

ز. آیا رای دادن اجباری است یا غیراجباری؟

ح. آیا کسانی که در سیستم های رای اجباری، رای نمی دهند مجازات می شوند؟

ط. اگر رای دادن اجباری است، مجازات رای ندادن چیست، و آیا آن مجازات بر اساس معیارهای متناسب و روند قانونی است؟

۱۴. آیا برای تمامی انواع انتخابات (مثلا انتخابات ریاست جمهوری، مجلس، محلی، و غیره) تنها یک قانون وجود دارد؟

۱۵. آیا قانون اولیه انتخابات حاوی توضیحات اصطلاحات حقوقی در قانون است، کاملا با آنها مطابقت دارد و ابزاری برای حل تفاوت ها در آن قانون با قانون های دیگر مرتبط با انتخابات را ارائه می دهد؟
۱۶. آیا یک قانون انتخاباتی جامع وجود دارد که تمامی مسائل مرتبط با انتخابات را دربرگیرد، و چه قوانین مضاعفی چارچوب انتخابات را تشکیل می دهند؟ (مثلا، قوانینی که به مسائل پارلمانی و دیگر موسسات بپردازد و قوانین مرتبط با احزاب سیاسی، رسانه های ارتباط جمعی، سازمان های غیردولتی، قوانین جزایی و مدنی، قوانین استفاده از دفاتر دولتی و فعالیت های سیاسی کارمندان دولت، شفافیت مالی، قوانین پارلمانی روند قرارگرفتن برندگان، و غیره؟)
۱۷. آیا ارجاعات مشخصی میان قوانین مختلف درباره مسائل انتخاباتی وجود دارد، و آیا مکانیزمی هست که اختلافا میان قوانین قوه مجدیه و/یا روندهای حقوقی را شناسایی و حذف کند؟
۱۸. وقتی سوالاتی درباره تعبیر قوانین مرتبط با انتخابات مطرح می شود، کدام نهاد بالاترین قدرت را دارد؟ (مثلا، کمیسیون انتخابات، دیوان عالی یا دادگاه قانون اساسی، قوه مقننه، یا نهادهای دیگر؟)
۱۹. آیا قانون از اعلام مقررات انتخاباتی و/یا دیگر ابزار برای آمادگی مستقیم مدیریتی و مسائل دیگر حمایت می کند؟
- الف. اگر بله، کدام نهاد این قدرت را دارد؟
- ب. چه روندی لازم است تا چنین مقررات یا دستورالعمل های دیگر را وضع کند؟
- ج. چه نهادی مقررات را اجرا می کند و به موارد نقض آن ها رسیدگی می کند؟
۲۰. چه کسی موارد نقض قانون انتخابات را مورد تعقیب قرار می دهد؟

حوزه های انتخابی

اهداف: اطمینان از «برابری آرا» (برابری حق رای) از نظر تناسب میان رای دهندگان و نمایندگان و اطمینان از عدم تبعیض.

معیارها یا شاخص ها - چارچوب قانونی

- نسبت مجاز شهروندان به نماینده منتخب در اتاق های قانونگزاری را تعریف می کند.
- پارامترهایی را تعیین می کند که با اصول بین المللی برای انحراف های میان حوزه های انتخابی دربرده نسبت شهروندان به نماینده در اتاق های قانونگزاری، توافق داشته باشند.
- مبناهای پذیرفتنی را ارائه می دهد که بر اساس آن، و به یمن وجود بخش های مدیریتی، موانع جغرافیایی و دیگر عوامل، مرز میان حوزه های انتخابی تعیین شود. و
- مانع کشیدن خط و مرزهای انتخابی می شود که جمعیت و رای آنان را بر اساس نکاتی چون نژاد، رنگ، زبان، مذهب، اصالت ملی و اجتماعی، دیدگاه سیاسی و غیره مورد تبعیض قرار می دهند. (گاهی از این وضع به عنوان جریماندرینگ نام برده خواهد شد).

پرسش های قابل ملاحظه:

۲۱. آیا حوزه های انتخابی بر پایه اصولی ثابت بناشده اند (مثلا مطابقت با قانون اساسی)، یا این که حدود حوزه ها قابل تغییر است؟

- الف. اگر بله، این حدود کی تغییر می یابند؟ (مثلا، هنگام مداخلات دوره ای مقرر شده، بر اساس آمارگیری یا دیگر راه ها؟)
- ب. آیا امکان تحدید بخشی از مرزها وجود دارد؟
- ج. اگر بله، تحت چه شرایطی؟
۲۲. معیارهایی که براساس آن حوزه های انتخابی تعیین می شوند کدام است؟ (مثلا میزان جمعیت، شمار واجدان شرایط رای دادن، تأثیرات قید و بندهای جغرافیایی، موانع مدیریتی؟)
۲۳. در قوانین تحدید حوزه های انتخابی، مقررات ضد تبعیض وجود دارد، از جمله جلوگیری از جدایی جوامع به خاطر نژاد، زبان یا دیگر شاخصه ها؟
- الف. اگر بله، این مقررات چطور با اصول بین الملل همخوانی دارد؟
۲۴. چه نهادی اختیار تغییر مرزهای حوزه های انتخابی را دارد؟ (مثلا، قوه مقننه، دادگاه ها، کمیسیون مرزی، یا نهادی دیگر؟)
- الف. اعضای نهاد تعیین کننده مرز چطور تعیین می شوند؟
- ب. اختیارات و نقاط قوت آن چیست؟
۲۵. آیا قانون ملزم می دارد که نهاد تحدید مرز با احزاب سیاسی و گروه های مدنی مشورت کند و/یا از رای عمومی حمایت کند؟
- الف. اگر بله، چه روند و سطحی از مداخله مورد نیاز است؟
- ب. چه روند مشورتی بر پیشنهادات و پیشنویس های بازبینی مرزی حاکم است؟
- ج. آیا رسانه ها بر روند تحدید مرزها دسترسی دارند؟
۲۶. آیا قانون نسبت یک - رای دهنده - برای - هر - نماینده را برای حوزه های انتخابی تثبیت می کند؟
- الف. اگر بله، آن چیست و چطور با مقررات بین المللی مطابقت می کند؟
۲۷. آیا قانون اختلافات قابل قبولی را در نسبت های رای دهنده در ازای نماینده، میان حوزه ها تثبیت می کند؟
۲۸. آیا روندی وجود دارد که بتوان از آن طریق تعیین یا بازبینی حوزه انتخابی را به چالش کشید؟
- الف. اگر بله، روند چالش به چه شکل است؟
- ب. آیا راه حل های موثری ارائه می دهند؟

نهاد مدیریت انتخاباتی و مدیریت

اهداف: اطمینان از بی طرفی، تاثیرگذاری و شفافیت در مدیریت انتخابات.

معیارها یا شاخص ها - چارچوب حقوقی:

- مکانیزمی مشخص برای انتصاب افراد به نهاد مدیریت انتخابات تعیین می کند که رقبای انتخاباتی و عموم به بی طرف بودنشان ایمان داشته باشند و بدانند که ملزم به برگزاری انتخابات دمکراتیک هستند و یا رقبای سیاسی و عموم، به شکل بی طرفانه و شایسته انتخابات دمکراتیک برگزار کنند.
- مکانیزمی تعیین می کند برای انتصاب مقامات منتخب زیر نظر نهاد مدیریت انتخابات که رقبای انتخاباتی و افکار عمومی ایمان داشته باشند به شکل بی طرفانه و شایسته انتخابات دمکراتیک را برگزار کنند.
- خواستار شفافیت در برگزاری تمامی مراحل انتخابات به نفع عموم و رقبای انتخاباتی شود.

- مکانیزم مسئولیت پذیری برای انجام وظایف مقامات انتخاباتی را فراهم آورد، و
- مکانیزم ارتباط منظم و دائم میان رقبیان انتخاباتی را فراهم آورد.

پرسش های قابل ملاحظه:

۲۹. آیا نهاد مسئول مدیریت انتخابات بخشی از یک وزارتخانه، نهادی مستقل زیر نظر قوه مجریه، نهادی مستقل با مسئولیت قضایی، شعبه ای جدا شده از دولت زیر نظر قانون اساسی، و یا انواع دیگر دولت است؟
۳۰. نهاد مدیریت انتخابات تحت چه دستورالعمل یا مقرراتی فعالیت می کند؟
۳۱. نهاد مدیریت انتخابات دائمی است یا موقت؟
- الف. اگر موقتی است، چند وقت قبل از برگزاری انتخابات تشکیل می شود؟
- ب. آیا زمانی که برای فعالیت این نهاد در نظر گرفته شده برای انجام موثر وظایف آن نهاد کافی است؟
۳۲. ترکیب دقیق نهاد مدیریت انتخابات چیست؟
- الف. آیا ترکیب آن بی طرفی و شایستگی نهاد مدیریت انتخابات را تضمین می کند؟
- ب. آیا نهاد مدیریت انتخابات کارشناسان مستقل، نمایندگان احزاب سیاسی، مخلوطی از دو یا چند گروه از افراد را در برمی گیرد؟
- ج. آیا طبق قانون لازم است که شماری از اعضا یا مدیران نهاد مدیریت انتخابات قاضی یا وکیل باشند؟
- د. اگر حضور قضات در نهاد مدیریت انتخابات لازم است، چه کسی این قضات را در نهاد منصوب می کند؟
- ه. آیا مکانیزم موثری برای استقلال قوه قضائیه وجود دارد؟
۳۳. اعضای نهاد مدیریت انتخابات طی چه روندی انتخاب می شوند؟
- الف. از سوی احزاب سیاسی و به عنوان نمایندگان حزب منصوب می شوند؟
- ب. از سوی احزاب سیاسی و به عنوان چهره های مستقل منصوب می شوند؟
- ج. بر اساس صلاحیت قوه مجریه انتخاب می شوند؟
- د. از سوی قوه مجریه نامزد می شوند و به تایید قوه قضائیه می رسند؟
- ه. به واسطه اکثریت مطلق یا نسبی انتخاب می شوند؟
- و. توسط احزاب سیاسی نامزد می شوند و بعد توسط قوه مجریه منصوب می شوند؟
- ز. آیا هیچ یک از اعضا توسط سازمان های جامعه مدنی منصوب یا نامزد می شوند؟
- ح. اگر بله، آیا آن سازمان ها وابستگی و گرایش حزبی ندارند؟
۳۴. رئیس نهاد مدیریت انتخابات چگونه انتخاب می شود؟
۳۵. حوزه اختیارات رئیس نهاد تا چه حدی است؟
۳۶. آیا تمام یا بخشی از جلسات نهاد به روی عموم باز است؟
۳۷. آیا احزاب سیاسی به فعالیت و اعضای نهاد مدیریت انتخابات دسترسی دارند؟
- الف. این دسترسی چگونه است؟ (مثلا نمایندگان از نهاد مدیریت انتخابات یا توسط نمایندگان احزاب یا مامورانی از نهاد مدیریت انتخابات؟)
۳۸. آیا ناظران داخلی و غیرحزبی به کار نهاد مدیریت انتخابات دسترسی دارند؟
- الف. اگر بله، چه نوع دسترسی؟
۳۹. آیا رسانه های خبری به کار نهاد مدیریت انتخابات دسترسی دارند؟

- الف. اگر بله، چه نوع دسترسی؟
۴۰. ساختار منطقه ای و محلی نهادهای مدیریت انتخاباتی چیست؟
- الف. چطور تثبیت شده اند؟
- ب. چه میزان اختیاراتی به نهادهای منطقه ای مدیریت انتخابات محول شده است؟
۴۱. آیا نهاد مدیریت انتخابات و زیرمجموعه هایش قدرت حمایت خواستن از دیگر بخش های دولت را دارند؟ (مثلا کارمندان، معلمان، پرسنل امنیتی، ارتش؟)
- الف. اگر بله، آیا از بی طرفی آنان اطمینانی وجود دارد؟
۴۲. آیا مکانیزمی برای اطمینان از مسئولیت پذیری مقامات انتخاباتی در انجام وظایفشان وجود دارد؟ (مثلا، دایره عمومی بازرسی، دایره رسیدگی به شکایات، رسیدگی به شکایات شهروندان درباره نارسایی هایی مقامات در انجام وظیفه، دایره داخلی نظارت بر نظم کارمندان؟)
- الف. آیا این مکانیزم ها به موقع به مسائل و شکایات رسیدگی می کنند؟
- ب. آیا حداقلی از روند مورد نیاز رسیدگی را برآورده می سازد؟
- ج. آیا لازم است که درباره روندهای رسیدگی و عملکرد مکانیزم ها گزارش های عمومی و آمار صادر شود؟
۴۳. آیا تدابیر امنیتی رای گیری، شامل طراحی برگه رای، بررسی، چاپ، توزیع و جمع آوری نیز می شود؟
۴۴. آیا جداول زمانی در قانون و مقررات درباره هر مورد از مراحل انتخابات، با توجه به شرایط ملی و نیاز به اعتمادسازی عمومی و حفظ آن، واقعگرایانه است؟
- الف. آیا جداول زمانی برای هرکدام از مراحل روند انتخابات با بقیه مطابقت دارد؟
- ب. آیا زمان در نظر گرفته شده برای شمارش آرا، دسته بندی و اعلام برندگان، دقت و سرعت عمل را برآورده می سازد؟
- ج. آیا زمان در نظر گرفته شده برای رسیدگی به شکایات انتخاباتی امکان رسیدگی به موقع به نتیجه رای گیری را می دهد؟
۴۵. آیا اعضای نهاد مدیریت انتخابات از تعقیب مصونیت دارند؟
- الف. اگر بله، چه نوع و برای چه مدت زمانی؟
۴۶. آیا اقدامات نهاد مدیریت انتخابات در معرض چالش و یا بازرسی حقوقی است؟
۴۷. آیا اعضای نهاد مدیریت انتخابات می توانند خلع شوند؟
- الف. اگر بله، به چه دلایلی و توسط چه نهادی؟
۴۸. آیا نهاد مدیریت انتخابات بودجه دارد؟
- الف. کدام نهاد دولتی بودجه را تامین می کند (پارلمان، یک وزارتخانه یا نهادی دیگر؟)
- ب. اگر بله، نهاد مدیریت انتخابات تا چه میزان در مصرف آن آزادی عمل دارد؟
- ج. آیا برای انتخابات بودجه خاصی مقرر می شود؟
- د. نهاد مدیریت انتخابات گزارش مالی را به کجا و چگونه می دهد؟
۴۹. میزان قدرت و اختیارات نهاد مدیریت انتخابات چیست؟ (مثلا، تنها مسئول امور مدیریتی است، کنترل مسائل رسانه ای، و یا تعقیب تخلفات؟)
۵۰. آیا نهاد مدیریت انتخابات و زیرمجموعه هایش ملزم به شفافیت سازی فعالیت خود هستند؟
- الف. آیا نهاد مدیریت انتخابات و زیرمجموعه هایش ملزم به برگزاری جلسات عمومی آزاد است؟
- ب. اگر بله، آیا تمام جلسات عمومی اند یا فقط جلسات خاصی به روی عموم باز است (و چه جور جلساتی؟)

- ج. آیا سوابق مدیریت های انتخابات به عنوان اسناد عمومی وجود دارد که بشود با طی مراحل عادی در نهاد مدیریت انتخابات یا دیگر نهادها قابل دسترس باشد؟
- د. آیا آرای شمارش شده در حوزه های رای گیری و مراکز دسته بندی، فوراً و در چارچوب روند دسته بندی آراء، در دسترس عموم قرار می گیرد؟
- ه. آراء، ماشین آلات اخذ رای، و دیگر ابزار آلات حساس قبل، در حین، و پس از انتخابات در معرض بازدید عموم قرار می گیرد؟
- و. آیا تمهیدات شفاف سازی دیگری برای تایید سلامت تکنولوژی الکترونیکی انتخابات فراهم می شود؟

نظارت

هدف: ارائه شفافیت برای رقبیان انتخاباتی و جمعیت عمومی برای تثبیت اعتماد تضمین شده عمومی در روند انتخابات.

معیارها یا شاخص ها- چارچوب قانونی:

- حق شهروندان برای دنبال، احراز و بیان اطلاعات درباره تمامی عناصر روند انتخابات را به رسمیت می شناسد.
- نمایندگان احزاب، کاندیداها، و گروه های حامی و مخالف رای گیری، و دیگر امور مربوط به رای، حق حضور، نظارت، ابراز نگرانی و جبران خسارت در تمامی مراحل انتخابات دارند.
- سازمان های جامعه مدنی مربوط به سلامت انتخابات حق دارند که در تمامی مراحل انتخابات حضور داشته باشند و نظارت کنند.
- رسانه های خبری حق دارند که در تمامی مراحل انتخابات حاضر باشند و نظارت کنند.
- تمامی ناظران انتخابات بین المللی می توانند در تمامی مراحل انتخابات حاضر باشند و نظارت کنند.
- تمامی نمایندگان احزاب سیاسی، نامزدهای احزاب، گروه های موافق و مخالف رای گیری، ناظران غیرحزبی داخلی از سازمان های جامعه مدنی، رسانه ها و ناظران بین المللی باید برای دسترسی به مکان های مربوط به برگزاری انتخابات مجوز داشته باشند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۵۱. آیا تمام نمایندگان احزاب، کاندیداها، و گروه های مربوط به رای گیری مجوز ورود و دسترسی به تمامی نقاط روند برگزاری انتخابات را می یابند؟ از جمله:
- الف. چاپ و توزیع برگه های رای و دیگر مواد حساس انتخاباتی،
- ب. روند انتخاب حوزه های اخذ رای،
- ج. کلاس های آموزشی برای مسئولان انتخاباتی،
- د. مراحل ثبت نام رای دهندگان و تایید ثبت نام ها،
- ه. مرحله مرور شرایط رای گیری،
- و. عملکرد حوزه اخذ رای، از جمله رای گیری و شمارش آراء،

- ز. دسته بندی نتایج در حوزه های اخذ رای از طریق ستاد و دیگر مراکز شمارش تا روشن شدن نتایج نهایی،
- ح. شکایات انتخاباتی و مراحل دادرسی، و
- ط. تجهیزات تکنولوژی اکترونیکی انتخاباتی در سیاست گذاری، تصمیم گیری طراحی، آزمایش و خرید و همچنین آموزش استفاده از آنها.
۵۲. آیا ناظران غیرحزبی داخلی توسط قانون، مقررات و/یا دیگر طرف ها به رسمیت شناخته می شوند؟
- الف. اگر بله، به آنان مجوز دسترسی به تمامی مراحل روند انتخابات از جمله جاهایی که در سوال قبلی فهرست شدند داده می شود؟
- ب. چه چیزی در مرحله صدور مجوز دخیل است؟
- ج. آیا صدور مجوز باید به شکل موثر و به موقع انجام شود؟
- د. آیا به سازمان هایی مجوز داده می شود که بعد با اختیار خودشان به افراد مجوز بدهند؟
- ه. آیا قانون جداگانه ای بر ثبت نام حقوقی سازمان های غیردولتی وجود دارد؟
- و. اگر بله، آیا آن قانون حاوی هیچگونه محدودیت های غیرمنطقی است که در کار نظارت انتخاباتی داخلی اختلال ایجاد کند؟ (مثلا محدودیت هایی بر دریافت بودجه یا کمک از سوی سازمان های بین المللی؟)
۵۳. آیا رسانه های خبری در قانون انتخابات و/یا مقررات به رسمیت شناخته می شوند؟
- الف. اگر بله، آیا به رسانه ها مجوز ورود به تمامی مراحل انتخابات را دارند؟
۵۴. روند صدور مجوز برای رسانه های خبری چیست؟
۵۵. آیا به ناظران بین المللی مجوز ورود به روند انتخابات داده می شود؟
- الف. اگر بله، روند صدور مجوز چیست؟
- ب. ظرفیت این مجوز چقدر است؟
۵۶. آیا هیچ مانعی بر سر راه نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های همه پرسی رای و رای گیری، سازمان های داخلی نظارتی، رسانه های خبری و/یا ناظران بین المللی قرار می گیرد؟
- الف. اگر بله، این موانع چیستند و آیا با مفاد قانون اساسی و اصول بین المللی تطابق دارند؟
۵۷. آیا قانون به شهروندان امکان بازرسی دقت در روند ثبت نام رای دهندگان را می دهد؟
- الف. اگر بله، آیا نمایندگان احزاب و نامزدها، ناظران انتخاباتی جامعه مدنی، ناظران بین المللی و رسانه های اجازه دارند تا شاهد روند ثبت نام باشند و/یا آن را بازرسی کنند؟
۵۸. آیا طبق قانون لازم است که یک نسخه از گزارش شمارش آرا علنا برای مدت چند روز پس از رای گیری منتشر شود؟
۵۹. آیا طبق قانون لازم است که یک نسخه از گزارش شمارش آرا به نمایندگان احزاب سیاسی، نامزدها و گروه ها در حوزه های رای، منطقه یا دیگر مراکز میانی یا نهایی دسته بندی آرا داده شود؟
- الف. آیا نسخه هایی در اختیار ناظران انتخاباتی غیرحزبی داخلی، نمایندگان رسانه ها و ناظران بین المللی نیز قرار می گیرد؟
۶۰. آیا قانون و مقررات به رقبیان انتخاباتی و/یا سازمان های جامعه مدنی اجازه می دهد تا ثبت نام از رای دهندگان را بازرسی کنند؟
۶۱. آیا قانون و مقررات اجازه می دهد که دسته بندی موازی آرا (یا شمارش سریع) و/یا برگزاری رای گیری سریع انجام شود؟ (رای گیری سریع به این صورت است که رای دهندگان بلافاصله پس از رای دادن رسمی، عین همان رای را به یک صندوق دیگر هم می اندازند. این روش برای گمانه زنی درباره زود هنگام و پیش از اعلام رسمی نتایج صورت می گیرد.)

الف. برای چنین اقداماتی، چه شرایط یا موانعی در نظر گرفته می شود و چگونه با الزامات قانونی و اصول بین المللی مطابقت می کنند؟

ثبت نام رای دهندگان و فهرست رای دهندگان

اهداف: اطمینان از این که شهروندان واجد شرایط امکان بهره گرفتن از حق رای خود را دارند، جلوگیری از رای دادن کسانی که واجد شرایط مشارکت نیستند، و جلوگیری از رای دادن چندباره.

معیارها یا شاخص ها - چارجوب حقوقی:

- معیارهای مشخصی را مطابق مقررات بین المللی، برای داشتن شرایط رای دادن تعیین می کند.
- روشی را برای ثبت هویت و مشروعیت رای دادن تعبیه می کند که کاربری اش برای برگزارکنندگان و کسانی که کارشان مبارزه با تقلب است، آسان باشد.
- روش ثبت نامی را ارائه می دهد که دقیق باشد و همه رای دهندگان را دربرگیرد، از جمله رای دادن سالمندان را در اولویت قرار دهد.
- روشی ساده را برای شهروندان تعبیه می کند تا به آسانی ثبت نام خود را چک و تصحیح کنند.
- به نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های همه پرسی، و سازمان های جامعه مدنی اجازه می دهد تا بر روند ثبت نام رای دهندگان نظارت کنند و دقت ثبت نام و فهرست ها را تایید کنند، و
- فهرست های رای دهندگان را تشکیل می دهد که روند رای دهی را تسهیل می کند، از ضایع شدن حق رای دهی جلوگیری می کند و از راهی دادن غیرقانونی جلوگیری می کند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۶۲. شرایط واجد شرایط بودن رای دادن در قانون اساسی، قانون و مقررات چیست؟
- الف. آیا این شرایط از نظر موانع سنی، ملیت و سکونت با قوانین بین المللی مطابقت دارد؟
- ب. آیا وضعیت روانی افراد در شرایط در نظر گرفته شده؟
- ج. اگر بله، آیا با قوانین بین المللی برای مقابله با محدودیت های بیش از حد بر حق رای مطابقت دارد؟
- د. آیا معیارهای رای دهی، به حق رای کسانی که در خدمت ارتش هستند می پردازد؟
- ه. آیا معیارهای رای دهی، به حق رای مجرمان جنایی می پردازد؟
- و. اگر بله، آیا شرایط در نظر گرفته شده از لحاظ تناسب محدودیت حقوق مدنی با احیای آن ها با قوانین بین المللی مطابقت دارد؟
- ز. آیا در مورد شهروندانی که در زمان برگزاری انتخابات خارج از کشور هستند، پناهندگان و آوارگان داخلی تدبیری اندیشیده شده؟
- ح. اگر بله، آیا این تدابیر با اصول بین المللی درباره حق رای مطابقت دارد؟
۶۳. چه نوع روشی برای خلق روند ثبت نام رای دهندگان استفاده می شود؟
- الف. آیا ثبت نام شهروند محور است (مردم به مراکز ثبت نام مراجعه می کنند)؟
- ب. آیا دولت محور است (یک روش حضور و غیاب صورت می گیرد)؟
- ج. آیا ساخته دست دولت است (فهرست ثبت احوال برای تشکیل فهرست ثبت نام استفاده می شود)؟
- د. روشی مخلوط است؟ اگر بله، روش هایی که با هم مخلوط شده اند چیستند؟

۶۴. آیا ثبت نام رای دهندگان یک روش ادامه دار است یا مقطعی است؟
- الف. اگر مقطعی است، چند وقت قبل از انتخابات، ثبت نام آغاز و تمام می شود؟
۶۵. آیا تدابیر حقوقی جدول زمانی برای تشکیل فهرست ثبت نام رای دهندگان در اختیار می گذارد؟
- الف. روند ثبت نام چقدر طول می کشد؟
- ب. از چه وقت به بعد افزودن نام جدید به فهرست امکان پذیر نیست؟
- ج. فهرست اولیه کی در دستری عموم قرار می گیرد؟
- د. زمان بررسی و تصحیح نام و اطلاعات برای شهروندان چقدر است؟
- ه. فهرست تصحیح شده کی برای عموم قابل دسترس می شود، و آیا شهروندان و/یا احزاب، نامزدها و ناظران انتخاباتی می توانند قبل از تشکیل نسخه نهایی رای دهندگان آن را مرور کنند؟
- و. فهرست نهایی رای دهندگان کی به حوزه های رای فرستاده می شوند و آیا این کار باید در زمان مشخصی انجام شود؟
- ز. آیا امکان این وجود دارد که رای دهندگان در روز رای گیری با مشکل مواجه شوند و آیا این گرفتاری می تواند به موقع حل شود تا شهروندان بتوانند در زمان مقتضی رای دهند؟
۶۶. آقا قانون و مقررات درباره زمان، مکان، و نکات مربوط به روند ثبت نام رای دهندگان به آنان اطلاع رسانی می کنند؟
۶۷. هویت اشخاص در زمان ثبت نام چگونه راستی آزمایی می شود؟
- الف. چه مدارکی لازم است؟ (مثلا شناسنامه، پاسپورت یا دیگر مدارک صادر شده توسط دولت، شاهی که به قانون سوگند یاد کند؟)
- ب. آیا گرفتن شناسنامه یا دیگر مدارک رسمی به راحتی امکانپذیر است یا این که مانعی بر سر راه ثبت نام رای دهندگان به شمار می رود؟
۶۸. آیا قانون و مقررات می گوید که ثبت نام رای دهندگان طوری صورت گیرد که برای تمامی شهروندان امکانپذیر باشد؟
- الف. آیا افراد باید در مکان ثبت نام حضور فیزیکی بیابند؟
- ب. آیا مکان ثبت نام باید در جایی باشد که به راحتی قابل دسترس شهروندان است؟
- ج. آیا ساعت ثبت نام باید با افرادی که شرایط گوناگون دارند، مثلا زنان و سالمندان مساعد باشد؟
۶۹. آیا کارت های هویت برای رای دهندگان صادر می شود؟
- الف. اگر بله، آیا این کارت ها در هنگام ثبت نام صادر می شود یا وقتی دیگر؟
- ب. آیا روند ارائه کارت های ثبت نام به رای دهندگان امن و مناسب است؟
۷۰. فهرست ها کجا منتشر می شوند؟ (مثلا وبسایت های اینترنتی، روزنامه ها، مدارس یا دیگر مراکز محلی، اداره منطقه ای یا شهرداری و/یا مکان های دیگر؟)
۷۱. پس از انتشار فهرست نهایی، آیا امکانی برای ثبت نام ضمیمه وجود دارد؟
۷۲. آیا افرادی که کمی قبل یا در همان روز رای گیری به سن رای می رسند می توانند رای بدهند؟
۷۳. آیا طبق قانون می توان در روز رای گیری در حوزه رای ثبت نام کرد و یا فردی را در روز رای گیری به فهرست ضمیمه افزود؟
- الف. اگر بله، آن افراد چطور واجد بودن شرایط خود را اثبات می کنند؟
- ب. چه تدابیر محافظتی اندیشیده شده تا این افراد نتوانند در چند حوزه رای دهند؟
۷۴. آیا قانون به شهروندانی که در زمان رای گیری در کشور نیستند اجازه رای دادن می دهد؟
- الف. اگر بله، روند آن چیست؟ (رای دادن در سفارتخانه، رای غایب یا راه های دیگر؟)
- ب. جدول زمانی که باید در فهرست تطبیقی رای دهندگان وارد شود کدام است؟
- ج. رای آنان در کدام منطقه ثبت شده است؟

۷۵. اگر پناهندگان و آوارگان داخلی اجازه رای دارند، آیا تدابیر کافی برای جلوگیری از رای دادن غیرقانونی اندیشیده شده است؟
۷۶. آیا به رای دهندگان این فرصت داده می شود تا ثبت نام خود را مرور کنند و اشتباهات احتمالی را تصحیح کنند؟
- الف. آیا روند ثبت نام به روشنی توضیح داده شده است؟
- ب. وسعت اطلاع رسانی درباره روند ثبت نام تا چه حد است؟ به چه شکلی است و توسط چه نهادی انجام می شود؟
- ج. مهلت تصحیح اطلاعات ثبت نامی که به رای دهندگان داده می شود چقدر است؟
- د. آیا رای دهندگان یا افراد دیگری که حق مخالفت با ثبت نام را دارند، اشتباه می گویند؟
۷۷. آیا احزاب سیاسی، کاندیداها و گروه های همه پرسی حق نظارت بر روند ثبت نام رای دهندگان را دارند؟
- الف. اگر بله، آیا تدارکات کافی برای اطمینان از پیشرفت صحیح کار وجود دارد؟
۷۸. احزاب سیاسی، کاندیداها و گروه های همه پرسی یک نسخه از برگه ثبت نام شدگان را دریافت می کنند؟
- الف. اگر بله، در چه مرحله ای از ثبت نام و چند وقت قبل از انتخابات این نسخه در اختیار آنان قرار می گیرد؟
۷۹. آیا ناظران غیرحزبی داخلی و/یا رسانه های خبری حق نظارت بر ثبت نام رای دهندگان را دارند؟
- الف. اگر بله، آیا این امکان برای حصول اطمینان از برگزاری صحیح انتخابات کافی است؟
۸۰. آیا ناظران غیرحزبی داخلی نسخه ای از برگه ثبت نامی را برای اهداف نظارتی و/یا استفاده در اقدامات تبلیغی برای تشویق به مشارکت بیشتر دریافت می کنند؟
- الف. اگر بله، چه زمانی؟
۸۱. آیا رقبیان انتخاباتی و/یا ناظران غیرحزبی داخلی نسخه ای از برگه ثبت نامی را برای بازرسی دریافت می کنند؟
۸۲. آیا نهاد مدیریت انتخابات یک منبع مستقل را مسئول می کند تا بر ثبت نام ها بازرسی کند و آیا نتایج کار علنی است؟
۸۳. آیا ثبت نام ها به شکل الکترونیکی فهرست می شود؟
- الف. اگر بله، آیا قانون تمهیداتی را درباره شفافیت روند تصمیم گیری در استفاده از آن تکنولوژی، طراحی، تهیه، آزمایش و بهره برداری از فناوری الکترونیکی در ثبت نام، جمع آوری نام ها و تهیه فهرست، ارائه می دهد؟
- ب. آیا مقررات حفاظت از اطلاعات افراد و دیگر تمهیدات برای اطمینان از این که فهرست های اسامی به فناوری های رای گیری وصل نیست و کلاً مخفیانه بودن آرا حفظ می شود، در نظر گرفته شده است؟

آموزش به رای دهندگان

اهداف: حصول اطمینان از این که حوزه انتخابیه درباره نام نویسی افراد، گزینه ها، و نحوه رای گیری مطلع شده است تا فرصتی مناسب را برای تمرین حق رای و انتخابی آگاهانه از میان رقبیان انتخاباتی در اختیار شهروندان قرار دهد.

معیارها یا شاخص ها- چارچوب حقوقی:

- مسئولیت آموزش به رای دهندگان را بر عهده نهاد مدیریت انتخابات می گذارد،

- به رقیبان انتخاباتی و سازمان های جامعه مدنی اجازه می دهد که بدون محدودیت رای دهندگان را مطلع سازند و آموزش دهند،
- ارتش را ملزم می کند تا بگذارد آموزش رای دهی به پرسنل ارتش برسد، و مقرراتی را درباره نقش رسانه های خبری در آموزش رای دهندگان معین می کند،

پرسش های قابل ملاحظه:

۸۴. آیا قانون مشخص می کند که چه کسی مسئول آموزش به رای دهندگان و چه کسی اجراکننده آن است؟
- الف. اگر بله، مسئولیت نهاد مدیریت انتخابات چیست؟
- ب. مسئولیت دیگر سازمان های دولتی چیست؟
- ج. آیا قانونی مبنی بر لزوم اجرای آموزش به رای دهندگان توسط رسانه های خبری وجود دارد؟
- د. آیا مقرراتی هست که به نقش سازمان های جامعه مدنی در اجرای آموزش رای دهی بپردازد؟
- ه. اگر بله، آیا هیچ یک از آن ها مقررات غیرمنطقی دارد؟
۸۵. آیا قانون و مقررات مباحثی درباره آموزش رای دهندگان درباره روند ثبت نام افراد دارند؟
- الف. درباره معیارهای واجد شرایط بودن رای دهندگان؟
- ب. درباره چگونگی تثبیت هویت، واجد شرایط بودن، و درباره نحوه احراز برگه هویت لازم؟
- ج. درباره تاریخ، زمان و محل ثبت نام برای رای دادن، اگر یک فرد لازم است که در یک مرکز ثبت نام حاضر شود؟
- د. اگر دولت بر اساس آمارگیری و نظرسنجی نام نویسی می کند، درباره تاریخ، زمان، نوع اطلاعات و روندی که بر اساس آن آمارگیران درباره مکان های رای گیری نظرسنجی می کنند؟
- ه. درباره روندی که بر اساس آن دولت داده های رای دهندگان را از فهرست جمعیت مدنی به فهرست رای دهندگان منتقل می کند؟
- و. درباره این که آیا روند نام نویسی ضمیمه و/یا این که آیا می شود واجدان شرایط در روز رای گیری ثبت نام کنند؟
۸۶. آیا قانون و مقررات برای آموزش به افراد درباره چک کردن و تصحیح اطلاعاتشان در مراکز نام نویسی، تدابیری اندیشیده اند؟
- الف. درباره تاریخ، زمان و مکان چک کردن و تصحیح؟
- ب. درباره مراحل تصحیح (گاهی به آن مرحله شکایت و اعتراض گفته می شود)؟ (مثلاً، تصحیح اطلاعات شخصی فرد، اعتراض به ثبت نام هایی که فرد می داند فوت کرده اند، زیر سن قانونی هستند و یا واجد شرایط رای دادن نیستند، و یا این که آیا احزاب سیاسی، نامزدها، گروه های همه پرسی و/یا دیگر سازمان ها دست به یک تصحیح می زنند یا نه؟)
- ج. درباره مرور و بازبینی ثبت نام اصلاح شده یا فهرست ها؟
۸۷. آیا قانون و مقررات به مسئله آگاهی رسانی به رای دهندگان درباره احزاب سیاسی، نامزدها، همه پرسی ها و جایگاه گروه های موافق و مخالف آنان می پردازد؟
- الف. آیا نهاد مدیریت انتخابات مسئولیت تولید و توزیع راهنمای رای دادن درباره مسائل فوق را برعهده دارد؟
- ب. آیا مقرراتی وجود دارد مبنی بر این که رسانه ها مسئول اطلاع رسانی درباره مسائل فوق باشند؟ (مثلاً، وظیفه رسانه های تحت کنترل دولت و رسانه های با بودجه عمومی، و یا رسانه های خصوصی؟)

- ج. آیا مقرراتی وجود دارد که ملزم کند ارتش اجازه دهد رقبیان انتخاباتی به پرسنل نظامی درباره رای دادن آموزش دهند؟
۸۸. آیا قانون و مقررات ملزم می کند که آموزش رای دادن در زمان و مکان و روش خاصی ارائه شود و مخفیانه بودن آرا تضمین شود؟
- الف. اگر بله، مسئولیت نهاد مدیریت انتخابات در این زمینه چیست؟
- ب. آیا ارتش و دیگر سازمان های دولتی ملزم به دادن این اطلاعات به پرسنل خود هستند؟
- ج. آیا رسانه های خبری ملزم هستند که این اطلاعات را به اطلاع عموم برسانند؟ (مثلا، رسانه های تحت کنترل دولت، یا رسانه های با بودجه عمومی و همچنین رسانه های خصوصی؟)

شناسایی حقوقی و موقعیت احزاب سیاسی

اهداف: اطمینان از آزادی مجامع سیاسی و تکثرگرایی سیاسی.

معیارها یا شاخص ها - چارچوب حقوقی:

- قوانینی تعیین می کند که با اصول بین الملل برای به رسمیت شناختن حقوقی احزاب و دیگر سازمان های سیاسی مطابقت دارد.
- علیه موانع ناروا و/یا اعمال مقررات حقوقی مستبدانه، روند حفاظتی اجباری تعیین می کند.
- قوانین صریحی را برای شفافیت مالی و هزینه ها تعیین می کند، و
- در به رسمیت شناخته شدن حزب و موقعیت حقوقی، شفافیت ایجاد می کند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۸۹. آیا قانون اساسی مفادی دارد که به تشکیل احزاب سیاسی، شناسایی حقوقی و/یا عملکرد مربوط باشد؟
- الف. اگر بله، این مفاد کدامند؟
۹۰. آیا قانون جداگانه ای برای احزاب سیاسی و دیگر سازمان های سیاسی وجود دارد؟ (مثلا، گروه های حمایتی نامزدها و گروه هایی که حامی یا مخالف همه پرسسی یا دیگر رای گیری ها هستند؟)
- الف. اگر بله، آیا با مفاد قانون اساسی مطابقت دارد؟
- ب. آیا حاوی مفادی است که بر نقش احزاب در زمینه انتخابات تاثیر بگذارد؟
- ج. اگر بله، چگونه، و آیا این مفاد با اصول بین المللی مطابقت دارند؟
۹۱. قانون و مقررات انتخابات چه مفادی دارد که به احزاب و دیگر سازمان های سیاسی ارتباط داشته باشد؟
- الف. آیا با مفاد قانون اساسی هم راستا هستند؟
- ب. آیا با قانون احزاب سیاسی هم راستا هستند؟
- ج. اگر نه، کدام قانون برتر است؟
- د. آیا با اصول بین المللی هم راستا هستند؟
۹۲. کدام نهاد دولتی تقاضا برای به رسمیت شناخته شدن مراکز مختلف را دریافت می کند و چه نهادی تصمیم نهایی در این زمینه را می گیرد؟

۹۳. احزاب یا دیگر سازمان های سیاسی برای آن که از نظر حقوقی به رسمیت شناخته شوند باید چه شرایط داشته باشند؟
- الف. تقاضای رسمی باید همراه با چه اسنادی باشد؟
- ب. قبل از تصمیم گیری نهایی درباره تقاضانامه ها، زمان خاصی برای بررسی آنها صرف می شود؟
- ج. طبق قانون بنا به چه مواردی ممکن است یک تقاضانامه رد شود؟
- د. اگر تقاضانامه ای رد شود، دلایل این تصمیم گیری باید به شکل کتبی در اختیار حزب یا دیگر سازمان متقاضی قرار گیرد؟
- ه. آیا احزاب و سازمان سیاسی مردودی، امکان تصحیح تقاضانامه خود را دارند؟
- و. آیا می توانند به رد شدن تقاضایشان اعتراض کنند؟
- ز. اگر بله، مراحل و زمان این اعتراض به چه صورت است؟
۹۴. آیا ممکن است وضعیت حقوقی یک حزب یا سازمان سیاسی تعلیق و یا باطل شود؟
- الف. اگر بله، تحت چه شرایطی؟
- ب. تصمیم گیری آن با کیست؟
- ج. چه مراحل لازم دارد؟
- د. آیا می شود به آن اعتراض کرد؟
- ه. تعلیق یک سازمان تا چه زمانی ممکن است طول بکشد؟
- و. برای بازگشت کامل به وضعیت حقوقی سابق چه مراحل باید طی شود؟
۹۵. آیا فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی محدودیتی دارد؟
- الف. اگر بله، این محدودیت ها کدامند؟
- ب. آیا مطابق مقررات قانون اساسی هستند؟
- ج. آیا با اصول بین المللی برای آزادی بیان مطابقت دارند؟
۹۶. آیا قوانین مفادی درباره روش های انتخاب نامزدهای احزاب سیاسی دارند؟
- الف. آیا انتخابات اولیه لازم به برگزاری است؟
- ب. آیا مفادی درباره انتخاب نامزدها از طریق مجمع حزبی، یا روش های دیگر وجود دارد؟
- ج. آیا الزاماتی درباره نامزدهای زن یا اقلیت وجود دارد؟ (مثلا، سهمیه، تخصیص مکان های خاص در فهرست حزب در سیستم های نمایندگی متناسب، رای گیری جداگانه برای زنان و/یا کاندیداهای اقلیت؟)
۹۷. آیا احزاب و دیگر سازمان های سیاسی بودجه دولتی یا دیگر حمایت های مستقیم دولتی دریافت می کنند؟ (مثلا، دفتر، خدمات ارتباطی، حمل و نقل، غیره؟)
- الف. اگر بله، شرایط دریافت بودجه و حمایت چیست؟
- ب. آیا ارائه چنین بودجه و حمایتی با اصول بین المللی درباره عدالت و عدم تبعیض مطابقت دارد؟
۹۸. آیا احزاب و دیگر سازمان های سیاسی لازم است که درآمد و میزان هزینه های خود را گزارش کنند؟
- الف. اگر بله، مهلت ارائه گزارش ها چه زمانی است؟
- ب. گزارش ها به کجا تسلیم می شوند؟
- ج. هیچ یک از این اطلاعات در اختیار عموم قرار می گیرد؟
- د. چه مجازات یا تمهیداتی اندیشیده شده تا لزوم ارائه گزارش و مسائل مالی توسط سازمان ها تحکیم شود؟
۹۹. آیا احزاب و سازمان های سیاسی مجبورند برای رقابت در انتخابات از شرایط خاصی برخوردار باشند؟ (مثلا، کسب درصد خاصی از آرا در انتخابات قبلی، جمع آوری امضا در تومار، دریافت حداقل حمایت در همه پرسی های عمومی؟)

الف. اگر بله، آیا این شرایط با اصول بین المللی مطابقت دارد؟
۱۰۰. ممکن است شرکت احزاب یا سازمان های سیاسی در انتخابات حین زمان برگزاری کمپین لغو شود؟

الف. اگر بله، تحت چه شرایطی؟

ب. روند اعتراض به آن چگونه است؟

ج. آیا این مراحل با اصول بین المللی مطابق هستند؟

۱۰۱. آیا شرایط مرتبط با احزاب و دیگر سازمان های سیاسی در معرض نظارت نمایندگان احزاب، سازمان ها، بازرسی داخلی انتخابات، رسانه های خبری و ناظران انتخاباتی بین المللی قرار دارند؟

شرایط رای گیری

اهداف: اطمینان از تدارک فرصتی مناسب برای تمرین حق انتخاب شدن و پیش بینی معیارهای درست برای کاندیداتوری و فهرست نامزدها.

معیارها یا شاخص ها - چارجوب حقوقی:

- معیارهای شفاف را مطابق با اصول بین المللی برای صلاحیت احزاب سیاسی و کاندیداها در انتخابات پست های دولتی تعیین می کند.
 - معیارهای شفاف را مطابق با اصول بین المللی، برای صلاحیت همه پرسى هایی تعیین می کند که همزمان با انتخابات ارائه شوند.
 - شرایط رای گیری را تعیین می کند که عاری از محدودیت و موارد ظالمانه و یا تبعیض آمیز باشد.
- جدول زمانی شفاف و واقعگرایانه ای برای شرایط همه پرسى تثبیت می کند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۰۲. شرایط لازم ذکر شده در قانون اساسی و قوانین انتخابات درباره صلاحیت شرکت در رقابت های انتخاباتی چیست؟

الف. آیا با هم مطابقت دارند؟

ب. آیا با اصول و قوانین بین المللی درباره عدم تبعیض و حق شرکت در رقابت مطابقت دارند؟

۱۰۳. آیا مفاد الزام آور در قوانین دیگر وجود دارد که بر شرایط شرکت در رقابت ها تاثیر بگذارد؟ (مثلا قوانین حزب سیاسی، قوانین جنایی، قوانین ورشکستگی؟)

الف. آیا این قوانین با قانون اساسی مطابقت دارند؟

ب. آیا این قوانین با قانون انتخابات مطابقت دارند؟ اگر مطابق نیستند، کدام یک بر دیگری ارجحیت دارد؟

ج. آیا این قوانین با اصول بین المللی مطابقت دارند؟

۱۰۴. کدام نهاد می تواند احزاب، نامزدها، و موارد همه پرسى را برای رای گیری کاندیدا کند؟

(مثلا این که احزاب باید نام کاندیدای حزبی را ارائه دهند و برخی مقامات حزبی باید تقاضانامه ها و تقاضای نامزدان مستقل و نامزدان مورد حمایت گروهی از شهروندان را امضا کنند؟)

۱۰۵. آیا قانون به این نکته رسیدگی می کند که شهروندان ممکن است شرایط رای یک حزب، کاندیدا و یا همه پرسى را به چالش بکشند؟

- الف. اگر بله، الزامات این اعتراض و به چالش کشیدن چیست؟
 ب. مراحل پیشبرد چنین اعتراضی چیست؟
۱۰۶. آیا قانون مشخص می کند که احزاب چگونه نامزدها را برای انتخابات و رای گیری انتخاب کنند؟
 الف. اگر بله، آیا این مفاد با اصول بین المللی مطابقت دارد؟
 ۱۰۷. آیا کاندیداهای مستقل و بدون حزب اجازه فهرست شدن در رای گیری را دارند؟
 الف. اگر بله، شرایط آن چیست؟
 ب. آیا این با اصول بین المللی درباره حق رقابت در انتخابات مطابقت دارد؟
۱۰۸. در کدام مرحله از انتخابات تقاضا برای فهرست رای گیری انجام می شود؟
 ۱۰۹. مرحله تایید صلاحیت رای گیری تا کی باز است؟
 ۱۱۰. تا چه زمانی قبل از انتخابات رای نهایی برای تایید صلاحیت رای گیری اعلام می شود؟
 ۱۱۱. سلسله مراتب مرحله تایید صلاحیت رای گیری چیست؟
- الف. وقتی که احزاب، کاندیدها، و گروه های همه پرسی برای شرکت در رای گیری تقاضا می کنند، چه مدارکی را باید ارائه دهند؟
 ب. آیا باید اسامی و اطلاعات مربوط به رهبران حزب، رهبران گروه های حامی کاندیدها و یا رهبران گروه های همه پرسی لازم است؟
 ج. اگر بله، مزاحم و یا نامربوط به انتخابات است؟
 د. آیا اطلاعات شخصی مورد مطالبه، در مورد کاندیدا و خانواده اوست؟
 ه. اگر بله، آیا این الزام غیرمنطقی است؟
 و. آیا متقاضیان باید وثیقه یا قرار نقدی دیگری را بپردازند؟
 ز. اگر بله، آیا این قرار مانعی در راه مشارکت در رقابت است؟
 ح. آیا در مرحله تایید صلاحیت رای گیری، برای نشان دادن حمایت نیاز به امضا وجود دارد؟
 ط. اگر بله، چند امضا؟
۱۱۲. اگر رد مرحله تایید صلاحیت رای گیری نیاز به امضا وجود دارد، آیا این کار مزاحمتی ایجاد می کند؟
- الف. آیا رای دهندگان به امضا در حمایت از تنها یک حزب یا کاندیدا محدود هستند که ارتقاء تکثرگرایی و مخفیانه بودن آرا و مکان ها ر نقض میکند، باری بر دوش کسانی است که امضا جمع می کنند تا تایید کنند که افراد تنها یک برگه رای را امضا کنند؟
 ب. آیا شمار امضاهای مورد نیاز، در کنار جدول زمانی جمع آوری امضا و شرایط ملی، وظیفه ای غیرضروری ایجاد می کند؟
 ج. اگر امضاها قرار باشد که نمایندگان گوناگونی جغرافیایی یا دیگر انواع تنوع باشند، آیا موارد الزامی غیرمنطقی هستند؟
۱۱۳. روند تایید اصالت امضاها و مطابقتشان با قانون چیست؟
 الف. پروسه تایید اصالت برعهده چه نهادی است؟
 ب. آیا روند تایید اصالت امضاها واقعگرایانه است؟ (مثلا جدول زمانی، شمار افراد و دیگر منابع دخیل در این امر، و همچنین روش های کار مناسبند؟)
 ج. آیا احزاب سیاسی، کاندیدها و گروه های انجام همه پرسی حق نظارت بر روند تایید اصالت امضاها را دارند؟
 د. آیا ناظران داخلی غیرحزبی و رسانه های خبری حق نظارت بر روند تایید اصالت امضاها را دارند؟
 ه. آیا ناظران انتخاباتی بین المللی حق مشاهده روند تایید اصالت امضاها را دارند؟

۱۱۴. اگر امضاها نامعتبر تشخیص داده شوند، آیا شرایط محافظت از احزاب، نامزدها و یا گروه های دخیل در این امر میسر است؟
- الف. اگر یک امضا نامعتبر تشخیص داده شود، آیا امضای معتبر در همان تومار، در محاسبه آرا محاسبه می شوند یا آنها هم به شکل خودکار نامعتبر شناخته می شوند؟
- ب. اگر یک امضا نامعتبر تشخیص داده شود، راهی وجود دارد که حزب، نامزد و یا گروهی که تحت تأثیر قرار گرفته اعتراض کند؟
- ج. اگر شمار امضاهای نامعتبر آنقدر زیاد باشد که حزب، نامزد و گروه همه پرسوی خاصی را از رسیدن به حد نصاب لازم بازدارد، آیا آن ها می توانند پیش از انقضای زمان بررسی صلاحیت، امضاهای دیگری را ارائه کنند؟
۱۱۵. آیا هیچگونه مانعی هست که موجب عدم صلاحیت فرد برای ورود به رقابت شود؟
- الف. اگر بله، این موانع چیستند؟
- ب. آیا با قانون اساسی مطابقت دارند؟
- ج. آیا با اصول بین المللی برای محدود کردن بیان سیاسی مطابقت دارد؟
۱۱۶. آیا قانون مفادی را درباره کاندیداتوری زنان و گروه های خاص دیگر دربرمی گیرد؟
- الف. آیا سهمیه، رای گیری جداگانه برای زنان و یا الزامات دیگری برای حضور زنان در فهرست احزاب وجود دارد؟
- ب. اگر بله، آیا این مفاد، مطابق اصول بین الملل است؟
- ج. آیا سهمیه، رای گیری جداگانه برای گروه های اقلیت و یا الزامات دیگری درمورد شایستگی کاندیداهایی از اقلیت ها وجود دارد؟
- د. اگر بله، آیا این مفاد، مطابق اصول بین الملل است؟
۱۱۷. قوانین مربوط به انصراف کاندیداها چیست؟
- الف. یک کاندیدا کی می تواند از رای گیری کناره گیری کند؟
- ب. آیا یک کاندیدا برای انصراف باید دلیل بیاورد؟ اگر بله، دلایل قابل قبول چیستند؟
- ج. آیا هیچ نهادی قدرت جایگزینی یک کاندیدا با یک کاندیدای دیگر را دارد، و اگر بله، این قدرت در اختیار کیست؟
۱۱۸. آیا یک فرد می تواند برای بیش از یک حزب نامزد شود؟
۱۱۹. آیا الزاماتی برای ائتلاف انتخاباتی یا اتحاد وجود دارد، و این مسئله به چه شکلی صلاحیت رای گیری و حضور در رای گیری را تحت تأثیر قرار می دهد؟
۱۲۰. آیا احزاب و کاندیداها موظفند نمادهایی را روی برگه های رای بگذارند؟
- الف. اگر بله، آیا مفاد قانون امکان سردرگمی نمادها را محدود می کند؟
- ب. نمادها به چه شکل محول می شوند؟
- ج. نمادها در چه زمانی محول می شوند؟
- د. آیا زمان بندی مهلت کافی برای تشکیل کمپین های حمایتی را فراهم می آورد؟
۱۲۱. آیا نامزدها و/یا احزاب می توانند برگه های رای نمونه را ببینند و پیش از تولید انبوه آنها، اشکالات احتمالی را رفع کنند؟
- الف. اگر بله، مراحل انجام این کار چیست؟
- ب. چه کسی تصمیم نهایی را درباره شکل ظاهری برگه های رای می گیرد؟
۱۲۲. مراحل بازبینی و مرور زبان و ادبیات به کار گرفته شده در نحوه همه پرسوی و دیگر پرسش های رای گیری چیست؟

- الف. چه کسی قدرت برتر درباره ادبیات و زبان به کار گرفته شده در همه پرسشی و دیگر پرسش های رای گیری است؟
- ب. آیا شهروندان حق اعتراض به زبان یا ظاهر برگه های رای در همه پرسشی ها و رای گیری ها را دارند؟
- ج. آیا گروه های رای گیری و همه پرسشی حق دارند به نحوه رای گیری و زبان و ادبیات به کار گرفته شده در نحوه سوالات اعتراض کنند؟
۱۲۳. آیا احزاب سیاسی، کاندیداها و گروه های همه پرسشی حق دارند بر نحوه تولید و توزیع برگه های رای نظارت کنند؟
۱۲۴. آیا ناظران انتخاباتی داخلی و غیرحزبی و رسانه های خبری حق دارند تا بر نحوه تولید و توزیع برگه های رای نظارت کنند؟
۱۲۵. آیا ناظران بین المللی انتخابات اجازه دارند تا نحوه تولید و توزیع برگه های رای را مشاهده کنند؟

کمپین انتخاباتی

اهداف: اطمینان از این که تمامی کسانی که مایل به شرکت در رقابت ها هستند، و همچنین کسانی که با یک همه پرسشی خاص مخالف یا موافقند، آزاد و در شرایط عادلانه برای سازماندهی هستند و همچنین اطمینان از این که شهروندان درباره رقیبان اطلاعات کافی بدست می آورند و می توانند میان آنان براساس آزادی و بدون از ارعاب، تهدید، و دیگر اشکال سلطه گرایانه انتخاب کنند.

معیارها یا شاخص ها- چارچوب قانونی:

- مستلزم بی طرفی سیاسی مقامات انتخاباتی و دیگر مسئولان دولتی در مورد استفاده از منابع دولتی و وقت اداری کارمندان دولت و همچنین دیگر امور در فعالیت کمپینی رقیبان انتخاباتی است.
 - مستلزم برابری در مقابل قانون و حمایت برابر قانون از تامین حقوق رقبا انتخاباتی و حامیانشان و جلوگیری از تضییع حقوق آنان می شود.
 - شروطی را برای احترام به آزادی تجمعات آرام، اجتماعات، جنبش و بیان سیاسی مرتبط با تبلیغات حمایت انتخاباتی تعیین می کند، و
- شرایطی را الزامی می کند که رای دهندگان بتوانند اطلاعات راجع به رقبا انتخاباتی را به دست آورند و رقیبان انتخاباتی اطلاعات را بیان کنند و خواستار حمایت از مردم شوند، همه این ها در شرایط به دور از خشونت و هرگونه سلطه جویی.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۲۶. آیا قانون و مقررات استفاده از منابع دولتی را در جهت منافع رقیبان انتخاباتی ممنوع می کند؟
- الف. اگر بله، مجازات نقض این ماده قانونی چیست؟
- ب. برای تحکیم این الزام، چه مفاد قانونی وجود دارد؟
- ج. آیا قانونی وجود دارد که گزارش های عمومی درباره اعمال این قوانین را طلب کند؟
۱۲۷. آیا کاندیداهایی که در حال حاضر پست دولتی دارند، ممنوعیتی در استفاده از موقعیتشان در جهت پیروزی در انتخابات دارند؟
- الف. اگر بله، مجازات نقض این ماده قانونی چیست؟
- ب. برای تحکیم این الزام، چه مفاد قانونی وجود دارد؟
- ج. آیا قانونی وجود دارد که گزارش های عمومی درباره اعمال این قوانین را طلب کند؟

۱۲۸. آیا قانون و مقررات مقامات دولتی، از جمله مسئولان نظامی و فرماندهان پلیس را، از فشار آوردن به زیردستانشان به حمایت، یا اقدام از سوی یک کاندیدا و یا تبلیغات برای یک کاندیدای خاص منع می کند؟

الف. اگر بله، مجازات نقض این ماده قانونی چیست؟

ب. برای تحکیم این الزام، چه مفاد قانونی وجود دارد؟

ج. آیا قانونی وجود دارد که گزارش های عمومی درباره اعمال این قوانین را طلب کند؟

۱۲۹. آیا قانون و مقررات کارمندان دولت را از تبلیغات برای رقبای انتخاباتی طی ساعات اداریشان منع میکند؟

الف. اگر بله، مجازات نقض این ماده قانونی چیست؟

ب. برای تحکیم این الزام، چه مفاد قانونی وجود دارد؟

ج. آیا قانونی وجود دارد که گزارش های عمومی درباره اعمال این قوانین را طلب کند؟

۱۳۰. آیا قانون و مقررات تبعیض و تصمیمات سلیقه ای در صدور ماموریت و استفاده از تسهیلات دولتی و حمایت از رقبای منع می کند؟

الف. آیا رقبای انتخاباتی ابزاری برای اعتراض به تصمیماتی از این قبیل دارند؟

ب. آیا روند اعتراض زمان مشخصی را در بر می گیرد؟

۱۳۱. مدت زمان دوره رسمی کمپین انتخاباتی چقدر است؟

الف. این دوره در قانون اساسی، قانون و یا مقررات مشخص شده است؟

ب. آیا کمپین برای حمایت انتخاباتی قبل از آغاز کمپین رسمی آغاز می شود؟

ج. اگر نه، مجازات کمپین کردن چیست و آیا مفادی قانونی برای اطمینان از اجرای عادلانه آن ها وجود دارد؟

د. آیا محدودیت های مشابه مطابق اصول بین المللی برای آزادی بیان سیاسی است؟

ه. آیا قانون حکم می کند که کمپین در روز خاصی قبل از روز انتخابات متوقف شود؟

و. اگر بله، چند روز، و چه فعالیت هایی ممنوع می شود؟

ز. آیا محدودیت های مشابه مطابق اصول بین المللی برای آزادی بیان سیاسی است؟

۱۳۲. آیا قانون و مقررات ممنوعیت هایی را علیه هر کسی که در فعالیت های کمپینی مداخله یا اخلاص کند و یا علیه کاندیداها، کمپین ها و یا رقبا به خشنونت متوسل شود، در بر می گیرد؟

الف. اگر بله، مجازات این اقدامات چیست؟

ب. مکانیزم اجرایی نهاد مدیریت انتخابات و دیگر نهادهای دولتی چیست؟

ج. اگر برای این امور دادستانی جنایی وارد شود، آیا ممکن است که اقدام دولتی نیز اعمال شود؟

د. اگر اعضای احزاب سیاسی، گروه های حامی کاندیداها و یا گروه های همه پرسی مسئول شناخته شوند، آیا احزاب، رهبران سیاسی، کاندیداها و رهبران همه پرسی و دیگر گروه های مرتبط نیز در معرض مجازات قرار می گیرند؟

ه. اگر بله، آیا مجازات با اصول بین المللی مطابقت دارد؟

۱۳۳. آیا کمپین انتخابات قواعد رفتاری خاصی دارد؟

الف. اگر بله، آیا در قانون انتخابات آمده یا یک قاعده داوطلبانه است؟

ب. چه مسائلی را خطاب قرار می دهد؟

ج. آیا در مورد احزاب، کاندیداها و همه پرسی ها و دیگر گروه های جمع آوری تومار نیز اعمال می شود؟

د. آیا احزاب موظف به امضای این قواعد هستند؟

ه. این قواعد چگونه اجرا می شوند؟

و. آیا این قواعد حاوی مکانیزمی برای بروز شکایات از موارد نقض قواعد نیز هست؟
 ۱۳۴. آیا قانون یا مقررات گروه های امنیتی دولت را مأمور حمایت از کاندیداها می کند؟
 الف. اگر بله، آیا این مقررات با اصول بین المللی برای آزادی جنبش ها، بیان سیاسی و عدم تبعیض مطابقت دارد؟

۱۳۵. آیا احزاب سیاسی، کاندیداها و گروه های همه پرسی و جمع آوری تومار محدودیتی در نشر مطالب چاپی و یا اعلام شده از رادیو و تلویزیون و یا اینترنت دارند؟
 الف. اگر بله، این محدودیت ها چیست؟

ب. آیا این محدودیت ها با اصول بین المللی هماهنگ است؟
 ۱۳۶. آیا بر انجام فعالیت های تبلیغی در اماکن عمومی محدودیت وجود دارد؟ (مانند پارک های تحت کنترل دولت، میدان ها و استادیوم ها، مدارس، مراکز خرید؟)
 الف. اگر بله، آیا این محدودیت ها با اصول بین المللی برای اجتماعات آرام و بیان عقاید سیاسی هماهنگی دارد؟

۱۳۷. آیا در برگزاری نشست های عمومی، تظاهرات یا گردهمایی محدودیتی اعمال می شود؟
 الف. اگر بله، آیا این موانع با اصول بین المللی آزادی تجمعات آرام و اجتماعات سیاسی مطابقت دارد؟

منابع کمپین

اهداف: حصول اطمینان از شرایط برابر برای تمرین حقوق شهروندی در راه تلاش برای انتخاب شدن و ارائه اطلاعات کافی به مردم و رای دهندگان برای تصمیم گیری درباره گزینه مناسب و صحیح.

معیارها یا شاخص ها- چارچوب حقوقی:

- ارائه دسترسی برابر و عادلانه به تاسیسات دولتی برای فعالیت های کمپینی،
- ارائه مقرری مالی عادلانه و برابر از بودجه عمومی برای کمپین های انتخاباتی، در صورت وجود بودجه عمومی
- تعیین قوانین مشخص و رفتار برابر با رقبا در مورد توزیع منابع مالی خصوصی به کمپین های انتخاباتی، در صورتی که چنین کمک هایی مجاز باشد، و
- تعیین قوانین مشخص و رفتار برابر با رقبا در مورد هزینه های کمپینی، در صورتی که چنین الزامی وجود داشته باشد.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۳۸. آیا قانون و مقررات مفادی مشخص را دربر می گیرد که بگوید تمامی تسهیلات تحت کنترل دولت برای نشست ها، سخنرانی ها، و دیگر فعالیت های کمپینی باید به شکل برابر میان رقیبان انتخاباتی تقسیم شود؟

۱۳۹. آیا بودجه عمومی برای برگزاری کمپین انتخاباتی به رقیبان داده می شود؟
 الف. اگر بله، آیا این توزیع بودجه بر اساس بودجه برابر یا فرمولی مساوی برای رفتار یکسان بین همه صورت می گیرد؟

ب. آیا ارائه این پول با اصول بین المللی برای عدم تبعیض هماهنگ است؟
 ۱۴۰. اگر حامیان مالی خصوصی اجازه دارند به کمپین ها پول بدهند، آیا قوانین و مقررات برای تقسیم مساوی پول میان رقیبان وضع شده است؟

۱۴۱. آیا قوانین و مقررات بر کمک مالی حامیان خصوصی به کمپین محدودیتی اعمال می کنند؟

- الف. آیا بر کمک های غیرنقدی و تدارکاتی نیز محدودیت اعمال می شود؟
- ب. مکانیزم اجرایی چنین محدودیت هایی چیست؟
- ج. آیا این محدودیت ها با اصول بین المللی قوانین و قواعد کمپین های سیاسی مطابقت دارد؟
۱۴۲. آیا قانون و مقررات احزاب سیاسی، کاندیداها و گروه های همه پرسی را ملزم می کند تا گزارش های مالی مربوط به کمک های مالی به کمپین و/یا هزینه های کمپین را اعلام کنند؟
- الف. اگر بله، چه جور اطلاعاتی مورد نظر است؟
- ب. این اطلاعات کی و چند وقت به چند وقت باید گزارش شود؟
- ج. کدام نهاد دولتی این گزارش ها را دریافت می کند؟
- د. آیا اطلاعات گزارش شده علنی و در دسترس همگان است؟
- ه. اگر بله، چه مدت پس از ارائه و به چه طریقی؟ (مثلا اینترنتی یا چاپ کاغذی؟)
- و. مجازات گزارش نکردن اطلاعات و یا ارائه اطلاعات نادرست چیست؟
- ز. قوانین به چه شکل اجرا می شود؟

رسانه

اهداف: اطمینان از رفتار برابر با تمامی رقیبان انتخاباتی و کمک به ارائه اطلاعات مناسب و کافی به مردم رای دهنده درباره رقیبان انتخاباتی و مسائل مهم مرتبط با انتخابات، تا رای دهندگان آگاهانه انتخاب کنند.

معیارها یا شاخص ها - چارجوب حقوقی:

- مقامات دولتی را از اعمال فشار به رسانه ها در جهت منافع یک کاندیدای خاص منع می کند و همچنین مانع اعمال بد رفتاری با روزنامه نگاران و پرسنل رسانه هایی می شود که شاید به دلیل ارائه پوشش دقیق و متوازن اخبار مربوط به رقیبان و مسائل انتخاباتی از سوی برخی مجازات شوند.
- دسترسی رایگان به رسانه های دولتی یا تحت کنترل دولت را بر اساس برابری و عدالت بین احزاب، کاندیداها، و گروه های فعال در زمینه همه پرسی و دیگر گروه ها، قانونمند می کند.
- خرید تبلیغات سیاسی فروشی را بر اساس شرایط برابر برای تمام رقیبان، قانونمند می کند.
- دسترسی برابر به رسانه های با بودجه عمومی و خصوصی را برای تمامی رقیبان انتخاباتی، میسر می کند.
- برای پوشش خبری متوازن و دقیق از همه رقیبان انتخاباتی در رسانه های دولتی یا تحت کنترل دولت مقررات تعیین می کند.
- برای پوشش خبری دقیق و متوازن از همه رقیبان انتخاباتی در رسانه های با بودجه عمومی یا خصوصی دستورالعمل صادر می کند، و
- مکانیزم هایی را برای رقیبان انتخاباتی تعیین می کند تا در صورت تضییع حقوقشان توسط رسانه ها، به دنبال دادرسی باشند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۴۳. آیا قانون و مقررات سانسور دولتی اخبار رسانه ها از مسائل مرتبط با انتخابات را ممنوع می کند؟
۱۴۴. آیا قانون و مقررات مقامات دولتی را از اعمال فشار بر رسانه ها به نفع یا به ضرر یک رقیب خاص انتخاباتی، منع می کند؟
- الف. آیا این ممنوعیت، به پیشنهادات و یا تهدید به قطع سوبسیدها یا تبلیغات دولتی، دسترسی به مجوز روزنامه یا رسانه های صوتی و تصویری و یا مسائل مرتبط می پردازد؟
- ب. آیا این ممنوعیت، تهدید یا تهمت و افترازی جنایی را نیز دربرمی گیرد؟
۱۴۵. آیا مفادی در قانون رسانه یا دیگر قوانین وجود دارد که این مسائل را دربرگیرد؟
- الف. اگر بله، آیا این قوانین با اصول بین المللی تطابق دارند؟
- ب. آیا این قوانین با قوانین انتخابات تطابق دارند؟
- ج. اگر نه، کدام قانون دست بالا را دارد؟
- د. آیا این مفاد با اصول بین المللی آزادی رسانه تطابق دارد؟
۱۴۶. آیا قانون مسئولیت رسانه ها را طی کمیین انتخاباتی برای باز نشر اظهارات رقیبان انتخاباتی محدود می کند؟
۱۴۷. آیا قوانین و مقررات درباره دسترسی به رسانه های دولتی و تحت کنترل دولت برای تمامی رقبای انتخاباتی مفادی دارد؟
- الف. اگر بله، آیا این دسترسی بر اساس عدالت و برابری است؟
- ب. اگر گروه های مختلفی از رقیبان تثبیت شده اند و زمان های مختلفی به آنان داده شده است، آیا حداقل زمان ارائه شده برای رای دهندگان کافی است تا با اصول اولیه انتخاباتی آنان آگاه شوند؟
- ج. اگر گروه های مختلفی از رقیبان تثبیت شده اند، آیا معیارهای مشخص، بی طرفانه و عادلانه ای برای قراردادن رقیبان انتخاباتی در دسته بندی های مختلف موجود است؟
- د. آیا معیارها با اصول بین المللی از آزادی سیاسی و غیرتبعیض آمیز مطابقت دارند؟
- ه. آیا قوانین به رای دهندگان دسترسی کافی به گروه های همه پرسی موافق و مخالف را می دهد تا با نکات مثبت و منفی همه پرسی و رای گیری آشنا شوند؟
- و. آیا قوانین زمان کافی به تمامی گروه های مخالف و موافق همه پرسی یا دیگر گروه های رای گیری می دهد؟
- ز. آیا قوانین و مقررات روشی مشخص و عادلانه را برای اختصاص زمان رسانه ای -رادیو تلویزیون و روزنامه- به رقبای انتخاباتی، ارائه می دهد؟ از جمله به گروه های همه پرسی یا دیگر گروه های رای گیری؟
- ح. آیا زمان رسانه ای و فضای اختصاص داده شده برای رای دهندگان کافی است تا درباره رقیبان انتخاباتی مطلع شوند؟
۱۴۸. آیا قوانین و مقررات الزامات مشخصی را برای رسانه های عمومی و مستقل تعیین می کنند تا آنها خدمات رایگان و برابر به رقیبان انتخاباتی بدهند؟
- الف. اگر بله، آیا قوانین برای ارائه زمان و فضا با اصول بین المللی برای آزادی سیاسی مطابقت دارد؟
۱۴۹. آیا قوانین و مقررات برای تبلیغات -فروشی مفادی تعیین کرده اند؟
- الف. اگر بله، آیا این قوانین می گویند که تمام رقیبان انتخاباتی باید برای تبلیغات به یک اندازه پول پرداخت کنند؟
- ب. آیا قوانین و مقررات می گویند که نرخ آگهی های تبلیغاتی نباید از نرخ عادی تبلیغات تجاری فراتر برود؟
۱۵۰. آیا قوانین و مقررات، رسانه های دولتی یا تحت کنترل دولت را به ارائه اخبار دقیق و برابر در پوشش خبری رقیبان انتخاباتی ملزم می کند؟

- الف. آیا این قوانین می گویند که فعالیت های مقامات ارشد دولتی به عنوان پوشش رقیبان انتخاباتی محسوب شود؟
- ب. آیا این قوانین شامل مفادی می شود که حکم به پوشش اخبار مربوط به رقیبان در رادیو و تلویزیون و همچنین رسانه های چاپی بدهد؟
- ج. آیا این قوانین زمان تخصیصی به هر یک از کاندیداها در هنگام پوشش خبری را هم شامل می شود؟
- د. آیا مفاد قانونی نوع فیلم هایی که در پوشش تلویزیونی استفاده می شود، سایز عکس ها، استفاده از صدا و نقل قول های مستقیم را نیز تعیین می کند؟
۱۵۱. آیا قوانین و مقررات الزامی می کند که رسانه های دولتی یا تحت کنترل دولت میان پوشش خبری بی طرفانه و مطالب تحلیلی تفاوت مشخص قائل شوند؟
۱۵۲. آیا قوانین و مقررات دستورالعمل مشخصی را درباره مسائل جاری درباره پوشش خبری رقیبان انتخاباتی پیش روی رسانه هایی که بودجه عمومی و خصوصی دارند قرار می دهد؟
۱۵۳. در صورت نقض حقوق رقیبان توسط رسانه ها، آیا قوانین و مقررات مکانیزم هایی را برای اطمینان از راه حل موثر ارائه می دهد؟ (مثلا تسریع روند رسیدگی به شکایات درباره اجرای قوانین دسترسی به رسانه ها، قوانین تبلیغات فروشی، و قوانین مرتبط با پوشش اخبار؟)
- الف. اگر بله، کدام نهاد این شکایات را بررسی می کند و به راه حل موثر جایزه می دهد؟
- ب. آیا میان راه حل های موجود، حق پاسخدهی، تصحیح و استرداد در نظر گرفته شده است؟
- ج. آیا نهاد مدیریت/ساماندهی انتخابات می تواند به رسانه های تحت کنترل دولت دستور دهد تا زمان اضافی را به رقیبان انتخاباتی اختصاص دهند تا میزان دسترسی به پوشش رسانه ای افزایش یابد؟
۱۵۴. آیا قوانین و مقررات انتخاباتی به فعالیت های اطلاعات انتخاباتی خاص، مانند مناظره، جلسات ملاقات با مردم، و سخنرانی های دیگر رسیدگی میکنند؟
- الف. اگر بله، آیا قوانین مشخصی وجود دارد که رفتار برابر و عادلانه میان رقیبان انتخاباتی را اثبات کند؟
۱۵۵. آیا قوانین و مقررات لزوم آموزش مسائل انتخاباتی ارائه شده توسط نهاد مدیریت انتخابات و دیگر منابع، به رای دهندگان را بررسی میکنند؟
۱۵۶. آیا قوانین و مقررات به گزارش نتایج نظرسنجی های عمومی می پردازد؟ (مثلا اعلام منبع مالی انجام نظرسنجی، تاریخ انجام آن، اندازه نمونه، حاشیه خطا و بازه اطمینان؟)
- الف. اگر بله، آیا این قوانین با اصول بین المللی برای آزادی بیان مطابقت دارد؟
۱۵۷. آیا قوانین و مقررات به پوشش روز انتخابات، از جمله رای دهی، شمارش، توزیع، اعلام نتایج و نتایج رسمی می پردازد؟
- الف. اگر بله، آیا این قوانین با اصول بین المللی آزادی بیان مطابقت دارد؟
۱۵۸. آیا دولت رسماً گزارشگران مخصوصی را به رسمیت می شناسد و به آنان مجوز حضور در برنامه های دولتی و ادارات را می دهد؟
- الف. اگر بله، مجوز به شکل کسب می شود، و آیا در روند اعطای مجوز تدابیر بازدارنده برای جلوگیری از دست به یکی کردن رسانه ها به نفع یک کاندیدا و یا برعکس تلاش برای آسیب به کاندیداها خاص، اندیشیده شده است؟
۱۵۹. آیا انجمن های خودگردان روزنامه نگاران و/یا صاحبان رسانه ها وجود دارد؟
- الف. اگر بله، آیا این انجمن ها مکانیزم رسیدگی به شکایات و چاره هایی را برای رای دهندگان و رقیبان انتخاباتی ارائه می دهد؟

اهداف: اطمینان از این که تمامی واجدان شرایط رای دهی آزادند تا رای مخفی خود را به صندوق بیاورند، از رای دهی غیرقانونی جلوگیری شود، رای دهندگان ثبت نام شوند، از تقلب جلوگیری شود و شفافیت اعتماد عمومی را به روند انتخابات جلب کند.

معیارها و شاخص ها - چارچوب حقوقی:

- فضا و روندی عاری از خشونت، تهدید و ارباب در داخل و اطراف حوزه های رای مستقر می کند،
- فرصت رای دادن آزاد و برابر را برای زنان و مردان، گروه های اقلیت و اکثریت، جوانان و سالخوردهگان، بی سوادان و معلولان جسمی و ناتوانان قرار می دهد،
- روند رای گیری و ثبت نام را تثبیت می کند که از رای دادن غیرقانونی و تخلف، پرکردن صندوق های رای یا تقلب و دستکاری در ماشین های رای گیری جلوگیری کند،
- مخفی بودن رای افراد را تضمین می کند،
- قبل از رای گیری، در جریان آن و پس از پایان رای گیری، مکانیزم هایی را برای تضمین امنیت فراهم می کند.
- برای نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های حامی و مخالف برگزار کننده همه پرس و تومار امضا، ناظران غیرحزبی داخلی، رسانه های خبری و ناظران انتخاباتی بین المللی، شرایط حضور و دسترسی به تمامی مراحل رای گیری- غیر از مخفیانه بودن آرا- را فراهم می کند، و
- مکانیزم هایی را برای رسیدگی فوری به مشکلات در روز انتخابات و شکایات انتخاباتی تعیین می کند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۶۰. آیا قوانین و مقررات چارچوبی امنیتی را برای حوزه های اخذ رای و مناطق اطراف در روز رای گیری تامین می کند؟
- الف. اگر بله، چه کسی مسئول رسیدگی به امنیت محیط خارج از حوزه هاست؟
- ب. آیا تامین امنیت اطراف حوزه ها، شامل جلوگیری از ارباب رای دهندگان، خرید رای و دیگر اشکال تهدید می شود؟
- ج. چه کسی مسئول تامین امنیت داخل حوزه های رای گیری است؟
- د. آیا پلیس و ارتش از ورود به داخل حوزه های رای گیری منع شده اند مگر آن که مقامات انتخاباتی از آنان درخواست کنند؟
- ه. در صورت درخواست مقامات از پلیس و ارتش برای ورود به حوزه ها، چه کسی زمان خروج آنان را تعیین می کند؟
- و. آیا افراد فاقد مجوز، از ورود و ماندن در داخل حوزه های رای گیری منع شده اند؟
۱۶۱. آیا قوانین و مقررات برای تخلفات انتخاباتی، ارباب و تهدید، خرید رای، رای دادن غیرقانونی، پرکردن صندوق، سرقت صندوق یا تخریب آن و دیگر اشکال تخلف، مجازات تعیین کرده است؟
۱۶۲. آیا قوانین و مقررات می گوید که مسئول انتخاباتی ارشد در یک حوزه اخذ رای، این قدرت و اختیار را دارد که اوضاع را کنترل کند و هر کسی را که مانع روند کار است یا در آن اختلال ایجاد کرده، بیرون کند؟

- الف. اگر بله، آیا پرسنل امنیتی موظف هستند از دستورالعمل مقامات انتخاباتی پیروی کنند و به درخواست کمک آنان پاسخ دهند؟
۱۶۳. رای دهی طی یک روز انجام می شود یا چند روز طول می کشد؟
- الف. اگر بیش از یک روز طول می کشد، تعداد روزها چقدر است؟
- ب. لازمه های تامین امنیت رای گیری، قبل، در جریان رای گیری و بعد از پایان روز یا روزهای رای گیری چیست؟
- ج. واجدان شرایط می توانند از طریق پست، حضور زودهنگام در یک مکان خاص، بردن صندوق سیار به حضور بیماران یا دیگر امکانات ویژه، رای خود را به صندوق بیاندازند؟
- د. لازمه های تامین امنیت قبل، بعد و طی رای گیری های ویژه و تضمین مخفی ماندن رای آنان چیست؟
- ه. آیا برای پرسنل ارتش در پایگاه ها و/یا کشتی های روی دریا، افرادی که در بیمارستان به سر می برند و/یا زندانیان حوزه رای گیری ویژه در نظر گرفته می شود؟
- و. لازمه حفظ امنیت رای گیری و مخفی ماندن آرا در این شرایط ویژه چیست؟
۱۶۴. ساعات رای گیری چگونه است؟
- الف. آیا کافی است که به همه شهروندان واجد شرایط رای دادن فرصت مناسب برای رای دادن داد؟
۱۶۵. حوزه های اخذ رای باید چه شرایطی داشته باشند تا به عنوان حوزه انتخاب شوند؟
- الف. آیا شرایط مکان با اصول بین المللی علیه تبعیض در مورد زنان و گروه های اقلیت مطابقت دارد؟
۱۶۶. آیا لازم است که حوزه ها برای رای دهندگان معلول یا دارای مشکلات فیزیکی قابل دسترس باشد؟
۱۶۷. برای هر حوزه چند رای دهنده در نظر گرفته می شود، و آیا می توان در ساعات رای گیری و با در نظر گرفتن میزان و زمان میزان مشارکت ملی، شمار حداکثری رای دهندگان را تعیین کرد؟
۱۶۸. رای دهندگان به چه صورتی در مورد حوزه های رای گیری نزدیکشان مطلع می شوند و آیا نحوه اطلاع رسانی کافی است؟
۱۶۹. آیا مفاد قانونی در مورد لزوم علامت های اطلاع رسانی و راهنما در حوزه ها وجود دارد؟
۱۷۰. آیا برای کمک به تسهیل بی سوادان، برگه های رای طوری طراحی شده اند که علامت هایی روشن به نشانه کاندیداها را داشته باشد تا بیسوادان به راحتی کاندیدای مورد نظرشان را انتخاب کنند و رای بدهند؟
۱۷۱. برای نابینایان تسهیلات ویژه ای در نظر گرفته شده تا بتوانند از طریق رای مخفی کاندیدای مورد نظرشان را انتخاب کنند؟
۱۷۲. آیا قانون مقامات انتخاباتی را ملزم می کند تا قبل از آغاز رای گیری، تمامی برگه های رای را بررسی کنند و به تمامی افراد حاضر نشان دهند که صندوق های رای و ماشین آلات رای گیری خالی هستند؟
۱۷۳. آیا قانون مقامات انتخاباتی را ملزم می کند تا تمامی برگه های استفاده نشده و معیوب، و همچنین صندوق های رای و ماشین های رای گیری را حین و پس از رای گیری در کنترل داشته باشند و همینطور تمامی برگه هایی که در ابتدا به حوزه تفویض شده بود را تحت نظر داشته باشند؟
۱۷۴. آیا قانون و مقررات مقامات انتخاباتی را ملزم می کند تا شمار افرادی که راییشان را به صندوق می اندازند را با شمار افرادی که نامشان در فهرست آن حوزه رای گیری ثبت شده تطابق دهند؟
۱۷۵. آیا قانون و مقررات، مقامات حوزه اخذ رای را ملزم می کند تا قبل از صدور برگه های رای آن ها را معتبر کنند؟
- الف. اگر بله، آیا اجرای این کار راحت است؟
- ب. آیا مراحل رای گیری بیشتر احتمال دارد که عاری از دخالت های حزبی باشد؟

۱۷۶. آیا قانون و مقررات مفادی درباره استفاده از ماشین های الکترونیکی اخذ رای دارند؟
 الف. اگر بله، آیا برای هر رای، به یک برگه تاییدی نیاز است؟
 ب. با اطمینان از مخفیانه بودن رای، آیا افراد می توانند برای استفاده از ماشین های الکترونیکی تقاضای کمک کنند؟
 ج. آیا نمایندگان احزاب، کاندیداها، گروه های همه پرسی حامی یا مخالف و دیگر گروه های جمع آوری تومار و ناظران غیرحزبی داخلی باید اجازه نظارت بر برپایی و فعال کردن تجهیزات الکترونیکی و همچنین فعالیت صحیح آن ها را بیابند؟
 د. آیا قانون و مقررات می گوید که نمایندگان فوق بتوانند به بخش طراحی نظارت، آزمایش، اعتباردهی، تهیه، آموزش به مسئولان انتخاباتی و مراحل تحویل تکنولوژی الکترونیکی دسترسی داشته باشند؟
 ه. آقا مقامات انتخاباتی باید روند شفاف و خاصی را طی دوره رای گیری انجام دهند؟
 و. آیا مراحل امنیتی در مورد تکنولوژی الکترونیکی به روشنی تعیین شده است؟
 ز. آیا لازم است که ماشین هایی به شکل رندوم انتخاب و در روز رای گیری تست شوند تا از امنیت ثبت آرا در آن ماشین آلات اطمینان حاصل شود؟
 ح. آیا تدارکات ایمن رفع ایراد برای ماشین آلات تعبیه شده است؟
 ط. آیا گزینه استفاده از برگه رای به عنوان روش جایگزین برای مردم در نظر گرفته شده است؟
 ی. آیا لازم است که برگه های رای کافی در حوزه ها موجود باشند تا در صورت اشکال در کار ماشین آلات اخذ رای، بشود از برگه استفاده کرد؟
 ۱۷۷. آیا قانون و مقررات ابزار روشن و منطقی را برای تثبیت مشروعیت و هویت رای دهندگان بالقوه برای رای دادن تعبیه می کند؟
 الف. آیا اسناد هویتی لازم در دسترس همه رای دهندگان بالقوه موجود است تا از لغو حق رای افراد جلوگیری شود؟
 ب. آیا اسناد هویتی لازم، برای جلوگیری از جعل هویت واجدان شرایط، ابزاری قابل اتکا به شمار می رود؟
 ۱۷۸. اگر شخصی هویتش را مشخص می کند اما نام و مشخصاتش در فهرست رسمی وجود ندارد، راهی هست که آن فرد رایش را به صندوق بیاندازد؟
 الف. آن فرد می تواند با مراجعه به دادگاه یا مسئولان انتخابات احراز مشروعیت کند و با سندی که او را محق به رای دادن کند، به شکل عادی رایش را به صندوق بیاندازد؟
 ب. آیا چنین فردی می تواند رای موقتی، مشروط و یا ناتمام بدهد و بعد آن را معتبر کند تا رای شمارش شود؟
 ج. آیا این اقدامات از رای دادن غیرقانونی و لغو حق رای پیشگیری می کند؟
 ۱۷۹. آیا قانون و مقررات مراحل مشخصی را برای حفاظت از مخفی بودن رای در نظر می گیرد؟
 الف. آیا قانون مقرر می کند که مکانی خصوصی برای افراد تعبیه شود تا بتوانند بدون چشم دیگری برگه رایشان را پرکنند و یا با کمک ماشین رای دهند؟
 ب. اگر در انتخابات از تکنولوژی الکترونیکی استفاده می شود، آیا ربط ماشین رای و صفحه گزینه های افراد برای فهمیدن رای او کاری غیرممکن است؟
 ج. اگر شماره های ترتیبی روی برگه رای و رسید آن مشخص باشد، کشف رای افراد غیرممکن است؟
 ۱۸۰. آیا قوانین و مقررات مفادی را برای حفاظت از صندوق ها و ماشین های رای به نحوی تعیین می کنند که مخفی ماندن آرا حفظ شود و افراد رای سفید به صندوق نیندازند؟

۱۸۱. آقا قوانین و مقررات روندی را برای جلوگیری از چندباره رای دادن در نظر می گیرند؟ (مثلا، ملزم کردن افراد به امضای فهرست رای دهندگان، علامت زدن کارت ثبت نام آنان و/یا آغشته کردن انگشت افراد به جوهر پیش از آن که حوزه را ترک کنند؟
۱۸۲. آیا در قانون شرایطی در نظر گرفته شده که رای گیری لغو یا به روز دیگری موکول شود؟
الف. اگر بله، آن شرایط چیست؟
ب. چه کسی اختیار تصمیم گیری نهایی را دارد؟
ج. آیا مرحله اعتراضی و/یا راهی برای اطمینان از افزودن ساعات بیشتر رای گیری وجود دارد؟
۱۸۳. آیا قوانین و مقررات مفادی را برای حضور نمایندگان احزاب، کاندیداها و گروه های همه پرسی حامی یا مخالف و دیگر گروه های جمع آوری توامار، در حوزه ها از زمان آمادگی برای باز کردن درها تا پایان کار و بستن حوزه در نظر می گیرد؟
الف. اگر بله، آیا این افراد حق نظارت بر تمامی مراحل در حوزه را دارند؟
ب. آیا آنان اجازه دارند در مورد مسئله ای ابراز نگرانی کنند و راه حلی فوری برایش بیاندهند؟
ج. آیا آنان می توانند مشروعیت یک رای دهنده بالقوه را زیر سوال ببرند و اجازه رای به او ندهند؟
د. آیا این اقدام، رای دهندگان مشروع و واجد شرایط را محافظت می کند؟
ه. آیا نمایندگان اجازه دارند تا قبل، طی و/یا پس از تکمیل رای گیری شکایات را ثبت و به دنبال چاره اندیشی باشند؟
۱۸۴. آیا قوانین و مقررات مفادی را برای حضور ناظران داخلی غیرحزبی تعیین می کند؟
الف. اگر بله، این ناظران حق نظارت بر تمامی مراحل در حوزه اخذ رای را دارند؟
۱۸۵. آیا قوانین و مقررات مفادی را درباره حضور رسانه های خبری در حوزه های رای تعیین می کند؟
الف. اگر بله، آیا رسانه ها حق مشاهده تمامی مراحل رای گیری هستند؟
۱۸۶. آیا قوانین و مقررات مفادی را درباره حضور ناظران انتخاباتی بین المللی در حوزه های رای تعیین می کند؟
الف. اگر بله، آیا این قوانین به آنان اجازه می دهد که تمامی مراحل رای گیری در حوزه ها را مشاهده کنند؟

شمارش آرا

اهداف: اطمینان از این که اراده رای دهندگان دقیق و صادقانه، شمارش، ثبت و در نتایج رسمی منعکس شده است، از تقلب پیشگیری شده و شفافیت مبنایی برای اعتماد عمومی به روند انتخابات ایجاد کرده است.

معیارها یا شاخص ها- چارچوب حقوقی:

- مراحل مشخصی را برای تامین امنیت آرا و اسناد حساس در جریان آمادگی برای شمارش آرا تعیین می کند.
- مفادی را برای شمارش آزاد و شفاف آرا تعیین می کند که به نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های همه پرسی موافق و مخالف و دیگر گروه های جمع آوری توامار، ناظران غیرحزبی

- داخلی، رسانه های خبری و ناظران بین المللی امکان تایید می دهد.
- در مقابل قوانین نامناسب ابطال آرا، اعتباردهی آرا به کاندیدای اشتباه، ثبت نادقیق و/یا غیرمناسب نتایج آرا و انتقال و ترکیب نادقیق و/یا نامناسب نتایج آرا، محافظت های لازم را به عمل می آورد.
 - گزارش دقیق نتایج را تضمین می کند، و مکانیزم هایی را برای بررسی شکایات درباره شمارش آرا، توزیع و گزارش نتایج تعیین می کند، از جمله مخالفت ها با نتایج انتخابات، و پیشنهاد چاره موثر.

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۸۷. آیا نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های همه پرسى موافق و مخالف و دیگر گروه های جمع آوری تومار، ناظران غیرحزبی داخلی، رسانه های خبری و ناظران بین المللی اجازه نظارت بر تمام مراحل مرتبط با شمارش، توزیع، مخابره نتایج اولیه و انتقال مواد و اسناد حساس، از جمله آرا و ابزارآلات الکترونیکی ثبت کننده آرا و نتایج را دارند؟
- الف. اگر بله، آیا مفاد قانونی مشخصی هست که به نمایندگان رقیبان انتخاباتی، از جمله افراد مرتبط با همه پرسى ها و دیگر گروه های جمع آوری کننده تومار، اجازه دهد درباره چگونگی مراحل اجرایی نگرانی های خود را ابراز کنند، با قوانین معتبرسازی آرا و/یا دقت شمارش مخالفت کنند، خواستار بازشماری فوری و/یا طرح شکایت و اعتراض شوند؟
۱۸۸. آیا قوانین و مقررات مراحل مشخصی را برای پایان رای گیری و امنیت تمامی مواد و مدارک حساس، از جمله برگه های رای استفاده نشده، و دستگاه های الکترونیکی ثبت آرا تعیین می کند؟
۱۸۹. وقتی برگه های رای غیرالکترونیکی استفاده می شود، آیا قانون حکم می کند که صندوق های رای قبل از بازشدن، برای اطمینان از صحت و سلامت آن بازرسی شود؟
- الف. قبل از بردن صندوق، آیا محتویات آن باید مورد بازرسی قرار گیرد؟
- ب. آیا لازم است که آرا در شرایطی که بازرسان حق کامل تصمیم گیری دارند، آرا از صندوق خارج شود؟
- ج. آیا لازم است که بر اساس قوانین مشخص و شفافى که به نیت رای دهنده احترام می گذارد، هر رای معتبر یا نامعتبر شود؟
- د. آیا تصمیم گیری درباره اعتبار آرا باید طوری باشد که به نمایندگان رقیبان انتخاباتی، رسانه ها و ناظران داخلی و خارجی اجازه دهد مبنای کار را مشاهده کنند؟
- ه. آیا تصمیم گیری درباره این که کدام کاندیدا مقصود رای دهنده بود، باید طوری باشد که به نمایندگان رقیبان انتخاباتی، رسانه ها و ناظران داخلی و خارجی اجازه دهد مبنای کار را مشاهده کنند؟
- و. آیا آرا باید طوری برای شمارش دسته بندی شوند که مشخصا نشان دهد رای مربوط به کدام یک از کاندیداها اختصاص یافته؟
- ز. آیا شمارش آرا و امتیازدهی آرا به کاندیداهاى رقیب باید طوری باشد که به آسانی توسط حاضران مورد بازرسی باشد؟
- ح. آیا اسناد ثبت شمارش رسمی آرای رقیبان انتخاباتی، باید به امضای بیش از یک مقام انتخاباتی برسد و آیا نمایندگان رقیبان انتخاباتی حاضر می توانند برگه ها را امضا کنند؟
- ط. آیا نسخه های برابر اصل برگه های شمارش باید به نمایندگان احزاب سیاسی حاضر، کاندیداها، گروه های همه پرسى مخالف و موافق و دیگر گروه های جمع آوری تومار ارائه شود، و آیا این نسخه ها باید به رسانه ها و ناظران سازمان های غیرحزبی داخلی نیز ارائه شود؟

۱۹۰. آیا قوانین و مقررات روند مشخصی را تعیین می کنند که هنگام بررسی آرای مشکل دار، از سلب حق رای و رای دادن غیرقانونی جلوگیری کند؟
- الف. این آرا کی و کجا و تحت چه شرایطی بررسی می شوند؟
۱۹۱. وقتی که از ماشین های اسکن برای شمارش برگه های رای استفاده می شود، آیا قانون مقرر می کند که آرا از ماشین خارج شده و علی رغم شمارش ثبت شده در ماشین، یک بار دیگر به شکل دستی خوانده شود؟
۱۹۲. در صورت استفاده از ماشین های رای الکترونیکی، آیا قوانین روند مشخصی را برای متحد کردن آرای ثبت شده در دستگاه با رقم رسمی میزان مشارکت در حوزه ها تعیین می کند؟ (مثلا، شمار افرادی که دفتر ثبت رای دهندگان را امضا کرده اند؟)
۱۹۳. در صورت استفاده از ماشین های رای الکترونیکی، آیا قوانین مراحل امن و حفاظت شده ای را برای خروج ابزار ثبت کننده آرا، حفاظت و انتقال آن در نظر می گیرد؟
۱۹۴. هنگام رای گیری الکترونیک، آیا قانون یک روند راستی آزمایی بعد از انتخابات را در مورد نمونه ای اتفاقی (رندوم) از ماشین های الکترونیکی رای مقرر می کند، فارغ از این که به نتایج رسمی اعتراض شده باشد یا خیر؟
۱۹۵. اگر برگه های ثبت شمارش به شکل الکترونیک (تلفن، فکس یا اینترنت) از حوزه به مرکز توزیع مرکزی منتقل شود، آیا قانون روندی را مقرر می کند که به آسانی دقت انتقال و ثبت نتایج را در مرکز دسته بندی تایید کند؟
۱۹۶. آیا قانون اجازه شمارش موازی آرا و همچنین استقرار صندوق جداگانه در خروجی حوزه (تا افراد رای خود را یک بار دیگر برای اهداف نظارتی یا شمارش زودرس به صندوقی جداگانه بیاندازند) را به احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، رسانه ها، ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی می دهد؟
- الف. آگد بله، آیا برای این اقدامات محدودیتی نیز قائل می شوند، و آیا این گونه روش ها با اصول بین المللی آزادی بیان مطابقت دارد؟

دسته بندی و اعلام نتایج

اهداف: اطمینان از این که اراده رای دهندگان با دقت و صداقت خوانده و دسته بندی، ثبت و در اعلام رسمی نتایج منعکس شده، جلوی تقلب گرفته شده و شفافیت مبنایی را برای اعتماد عمومی به وجود آورده است.

معیارها یا شاخص ها - چارچوب حقوقی:

- دسته بندی و اعلام نتایج را در فضایی شفاف و آزادانه ممکن می سازد که تایید و راستی آزمایی را توسط احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، رسانه ها، ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی میسر می سازد.
- از اقداماتی چون ابطال آرا، ثبت آرا به نفع کاندیدای اشتباه، ثبت نامناسب و/یا نادقیق نتایج آرا، انتقال و نتیجه گیری نامناسب و/یا نادقیق جلوگیری می کند.
- گزارش دقیق نتایج را تامین می کند، و مکانیزم هایی را برای رسیدگی به شکایات درباره شمارش و گزارش نتایج و همچنین چاره اندیشی ارائه

پرسش های قابل ملاحظه:

۱۹۷. هنگامی که برگه های رای و/یا آرای ثبت شده به شکل الکترونیکی از حوزه به مرکز شمارش منتقل می شوند، آیا قانون روند مخصوصی را برای انتقال در نظر می گیرد؟
- الف. آیا نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، رسانه ها، ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی می توانند در این انتقال حاضر باشند؟
۱۹۸. آیا قانون روند ثابتی را برای مقامات انتخاباتی در مراکز، معین می کند که پس از دسته بندی و گزارش کلی، گزارش شمارش، ثبت و جمع بندی آرا، انتقال دسته بندی های اولیه به مراکز هسته ای برای یکپارچه کردن و جمع زدن کل آرا و اعلام نتایج و همچنین ذخیره یا انتقال مدارک و ابزار حساس، در نظر می گیرد؟
۱۹۹. آیا قانون درباره حضور احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، رسانه ها، ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی را در مراکز دسته بندی و تصمیم گیری درباره سرنوشت آرا (درسطوح میانی و بالایی) مفادی را دربر دارد؟
- الف. آیا این نمایندگان اجازه نظارت بر تمامی مراحل از جمله دریافت، ثبت، جمع زدن و دسته بندی، انتقال به حوزه های مرکزی و ذخیره یا انتقال مدارک و ابزار حساس و همچنین میزان مشارکت را دارند؟
- ب. اگر بله، آیا به آنان اجازه داده می شود تا درباره روند اجرای مراحل اعتراض کنند، اعتبار آرا و دقت شمارش را زیر سوال ببرند و یا خواستار بازشماری آرا شوند و درباره آن شکایت کنند؟
۲۰۰. اگر آرا بازبینی و برای قرار گرفتن در نتایج کلی معتبر شناخته شده، آیا قانون مفادی را دربر می گیرد که درمقابل استرداد حق رای و رای دادن غیرقانونی محافظت کند؟
- الف. آیا قانون حکم می کند که نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، بتوانند مراحل را نظارت و درباره آن ابراز نگرانی کنند؟
- ب. آیا قانون حکم می کند که ناظران غیرحزبی داخلی، رسانه ها و ناظران بین المللی بتوانند بر مراحل نظارت کنند؟
۲۰۱. آیا قانون حکم می کند که کپی تمامی برگه های دسته بندی که شمار آرای وارده در تمامی سطوح را نشان می دهد، و از حوزه ها تا سطوح میانی و بالایی را دربرمی گیرد، در دسترس عمومی قرار گیرد؟
- الف. آیا لازم است که نسخه های کپی برابر اصل این گزارش ها در اختیار نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسسی و دیگر گروه های جمع آوری تومار، رسانه ها، ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی قرار گیرد؟
- ب. آیا لازم است که نتایج آرای جمع آوری شده و تک به تک، در زمان کوتاه روی وبسایت اینترنتی مربوطه قرار گیرد؟
۲۰۲. آیا نتایج نیمه رسمی لازم است که برای عموم اعلام شود؟ اگر بله، در چه فاصله ای؟
۲۰۳. آیا قانون برای انتشار نتایج اولیه رسمی جدول زمانی مناسب و شفاف تعیین کرده است؟
۲۰۴. آیا قانون مبنا و مراحل مشخص و شفافی را برای به چالش کشیدن نتایج انتخابات در سطح حوزه رای گیری، مراکز دسته بندی میانی و مراکز بالایی جمع آوری آرا در نظر می گیرد؟

۲۰۵. آیا قوانینی برای حفظ و حراست از برگه های رای، و دیگر مواد و ابزار حساس، مانند ماشین آلات الکترونیک، اسناد تاییدی افراد، و ابزاری که نقل و انتقالات نتایج آرا را انجام می دهند، وجود دارد؟

۲۰۶. مراحل و زمان بندی اعلام رسمی نتایج چگونه است؟

۲۰۷. آیا زمان ادای سوگند کاندیدای برنده به دنبال اعلام نتایج تعیین شده است؟ الف. اگر بله، تحت چه شرایط این زمان می تواند به تاخیر بیاقتد؟

مکانیزم های شکایت

اهداف: اطمینان از پیشرفت مراحل طبق برنامه، برابری در مقابل قانون، اعمال برابر قانون و چاره اندیشی موثر و افزایش اعتماد عمومی به بی طرفی و شایستگی دولت و همچنین مقامات قضایی که شکایات را بررسی می کنند.

معیارها یا شاخص ها - چارچوب حقوقی:

- روند مشخص و دقیق رسیدگی به شکایات برای تمامی عناصر برگزاری انتخابات را تعیین می کند.
- راه حل سریع برای شکایات انتخاباتی و دیگر اقدامات ارائه می دهد.
- راه های جبران شکایات انتخاباتی را ارائه می دهد، از جمله ارائه راه حل های موثر و مسئول شناختن ناقضان حقوق انتخابات، و
- از مکانیزم های شفافیت بهره می برد که اعتماد عمومی به کل روند انتخابات را تقویت می کند.

پرسش های قابل ملاحظه:

۲۰۸. آیا قانون روند مشخصی را برای ارائه شکایات انتخاباتی، و دیگر اشکالات حقوقی وارد به روند انتخابات را در نظر می گیرد؟

۲۰۹. آیا قانون مقرر می کند که رسیدگی حقوقی از سوی قوه قضائیه، دولت و یا یک نهاد قانونی صورت می گیرد و تمامی موارد مربوط به حقوق بنیادی، از سوی قوه قضائیه بررسی می شود؟

۲۱۰. آیا طبق مقررات قانون، مشخص می شود که چه نهاد یا شخصی می تواند اشکال مختلف شکایات را ثبت کند، کدام نهاد می تواند قضاوت کند، کدام قانون دولتی یا روند دادگاهی باید بر مسئله اعمال شود، مثلا الزامات پرونده، اثبات، شهادت و زمان اقدام قانونی و روند استیناف؟

۲۱۱. آیا این موارد در مقررات حقوقی دولتی، مقررات شهروندی و/یا مقررات جنایی نیز آمده است؟ الف. اگر بله، آیا این مفاد ثابت هستند؟

ب. اگر ثابت نیستند، کدام قانون دست بالا را در تصمیم گیری دارد؟

ج. آیا این مقررات با الزامات قانون اساسی مطابقت دارد؟

د. آیا این مقررات با اصول بین المللی درباره روند حقوقی، برابری در مقابل قانون و حمایت برابر از قانون مطابقت دارد؟

۲۱۲. آیا مقررات و قانون چاره موثری را برای اشکال مختلف شکایات، چالش ها و دیگر اقدامات حقوقی می اندیشد؟

الف. آیا راه چاره مسئله را حل کرده و از آسیب بیشتر در مسئله مورد بحث، جلوگیری می کند؟

۲۱۳. آیا قوانین و مقررات مفادی را در مورد اجرای موثر راه حل ارائه می دهند؟

الف. کدام نهاد مسئول اجرای راه حل است و آیا اختیارات کافی و منابع برای اجرای راه حل را دارد؟
 ۲۱۴. آیا قانون و مقررات مشخص می کند که آیا تنها افراد به خاطر نقض قانون انتخابات مجازات می شوند یا رهبران احزاب سیاسی، کاندیداها، رهبران گروه های انجام دهنده همه پرسی و دیگر گروه ها، ناشران و سردبیران رسانه ای و همچنین رهبران ناظران داخلی غیرحزبی نیز به خاطر عملکرد اشتباه پرسنلشان مورد مواخذه قرار می گیرند؟

الف. اگر مسئولیت فراتر از افراد باشد، چه مجازاتی ممکن است در نظر گرفته شود؟

ب. آیا این مجازات با قانون اساسی مطابقت دارد؟

ج. آیا این مجازات با اصول بین المللی آزادی اجتماعات، آزادی بیان، و همچنین الزامات اعمال قانون مطابقت دارد؟

۲۱۵. آیا دایره دولتی در درون نهاد مدیریت انتخابات یا دیگر سازمان های دولتی وجود دارد که کارش رسیدگی به شکایات انتخاباتی باشد؟

الف. اگر بله، اشخاص به چه شکلی در این نهاد منصوب می شوند؟

ب. آیا تمهیدات کافی برای اطمینان از بی طرفی و شایستگی راه حل های ارائه شده وجود دارد؟

۲۱۶. آیا دادگاه های مخصوص رسیدگی به شکایات انتخاباتی موجودند؟

الف. اگر بله، قضات این دادگاه ها به چه نحوی انتخاب یا منصوب می شوند؟

ب. آیا تمهیدات کافی برای اطمینان از بی طرفی و شایستگی راه حل های ارائه شده وجود دارد؟

۲۱۷. آیا نهاد مدیریت انتخابات اختیار دارد که به طور مستقل درباره موارد نقض قانون انتخابات تحقیق و رسیدگی کند؟

الف. اگر بله، چه دایره ای در درون نهاد مدیریت انتخابات این قدرت را دارد و آیا عملکردش در راستای اصول بین المللی است؟

۲۱۸. آیا نهاد مدیریت انتخابات مرحله ای را دربرمی گیرد که طی آن شهروندان و رقیبان انتخاباتی بتوانند شکایاتشان از عملکرد مقامات انتخاباتی یا دیگر مسئولان دولتی ناقض حقوق انتخاباتی را عرضه کنند؟

الف. اگر بله، آیا مراحل رسیدگی مجازاتی را برای آن دسته از مقامات خاطی در نظر می گیرد؟

ب. آیا حقوق مسلم آن مقامات در روند رسیدگی به خطا رعایت می شود؟

۲۱۹. آیا نهاد مدیریت انتخابات، سازو کاری داخلی دارد که اقدامات مقامات انتخاباتی یا دیگر مقامات ناقض حقوق انتخابات را مشخص کند؟

الف. اگر بله، آیا مقررات مجازات سازمانی برای مقامات خاطی در نظر می گیرد؟

ب. آیا حقوق آن مقامات طی روند رسیدگی رعایت می شود؟

۲۲۰. آیا قوانین و مقررات روند مشخصی را برای اعتراضات به تصمیم دولت، مقامات قضایی یا نهادهای قانونگزاری در مورد شکایات انتخاباتی در نظر می گیرد؟

الف. آیا مشخصا تعیین می شود که کجا شکایات رد می شوند، زمان ثبت شکایت، مبنای شکایت و همچنین امکان شکایات بیشتر برای موارد انتخاباتی به چه شکل است؟

۲۲۱. آیا روند رسیدگی به شکایات انتخاباتی باید برای شاکی و عموم باز باشد؟

۲۲۲. تصمیم گیری درباره شکایات و اعتراضات، باید دلایل آن تصمیم را نیز متذکر شود؟

الف. آیا تصمیم گیری به شکایات انتخاباتی باید کتبی باشد؟

ب. آیا تصمیمات باید منتشر شود؟

۲۲۳. آیا شکایات و جواب های کتبی بخشی از سوابق عمومی به شمار می روند؟

۲۲۴. آیا قوانین و مقررات مشخص می کنند که تحت چه شرایطی به بازشماری آرا یا برگزاری مجدد انتخابات حکم داده می شود؟

- الف. بازشماری یا برگزاری دوباره انتخابات در حوزه اختیارات کدام نهاد است؟
- ب. آیا درباره موانع، مشکلات، شهود و جدول زمانی این چالش حقوقی، مقررات مشخصی وجود دارد؟
- ج. پس از صدور دستور، آیا قوانین و مقررات روند مشخصی را برای بازشماری و برگزاری انتخابات مجدد تعیین می کند؟
- د. آیا قانون مفادی را برای حضور نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیداها، گروه های موافق و مخالف همه پرسى و دیگر گروه های جمع آوری تومار، رسانه ها، ناظران غیرحزبی داخلی و ناظران بین المللی تعیین می کند؟
۲۲۵. آیا قانون اساسی، قانون و مقررات شرایط خاصی را تعیین می کنند که تحت آن کل یا بخشی از انتخابات لغو شود یا به تاخیر بیاقتد؟
- الف. کدام نهاد قدرت لغو یا به تاخیر انداختن انتخابات را دارد؟
- ب. آیا می توان به این تصمیم اعتراض کرد یا در آن بازبینی کرد؟
- ج. آیا مقررات با اصول بین المللی درباره امور اضطراری و دخالت در امور دموکراتیک تطابق دارد؟
۲۲۶. آیا قوانین و مقررات مشروح جرائم انتخاباتی را اعلام می کنند؟
- الف. اگر بله، آیا این مفاد با مقررات جنایی مطابقت دارد؟
- ب. اگر چندین قانون در این مورد موجود است، کدام یک دست بالا را دارد؟
- ج. کدام نهاد مسئول رسیدگی به جرائم انتخاباتی است؟
- د. آیا مقررات روند محوله حقوق متهمان را تضمین میکند؟
۲۲۷. آیا قانون یا مقررات مفادی را برای میانجیگری یا حکمیت یا دیگر ابزار غیر قضایی برای حل مناقشات ارائه می دهد؟
- الف. اگر بله، این ابتکار عمل به چه شکل است؟
- ب. کدام فرد یا نهادی این کار را برعهده می گیرد؟
- ج. چه جور مسائلی را می توان در این مرحله مورد رسیدگی قرار داد؟
- د. این مرحله چه گام هایی از حل مناقشه را می تواند بردارد؟
- ه. آیا سابقه علنی مراحل ارائه می شود؟
۲۲۸. احزاب سیاسی، کاندیداها و دیگر رقیبان انتخاباتی، دستور العمل داوطلبانه ای دارند؟
- الف. آیا دستور العمل داوطلبانه مکانیزمی را برای رقیبان انتخاباتی در نظر می گیرد تا درباره نقض مقررات، قوانین و اصول و/یا دیگر مسائل شکایت کنند؟
- ب. اگر بله، مکانیزم شکایت چیست و چه کسی آن را تسهیل می کند یا پیش می برد؟
- ج. آیا مکانیزم شکایت دارای مشخصه میانجیگری مذاکره، واسطه یا دیگر ابزار حل مناقشه است؟
- د. آیا سابقه روند شکایت و رسیدگی به آن برای عموم در دسترس است؟

پیوست یک

مکان هایی که «موسسه ملی دمکراتیک» درباره چارچوب حقوقی انتخابات آن ها دیدگاه یا تحلیل ارائه داده است.

مکان هایی که «موسسه دمکراتیک ملی» درباره چارچوب حقوقی انتخابات آن ها دیدگاه یا تحلیل ارائه داده است

آفریقا	اوراسیا
بروندی اتیوپی گامبیا مالی مراکش موزامبیک نیجریه سنگال آفریقای جنوبی سودان زیمبابوه	آذربایجان گرجستان قزاقستان قرقیزستان فدراسیون روسیه اوکراین
آسیا	آمریکای لاتین و کارائیب
افغانستان بنگلادش کامبوج تیمور شرقی هنگ کنگ اندونزی نیپال پاکستان	جمهوری دومینکن گویانا هائیتی مکزیک پاراگوئه پرو ونزوئلا

	سنگاپور
خاورمیانه	
اردن مناطق فلسطینی یمن	
	اروپای شرقی و مرکزی
	آلبانی بوسنی و هرزگوین مقدونیه مونته نگرو رومانی صربستان اسلواکی

پیوست دو

مکان هایی که «موسسه دمکراتیک ملی» از تلاش سازمان های شریک برای رسیدگی به چارچوب انتخابات دمکراتیک حمایت کرده است

مکان هایی که «موسسه دمکراتیک ملی» از تلاش سازمان های شریک برای رسیدگی به چارچوب انتخابات دمکراتیک حمایت کرده است

ارمنستان

It's Your choice (IYC)
 Website: www.iyc.am
 Email: iyc@arminco.com

افغانستان

Free and Fair Elections Foundation of Afghanistan (FEFA)
 Email: fefa@fefa.org.af

آذربایجان

For the Sake of Civil Society (FSCS)
 Election Monitoring Center (EMC)
 Website: www.smm-az.org/
 Email: emcaz2001@gmail.com

بنگلادش

Fair Election Monitoring Alliance (FEMA)
 Email: fema@hol-online.com

Centers for Civic Initiative (CCI)

Website: www.ccibh.org

بلغارستان

Bulgarian Association for Fair Elections and Civil Rights (BAFECR)

کامبوج

Committee for Free and Fair Elections (COMFREL)

Website: www.comfrel.org

Email: comfrel@comfrel.org

Coalition for Free and Fair Elections (COFFEL)

Neutral and Independent Committee for Fair Elections in Cambodia
(NICFEC)

Email: nicfec@wicam.com.kh

کرواسی

GONG

Website: www.gong.hr

Email: gong@gong.hr

جمهوری دومنیکن

Participación Ciudadana (Citizen Participation)

Website: www.pciudadana.com/index.html

مصر

Egyptian Organization for Human Rights (OEHR)

Website: www.eohr.org.eg/

The Independent Commission for Electoral Review (ICER)

Ibn Khaldun Center for Development Studies (ICDS)

اتیوپی

Ab-Bu-Gi-Da

گرجستان

International Society for Fair Elections and Democracy (ISFED)

Website: www.isfed.ge

Email: info@isfed.ge

گویانا

Electoral Assistance Bureau (EAB)

Website: www.eabguyana.org.gy

اندونزی

The Center for Electoral Reform (CETRO)

Website: www.cetro.or.id

LP3ES

Website: www.lp3es.or.id

The Indonesian Parliamentary Center

Jurdil Aceh

عراق

Election Information Network (EIN)

Website: www.iraqiein.org

اردن

The National Center for Human Rights

Al Urdon Al Jedid Research Center

Al Hayat Center for Civil Society Development

Website: www.hayatcenter.org

Email: info@hayatcenter.org

کوسوو

Reforma

لبنان

Lebanese Association for Democratic Elections (LADE)

Civil Campaign for Electoral Reform (CCER)

Website: www.ccerlebanon.org

ماداگاسکار

Education des Citoyens (KMF/CNOE)
Email: cnoe@moov.mg

مکزیک

Alianza Civica (Civic Alliance)
Website: www.alianzacivica.org.mx

مونته نگرو

Association of Young Journalists of Montenegro (AMN)

Center for Democratic Transitions (CDT)
Website: www.cdtmn.org
Email: cdtmn@t-com.me

نیپال

National Election Observation Committee (NEOC)

Website: www.neocnepal.org

نیجریہ

Transition Monitoring Group (TMG)
Website: www.tmgngigeria.org

Nigeria Bar Association (NBA)
Website: www.nigerianbar.org
Email: nba@nigeriabar.org

Nigeria Labor Congress (NLC)
Website: www.nlcng.org

Trade Union Congress of Nigeria (TUC)

پرو

Transparencia (Transparency)
Website: www.transparencia.org.pe

رومانی

Asociatia Pro Democratia (Pro-Democracy Association – APD)
Website: www.apd.ro

فدراسیون روسیہ

Voice Coalition (GOLOS)
Website: www.golos.org
Email: goles@golos.org

صربستان

CeSID (Serbian Center for Free Elections and Democracy)
Website: www.cesid.org

اسلواکی

Obcianske Oko (Civic Eye)
Website: www.obcianskeoko.sk

MEMO'98
Website: www.memo98.sk
Email: memo98@memo98.sk

سريلانكا

Movement for Free and Fair Elections (MFFE)

People's Action for Free and Fair Elections (PAFFREL)
Website: www.paffrel.lk

Centre for the Monitoring of Election Violence (CMEV)
Website: www.cpalanka.org/election_monitoring.html

تایلند

PollWatch

People's Network for Elections in Thailand (PNET)

اوکرایین

Committee of Voters of Ukraine (CVU)

Website: www.cvu.org.ua

Email: cvu@cvu.kiev.ua

ونزوئلا

Escuela de Vecinos de Venezuela (School of Neighbors – EVV)

Queremos Elegir (We Want to Choose)

Website: www.queremoselegir.org/

يمن

Arab Democratic Institute (ADI)

زامبيا

Committee for a Clean Campaign/Foundation for Democratic Process
(FODEP)

Website: www.fodep.org.zm

Email: fodep@coppernet.zm

زيمبابوه

Zimbabwe Election Support Network (ZESN)

Website: www.zesn.org

Email: zesn@africaonline.co.zw

Zimbabwe Lawyers for Human Rights

Website: www.zlhr.org.zw

Email: zlhr@icon.co.zw
